

راهنمای مطالعه کتاب مقدس

اکتبر | نوامبر | دسامبر ۲۰۱۷

رستگاری، تنها از طریق ایمان:

# کتاب رومیان



# فهرست مطالب

۱. پولس رسول در روم - ۳۰ سپتامبر تا ۶ اکتبر..... ۴
۲. مشاجره - ۷ تا ۱۳ اکتبر..... ۱۳
۳. وضعیت بشر - ۱۴ تا ۲۰ اکتبر..... ۲۱
۴. عادل شمرده شدن از طریق ایمان - ۲۱ تا ۲۷ اکتبر..... ۲۹
۵. ایمان ابراهیم - ۲۸ اکتبر تا ۳ نوامبر..... ۳۷
۶. آدم و عیسی - ۴ تا ۱۰ نوامبر..... ۴۵
۷. غلبه بر گناه - ۱۱ تا ۱۷ نوامبر..... ۵۴
۸. انسان باب ۷ رومیان کیست؟ - ۱۸ تا ۲۴ نوامبر..... ۶۳
۹. محکومیتی وجود نخواهد داشت - ۲۵ نوامبر تا ۱ دسامبر..... ۷۲
۱۰. فرزندان وعده - ۲ تا ۸ دسامبر..... ۸۱
۱۱. منتخب - ۹ تا ۱۵ دسامبر..... ۹۰
۱۲. غلبه بر اهریمن با نیکی - ۱۶ تا ۲۲ دسامبر..... ۹۸
۱۳. زندگی مسیحی - ۲۳ تا ۲۹ دسامبر..... ۱۰۷

**Editorial Office:** 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absg.adventist.org>

**Principal Contributor**

Carl Cosaert

**Editor**

Clifford R. Goldstein

**Associate Editor**

Soraya Homayouni

**Publication Manager**

Lea Alexander Greve

**Editorial Assistant**

Sharon Thomas—Crews

**Pacific Press® Coordinator**

Wendy Marcum

**Art Director and Illustrator**

Lars Justinen

**Design**

Justinen Creative Group

**Middle East and North Africa Union**

**Publishing Coordinator**

Michael Eckert

**Translation to Farsi**

Rezvan Ahmadi

**Farsi Layout and Design**

Marisa Ferreira



Sabbath School  
Personal Ministries

حق چاپ محفوظ و مخصوص «کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم» میباشد. هیچیک از بخشهای این کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان بدون اجازه قبلی و کتبی از کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم (جزال کنفرانس) قابل ویرایش، تغییر، اصلاح، اقتباس، ترجمه، تکثیر یا انتشار نیست. دفاتر بخشهای تابعه کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم مجاز هستند تا طبق دستورالعمل ویژه ای ترتیبی اتخاذ نمایند تا کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان ترجمه گردد. حق طبع و نشر مطالب ترجمه شده و انتشارات آنان متعلق به کنگره عمومی است. عناوین (ادونتیستهای روز هفتم) و (ادونتیست) و آرم شعله گون جزو اسامی و علامت تجاری ثبت شده متعلق به کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم میباشد و استفاده از آن بدون اجازه قبلی از کنگره عمومی ممنوع است.



## خاستگاه و جایگاه ما در اینجاست: تفسیر لوتر از کتاب رومیان

پانصد سال پیش در چنین ماهی، مارتین لوتر ۳۳ ساله که یک پژوهشگر رشته الهیات مسیحی بود، رساله نود و پنج ماده‌ای خود را منتشر کرد. و اگر چه او در ابتدا صرفاً در پی اثبات خبط و خطا و اشارلاتان بازیهای پاپ حقه باز بود که گله روحانی لوتر را با فروش براتِ آمرزش از گناهان فریب می‌داد، مخالفت و اعتراض کنش گرانه لوتر به جرقه‌ای تبدیل شد که باعث شعله ور شدن نهضت اصلاحات پروتستان گردید و از آن زمان بود که دیدگاه گذشته جهان نسبت به مسیحیت متحول شد و دیگر مثل سابق نبود. البته، از آن روز تاریخی سال ۱۵۱۷ تغییرات فراوانی رخ داده است. اما چیزی که تغییر نکرده، کلام خدا و حقایق کلام است که شالوده و پایگاه الهیاتی ستیگی برای لوتر شد تا کلیسای پاپ روم را به چالش کشیده و بموجب آن پیام عظیم رستگاری «فقط بواسطه ایمان» را به میلیونها نفر ارزانی دارد.

کانون آن پایه و اساس، در مطالعات دروس این تُلث، کتاب رومیان است. لوتر در خصوص کتاب رومیان اینگونه تفسیر خود را ابراز نمود: «رساله های پولس در واقع سرسبد عهد جدید و ناب ترین بخش انجیل است، و شایسته است که نه تنها هر مسیحی آن را کلمه به کلمه از حفظ بداند، بلکه هر روز خود را بدان مشغول دارد، گویی که نان و قوت روزانه جان است.» — مارتین لوتر، حاشیه و تفسیری بر کتاب رومیان، بر گرفته شده از ماخذ ذیل:

Martin Luther, *Commentary on Romans*, translated by J. Theodore Mueller (Grand Rapids, Mich.: Kregel Publications, 1976), p. 8.

آری، لوتر حقیقت بزرگ «رستگاری محض ایمان» را در میان نوشته های کتاب رومیان یافت. در اینجا بود که این مرد که با فهم ضمانتِ رستگاری در تقلا بود، حقیقت بزرگ را هویدا نمود — نه فقط در مورد رومیان، نه فقط در مورد عهد جدید، بلکه در مورد تمام

کتاب مقدس: حقیقت در مورد نقشه نجات، «که قبل از قدیم‌الایام در مسیح عیسی به ما عطا شد» (دوم تیموتائوس باب ۱ آیه ۹). و این حقیقت است که رستگاری تنها در عدالت مسیح یافت می‌شود. این عدالتی است که با ایمان به ما سپرده شده است، عدالتی که جدا از رعایت احکام به ما اعطا شده است. و یا آنگونه که پولس به وضوح آن را در رومیان بیان می‌کند: «زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود» (رومیان باب ۳ آیه ۲۸).

این نیز با توجه به این حقیقت بود که لوثر — کسی که قدرت‌ها و حاکمان جهان و سلسله حکومتی پاپ روم را به مبارزه می‌طلبید — در سال ۱۵۲۱ در مقابل شورای ورمز حضور یافت و اعلام نمود: «من نه می‌توانم و نه می‌خواهم که از بیانیه خود عقب نشینی کنم چرا که صحیح نیست که یک مسیحی بر ضد وجدان خویش سخن بگوید .... جایگاه و موضع من این است و می‌توانم کار دیگری انجام بدهم.» — از مرجع زیر بر گرفته شده است:

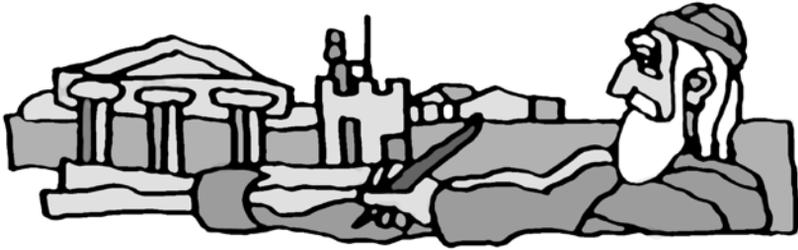
J. H. Merle D'Aubigné D.D., *History of the Reformation*, translated by H. White (New York: American Tract Society, 1848), p. 249.

و امروزه پروتستان‌های وفادار نیز نمی‌توانند کار دیگری انجام دهند مگر اینکه بر کلام خدا ایستادگی کرده و با همه سنت‌ها و عقایدی که بر پایه کتاب مقدس نیستند مخالفت ورزند. شکی نیست که مسیحیت، از زمان لوثر تا حد زیادی پیشرفت کرده است و خود را از قرن‌ها خرافات و آموزه‌های نادرست که نه تنها انجیل را تحریف کردند، بلکه در واقع، جایگاه آن را بزورغصب کرده بود، آزاد ساخته است.

با این حال، اصلاحات در طی سال‌های طولانی از حرکت باز مانده بود. در بعضی جاها، تشریفات سرد و صوری جای حرکت و پیشرفت را گرفت، و در برخی جاهای دیگر، مردم در واقع به اعتقادات پاپ روم بازگشتند. و اکنون در عصر وحدت‌گرایی کلیساهای مسیحیان و کثرت‌گرایی، بسیاری از حقایق خاص و بارز که موجب حرکت نهضت اصلاحات شد رو بسردی و کم‌رنگی نهاد و تحت یورشهای پی‌در پی تزویر و حیل رشته‌منطق و معانی مختلف کلامی قرار گرفت که در پی مخفی نمودن تفاوت‌های بنیادین بودند، که تا اکنون نیز همچون دوره لوثر حل و فصل نشده‌اند. نبوت‌های دانیال باب ۷ آیات ۲۳ تا ۲۵، باب ۸ آیات ۹ تا ۱۲ و مکاشفه یوحنا باب‌های ۱۳ و ۱۴ و همچنین مژده بزرگ نجات و رستگاری از طریق ایمان که در کتاب رومیان یافت می‌شود، نشان می‌دهند که چرا افراد وفادار به کتاب مقدس باید محکم به حقایقی که نیاکان پروتستان ما حتی به بهای زندگیشان از آن دفاع نمودند، وفادار بمانند.

ما ادونتیست‌های روز هفتم هستیم و بر اصل تنها کتاب مقدس بطور محض تکیه داریم؛ از این رو، ما سرسختانه تمام تلاش‌ها را برای برگرداندن مسیحیان به ایمان زمان روم و قبل از دوره اصلاحات رد می‌کنیم. در مقابل، کتاب مقدس، ما را در جهت مخالف رهنمون می‌دارد (مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیه ۴) و ما در آن جهت با اعلان «انجیل ابدی» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۶) به جهان، همان انجیل ابدی که ۵۰۰ سال پیش به لوثر الهام بخشید، به حرکت ادامه می‌دهیم.

# پولس رسول در روم



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** رومیان باب ۱۵ آیات ۲۰ تا ۲۷؛ اعمال رسولان باب ۲۸ آیات ۱۷ تا ۳۱؛ فیلیپیان باب ۱ آیه ۱۲؛ رومیان باب ۱ آیه ۷؛ افسسیان باب ۱؛ رومیان باب ۱۵ آیه ۱۴.

**آیه حفظی:** «اول شکر می‌کنم خدای خود را به وساطت عیسی مسیح درباره همگی شما که ایمان شما در تمام عالم شهرت یافته است» (رومیان باب ۱ آیه ۸).

برای یک دانش آموز کتاب رومیان مهم است که پیشینه تاریخی این کتاب را درک نماید. همیشه زمانی که به دنبال درک کلام خدا هستیم، درک زمینه و شرایط محیطی آن زمان بسیار مهم است. ما باید نسبت به مسائلی که به آن‌ها اشاره شده آگاهی یافته و آنها را درک کنیم. پولس خطاب به گروهی خاص از مسیحیان در زمانی خاص و به دلیلی خاص می‌نوشت؛ دانستن آن دلیل تا حد امکان، به میزان زیادی ما را در حین مطالعه منتفع خواهد ساخت. بنابراین، بیایید به گذشته برگردیم. بیایید به روم قرن اول سفر کنیم، و اعضای حاضر در کلیسا بشویم و سپس، به عنوان اعضای کلیسای قرن اول، بیایید به سخنان پولس و کلامی که روح القدس به او برای ارائه به مؤمنان در روم داد، گوش فرا دهیم. و در عین حال با اینکه مسائل ضروری که پولس بدان اشاره میکرد محلی بود، ولی در بطن خود دارای ارزش‌ها و اصولی همچون، چگونگی رستگار شدن انسان بود که اشاره به این موضوع دارد که این مسئله جهان شمول بود. آری، پولس خطاب به یک گروه خاص از مردم سخن می‌گفت. و بلی، زمانی که او نامه را نوشت، موضوعی خاص در مد نظر داشت. اما همانطور که می‌دانیم، قرن‌ها بعد در زمان و شرایط محیطی کاملاً متفاوت، کلامی که او مکتوب کرد، به همان میزان که برای اولین بار در حین نگارش به زمان او مرتبط بودند، به زمان مارتین لوتر نیز مربوط بودند. و با شرایط امروزه ما نیز متناسب هستند.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۷ اکتبر آماده شوید.

## نامه پولس رسول

رومیان باب ۱۶ آیات ۱ و ۲ حاکی بر این هستند که پولس احتمالاً رساله رومیان را در شهر یونانی گنخربه نوشت، که در نزدیکی قُرنتُس بود. اشاره پولس به فیبی، یکی از ساکنان قُرنتسِ علیا، آن مکان را به پیشینه احتمالی نامه به رومیان معین می‌کند. یکی از اهداف معین نمودن شهر محل خاستگاه رساله‌های عهد جدید، برای تعیین تاریخ نوشته شدن آن‌ها می‌باشد. از آنجایی که پولس بسیار سفر می‌کرد، دانستن مکان وی در یک زمان خاص، یک سرخ از تاریخ آن را به ما ارزانی می‌دارد. پولس کلیسای قُرنتس را در دومین سفر بشارتی خود، ۴۹-۵۲ بعد از میلاد مسیح تأسیس نمود (اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۸ را ببینید). او در سفر سوم خود، ۵۳-۵۸ بعد از میلاد مسیح، بار دیگر از یونان دیدن کرد (اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۲ و ۳) و تقریباً در پایان سفر خود پیشکشی برای مقدسین در اورشلیم (رومیان باب ۱۵ آیات ۲۵ و ۲۶) دریافت نمود. بنابراین، رساله او به رومیان احتمالاً در ماه‌های اولیه سال ۵۸ پس از میلاد مسیح نوشته شده است.

**پولس در سفر بشارتی سوم خود، از چه کلیساهای مهم دیگری بازدید نمود؟ اعمال رسولان باب ۱۸ آیه ۲۳.**

پولس در بازدید از کلیساهای غلاطیه، پی برد که در طول غیبت وی، معلمان دروغین، اعضا را به ختنه کردن و نگاه داشتن دیگر احکام شریعت موسی متقاعد کرده بودند. پولس از بیم اینکه مخالفانش ممکن است قبل از رسیدن او وارد روم بشوند، نامه ای نوشت (رومیان) تا از وقوع فاجعه‌ای مشابه در روم جلوگیری کند. این باور وجود دارد که رساله به غلاطیان نیز از قُرنتس در طول سه ماه اقامت پولس در آنجا در سومین سفر بشارتی وی، شاید اندکی پس از ورودش نوشته شده باشد.

«پولس در رساله خود به رومیان، اصول بزرگ انجیل را مشخص نمود. او موضع خود را نسبت به پرسش‌هایی که کلیساهای یهودی و غیر یهودی را پریشان می‌کرد، ابراز نمود و نشان داد که امیدها و وعده‌هایی که زمانی بطور خاص به یهودیان تعلق داشته است، اکنون به غیر یهودیان نیز ارائه می‌شود.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر:

Ellen G. White, *The Acts of the Apostles*, p. 373.

همانطور که گفتیم، در مطالعه هر کدام از کُتب کتاب مقدس، دانستن علت نگارش آن مهم می‌باشد؛ یعنی، وضعیتی که آنرا بازگو می‌کرد. از این رو، برای درک ما از رساله

رومیان، دانستن اینکه کدام پرسش‌ها، کلیساهای یهودی تبار و غیر یهودی تبار را پریشان می‌کرد، مهم است. درس هفته آینده به این پرسش‌ها خواهد پرداخت.

چه نوع مسائلی امروزه کلیسای شما را پریشان و آشفته می‌کنند؟ آیا تهدیدات، بیشتر از خارج یا از داخل هستند؟ نقش شما در این مسائل چیست؟ هر چند وقت یکبار نقش، موقعیت و نگرش خود در هر نوع سختی که با آن روبرو هستید را به چالش کشیده‌اید؟ چرا این نوع خود آزمایی بسیار مهم است؟

۲ اکتبر

دوشنبه

## تمایل قلبی پولس برای بازدید از روم

شکی نیست که تماس‌های فردی بهترین راه برای برقراری ارتباط در بسیاری از موارد می‌باشد. ما می‌توانیم تماس تلفنی برقرار کنیم، ایمیل یا پیام صوتی بفرستیم یا حتی با اسکایپ مکالمه کنیم، اما گفتگوی رو در رو و تماس حضوری بهترین راه برای برقراری ارتباط است. به همین دلیل پولس در رساله خود به رومیان اعلام کرد که مایل بود آنها را بطور حضوری ملاقات کند. او می‌خواست که آنها از آمدن وی و دلیل آن مطمئن شوند.

رومیان باب ۱۵ آیات ۲۰ تا ۲۷ را بخوانید. پولس برای برای توجیه علت تاخیر خود در بازدید از روم چه می‌گوید؟ علت تصمیم او برای بازدید از روم چه بود؟ استدلال او برای مأموریت بشارتی تا چه حد مهم بود؟ از سخنان پولس در اینجا چه چیزی می‌توانیم در مورد مأموریت بشارتی و شهادت دادن بیاموزیم؟ پولس در رومیان باب ۱۵ آیه ۲۷، به چه نکته جالب و مهمی در مورد یهودیان و غیر یهودیان اشاره می‌کند؟

او که اینک مُبَلِّغ و مُبَشِّر بزرگی برای غیر یهودیان بود همواره احساس می‌کرد که باید مژده انجیل را به مناطق جدید برساند و دیگران را در مکان‌هایی که مژده انجیل را دریافت کرده بودند، به کار بگیرد. در آن زمان که مسیحیت در ابتدای راه و نیروی کار برای آن محدود بود، کار کردن در مناطقی که مژده انجیل قبلاً به آنها وارد شده بود، ائتلاف نیروی با ارزش کار بشارتی بود. او گفت: «اما در تمام مدت آرزوی من این بوده است که به نقاط دیگر نیز رفته، کلام خدا را در جایهایی که نام مسیح هرگز شنیده نشده است، بشارت دهم. اما هرگز نخواستیم ام در نقاطی مژده انجیل را وعظ کنیم که قبلاً شخص دیگری در آنجا عده‌ای را بسوی مسیح هدایت کرده، و کلیسایی تشکیل یافته

است. در واقع من همان طرحی را دنبال می‌کنم که در کتاب آسمانی آمده است؛ زیرا اشعیای نبی گفته است کسانی که از او بی‌اطلاع بودند، خواهند دید و درک خواهند کرد. «(رومیان باب ۱۵ آیات ۲۰ و ۲۱).

هدف پولس ساکن شدن در روم نبود. بلکه هدف وی این بود که در اسپانیا بشارت دهد. او امیدوار بود که حمایت مسیحیان روم را برای این اقدام مخاطره‌آمیز بدست آورد.

از این واقعیت که پولس به دنبال دریافت کمک از یک کلیسای تأسیس شده برای تبلیغ در یک منطقه جدید بود، چه اصل مهمی را می‌توانیم در مورد مسئله کلی‌مأموریت بشارتی دریابیم؟

دوباره رومیان باب ۱۵ آیات ۲۰ تا ۲۷ را بخوانید. به میزان تمایل بسیار زیاد پولس به بشارت دادن و خدمت کردن توجه کنید. چه چیزی شما و اعمالتان را بر می‌انگیزد؟ شما تا چه میزان قلبی خدمتگزار دارید؟

۳ اکتبر

سه‌شنبه

## پولس در روم

«و وقتی به روم رسیدیم، به پولس اجازه دادند که هر جا می‌خواهد زندگی کند. فقط یک نگهبان همیشه مراقب او بود.» (اعمال رسولان باب ۲۸ آیه ۱۶). این آیات در مورد اینکه پولس در نهایت چگونه به روم رسید، چه چیزی به ما می‌گویند؟ ما چه درس‌هایی می‌توانیم از این آیات در مورد چیزهای غیر منتظره و ناخواسته‌ای که اغلب بر سر راه ما قرار می‌گیرند، بیاموزیم؟

آری، پولس به هر حال به عنوان یک زندانی، در نهایت به روم رسید. اغلب برنامه‌های ما آنگونه که پیش بینی کرده‌ایم و امیدوار بوده‌ایم، عملی نمی‌شوند، حتی آنهایی که با بهترین نیت برنامه‌ریزی شده‌اند.

پولس در پایان سفر بشارتی سوم خود، با هدایایش برای فقرا، که از جماعات کلیسایی اروپا و آسیای صغیر جمع‌آوری کرده بود، به اورشلیم رسید. اما رویدادهای غیر منتظره‌ای در انتظار او بودند. او دستگیر و به زنجیر کشیده شد. پس از دو سال زندانی بودن در

قیصریه، او برای سزار روم عریضه ای فرستاد. حدود سه سال پس از دستگیری وی، او وارد روم شد، احتمالاً انتظار او به گونه ای نبود آنچنانکه زمانی که برای اولین بار از اشتیاق خود برای بازدید از کلیسای روم نوشته بود.

اعمال رسولان باب ۲۸ آیات ۱۷ تا ۳۱ در مورد زمانی که پولس در روم بود به ما چه می‌گویند؟ مهم‌تر اینکه، چه درسی می‌توانیم از آنها بیاموزیم؟

«نی بواسطه وعظ های پولس بلکه به سبب غل و زنجیرهای وی بود که زندانیان مجذوب مسیحیت گردیدند. به سبب اسارت او بود که یوغهای بسیاری که ایشان را در اسارت گناه نگاه داشته بود شکسته شد. لیکن اینها همه چیز نبود. او اظهار نمود: بسیاری از برادران در خداوند به سبب اسارت من دلگرم شده اند و چه بسا جرات بیشتری یافته اند تا با شهامت کلام خدا را اعلان نمایند. ' فیلیپیان باب ۱ آیه ۱۴. » - الن جی. وایت، برگرفته از مرجع زیر:

Ellen G. White, *The Acts of the Apostles*, p. 464.

شما چند بار تا کنون پیچیدگی‌های غیر منتظره در زندگی خود را تجربه کرده اید که در پایان نتیجه خوبی به همراه داشته اند؟ (فیلیپیان باب ۱ آیه ۱۲ را ببینید.) شما چگونه می‌توانید و باید، از آن تجربه‌ها ایمان بیابید که برای چیزهایی که خوب به نظر نمی‌رسد، به خدا اعتماد کنید؟

۴ اکتبر

چهارشنبه

## «مقدسین» در روم

پولس اینگونه به کلیسای روم درود می‌فرستد: «به همه که در روم محبوب خدا و خواننده شده و مقدّسید، فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد.» (رومیان باب ۱ آیه ۷). از این آیه چه اصولی از حقیقت، الهیات و ایمان می‌توانیم بدست آوریم؟

کسانی که محبوب خدا هستید. در حالی که این درست است که خدا جهان را دوست دارد، اما خدا کسانی که او را انتخاب کرده اند، کسانی که به محبت وی پاسخ داده اند را به گونه‌ای خاص دوست دارد.

ما این مطلب را در حوزه انسانی می‌بینیم. کسانی را که به ما علاقه دارند، به گونه‌ای خاص دوست داریم؛ بین ما یک تبادل متقابل محبت وجود دارد. محبت خواستار پاسخ متقابل است. هنگامی که پاسخی نمی‌آید، محبت کاملاً محدود می‌شود.

**فرا خوانده شده و مقدسید.** منظور از این عبارت «مقدّسینِ فرا خوانده شده» است؛ بدین معنی که، «مقدس تعیین شده اند».

مقدّسین ترجمه واژه یونانی hagioi است، که به معنای «افراد مقدّس» می‌باشد. مقدّس به معنی «اختصاص داده شده یا وقف شده» است. یک فرد مقدّس کسی است که توسط خدا «جدا» شده است. او هنوز هم ممکن است راهی طولانی برای رسیدن به قدوسیت داشته باشد، اما این واقعیت که این شخص مسیح را به عنوان خداوند انتخاب کرده است، چیزی است که او را به عنوان یک فرد مقدّس، بر اساس معنای ارائه شده توسط کتاب مقدس، معین می‌کند.

پولس می‌گوید که آنها «به مقام مقدّس خوانده شده اند». آیا این بدین معناست که برخی از مردم به چنین مقامی خوانده نشده‌اند؟ افسسیان باب ۱ آیه ۴، عبرانیان باب ۲ آیه ۹ و دوم پطرس باب ۳ آیه ۹ چگونه به ما در درک منظور پولس کمک می‌کنند؟

مژده بزرگ انجیل این است که مرگ مسیح برای کل جهان بود؛ برای همه انسان‌ها بود. حتی قبل از بنیانگذاری جهان، همه فراخوانده شده‌اند که در او نجات یابند، همه «به مقام مقدّس فرا خوانده شده‌اند». نیت اولیه خدا برای همه بشریت، یافتن نجات در عیسی بود. آتش نهایی جهنم تنها برای شیطان و فرشتگان او در نظر گرفته شده بود (متی باب ۲۵ آیه ۴۱). اینکه برخی از مردم از آنچه به ایشان ارائه شده است، استفاده نمی‌کنند، از شگفتی این موهبت می‌کاهد، درست همانطور که دست به اعتصاب غذا زدن یک فرد در یک بازار، از مواد غذایی زیادی که در آنجا یافت می‌شود، کم می‌کند.

حتی قبل از پیدایش جهان، خدا شما را فراخوانده که در او نجات یابید. چرا نباید اجازه دهید که هیچ چیزی هرگز شما را از توجه کردن به این دعوت باز دارد؟

۵ اکتبر

پنجشنبه

## ایمانداران در روم

«قبل از هر چیز خدای خود را به وساطت عیسی مسیح برای همه شما شکر می‌کنم زیرا ایمان شما در تمام دنیا شهرت یافته است» (رومیان باب ۱ آیه ۸).

نحوه تشکیل جماعت کلیسایی در روم مشخص نمی‌باشد. این عقیده رایج که کلیسا توسط پطرس و یا پولس تأسیس شد، بدون پایه و اساس تاریخی است. شاید بشارت دهندگان معمولی آن را تأسیس کردند، کسانی که در روز پنطیکاست در اورشلیم ایمان آوردند (اعمال رسولان باب ۲) که سپس از روم بازدید نمودند یا به آنجا نقل مکان کردند. یا شاید در دوره‌ای بعد، نوکیشانی که به روم نقل مکان می‌کردند، از ایمان خود در آن پایتخت جهان شهادت دادند.

جای تعجب است که تنها طی چند دهه پس از پنطیکاست، جماعتی که ظاهراً هیچ بازدید رسالتی دریافت نکرده بودند، به صورتی چنین گسترده شناخته شده بودند. «به رغم مخالفت، بیست سال پس از مصلوب شدن مسیح، یک کلیسای زنده و مشتاق در روم وجود داشت. این کلیسا قوی و غیور بود، و خداوند به آن کمک می‌کرد.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر:

Ellen G. White Comments, *The SDA Bible Commentary*, vol. 6, p. 1067.

«ایمان» در اینجا احتمالاً شامل مفهوم گسترده تری از وفاداری می‌باشد؛ یعنی، وفاداری به شیوه جدید زندگی که در مسیح کشف کرده‌اند.

**رومیان باب ۱۵ آیه ۱۴ را بخوانید. پولس کلیسای روم را چگونه توصیف می‌کند؟**

در اینجا سه مورد که پولس به آنها در مورد تجربه مسیحیان روم با ارزش تلقی و عنوان کرده را انتخاب می‌کند، که به شرح زیر است:

«سرشار از خوبی». آیا مردم خواهند گفت که این تجربه‌های ما می‌باشد؟ همانطور که به ما می‌پیوندند، آیا این وفور نیکی در ماست که توجه ایشان را جلب می‌کند؟ «پر شده از تمام دانش‌ها». کتاب مقدس پیوسته بر اهمیت روشنفکری، اطلاعات و دانش تأکید می‌کند. مسیحیان برانگیخته می‌شوند که کتاب مقدس را مطالعه کنند و بخوبی با آموزه‌های آن آشنا شوند. «کلمات دلی تازه به شما خواهم داد» به معنی این است که 'که یک تفکر جدید به شما خواهم داد.' تغییر قلبی همواره با ایمان ناب نسبت به وظیفه مسیحی و درکی از حقیقت حاصل می‌شود.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر: My Life Today, p. 24.

«قادر به نصیحت نمودن یکدیگر». هیچ کس نمی‌تواند با جدا شدن از سایر ایمانداران از نظر روحانی پیشرفت کند. ما باید قادر به تشویق نمودن دیگران و در عین حال تشویق شدن از سوی آنها باشیم.

کلیسای محلی شما چطور؟ چه اعتباری دارد؟ یا مهمتر اینکه آیا اصلاً اعتباری دارد؟ پاسختان در مورد کلیسای محلی شما چه چیزی می‌گوید؟ مهمتر اینکه در صورت نیاز چگونه می‌توانید به بهبود وضعیت کمک کنید؟

**مطالعه بیشتر:** میتوانید منابع زیر را مطالعه کنید:

Read Ellen G. White, «The Mysteries of the Bible,» p. 706, in *Testimonies for the Church*, vol. 5; «Salvation to the Jews,» pp. 372–374, in *The Acts of the Apostles*.  
Read also *The SDA Bible Dictionary*, p. 922; and *The SDA Bible Commentary*, vol. 6, pp. 467, 468.

«نجات بشریت از چاره اندیشی ثانوی یا ابتکاری بدلیل چرخش غیر منتظره رویدادها پس از بروز گناه حاصل نمی شود. در عوض، از یک نقشه الهی برای نجات بشر که پیش از بوجود آمدن جهان شکل گرفت (اول قرنیتیان باب ۲ آیه ۷؛ افسسیان باب ۱ آیات ۳ و ۱۴؛ دوم تسالونیکیان باب ۲ آیات ۱۳ و ۱۴) و ریشه در محبت ابدی خدا برای بشریت دارد (ارمیا باب ۳۱ آیه ۳).

« این نقشه گذشته ابدی، زمان حال تاریخی و آینده ابدی را دربر دارد. این نقشه شامل واقعیت ها و برکاتی است مثل انتخاب و تقدیر و سرنوشت قوم مقدس خدا شدن و شبیه مسیح شدن، داشتن نجات و آمرزش، اتحاد همه چیز در مسیح، وابستگی به روح القدس، دریافت ارثیه ابدی و جلال یافتن می باشد (افسسیان باب ۱ آیات ۳ تا ۱۴). عذاب و مرگ عیسی یک حادثه تاریخی یا محصول صرفا تصمیم بشری نیست، بلکه ریشه در هدف نجات دهنده خدا و در مرکزیت این نقشه قرار دارند (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۲۷ و ۲۸). عیسی در حقیقت «بره‌ای بود که از بنای عالم ذبح شده بود» (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۸).» اقتباس شده از مرجع زیر:

– *The Handbook of Seventh-day Adventist Theology* (Hagerstown, Md.: Review and Herald Publishing®, 2000), pp. 275, 276

## سوالاتی برای بحث

۱. در کلاس درباره مفهوم اصلاحات پروتستان صحبت کنید. بویژه به این پرسش بیاندیشید که جهان ما بدون اصلاحات امروزه چه تفاوتی می داشت؟
۲. بیشتر در مورد این ایده که ما فراخوانده شده ایم تا نجات یابیم حتی پیش از بنیان‌گذاری جهان، بیشتر تفکر کنید (تیطوس باب ۱ آیات ۱ و ۲، دوم تیموتائوس باب ۱ آیات ۸ و ۹ را نیز ببینید). چرا ما باید این را دلگرم کننده ببینیم؟ این مطلب درباره محبت خدا برای انسانها، چه چیزی به ما می گوید. پس چرا هنگامی که مردم از آنچه چنین با لطف به ایشان ارائه شده است، روی برمی گردانند، بسیار غم انگیز می باشد؟
۳. در مورد پرسش پایانی مطالعه روز پنج شنبه بیاندیشید. کلاس شما چگونه می تواند به بهبود اعتبار کلیسا در صورت نیاز کمک کند؟

## مشاجره



### بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** عبرانیان باب ۸ آیه ۶؛ متی باب ۱۹ آیه ۱۷؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷؛ لایوان باب ۲۳؛ اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱ تا ۲۹؛ غلاطیان باب ۱ آیات ۱ تا ۱۲.

**آیه حفظی:** «زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید» (یوحنا باب ۱ آیه ۱۷).

کلیسای اولیه عمدتاً از یهودیانی تشکیل شده بود که هرگز لحظه‌ای فکر نکرده بودند که با پذیرش مسیح یهودی یعنی عیسی، به نحوی از ایمان پدران خود و یا وعده‌های عهدی که خداوند با قومش بسته بود، روی برمی‌گردانند. همانطور که معلوم است، حق با آنها بود. مسئله برای ایمانداران اولیه یهودی تبار این بود که خواه یهودی یا نه، برای پذیرش عیسی، ابتدا باید مسیحی بشوند. مسئله دیگر برای بسیاری از یهودیان این بود که آیا غیر یهودیان باید قبل از پذیرش مسیح، یهودی بشوند. تنها بعدها، در شورای اورشلیم، یک پاسخ قطعی داده شد. آنها تصمیم گرفتند که غیر یهودیان را با یک دسته از مقررات و قوانین به دردر نیاندازند. یعنی، لازم نبود که غیر یهودیان به منظور پذیرفتن عیسی، ابتدا یهودی شوند.

با این حال، با وجود این تصمیم، برخی از معلمان همچنان کلیساها را آفت زده می‌کردند، با اصرار بر اینکه غیر یهودیان تغییر کیش داده که ایمان آورده بودند، باید این قوانین و مقررات، از جمله ختنه (قطعا روندی نبود که بالاخص بزرگسالان را برای پیوستن به مسیحیت مجذوب نماید) را بجا آورند. یعنی، آنها معتقد بودند که غیر یهودیان به منظور بهره مند شدن از وعده‌های عهد، بسیاری از قوانین و مقرراتی که لازمه منتفع گردیدن از جامعه مشترک المنافع اسرائیل تلقی می‌شدند را رعایت کنند.

مشکلات چه بودند و چگونه باید حل و فصل می‌شدند؟

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۴ اکتبر آماده شوید.

## عهدی بهتر

عبرانیان باب ۸ آیه ۶ را بخوانید. پیام در اینجا چیست؟ ما چگونه این «وعده‌های بهتر» را درک می‌کنیم؟

شاید بزرگترین تفاوت بین دین عهد عتیق و عهد جدید این واقعیت است که دوران عهد جدید با آمدن مسیح موعود، عیسی ناصری معرفی شد. او توسط خدا فرستاده شد تا نجات دهنده باشد. انسان‌ها نمی‌توانستند او را نادیده بگیرند و انتظار نجات یافتن داشته باشند. تنها از طریق کفاره‌ای که او مهیا ساخته بود، گناهان ایشان آمرزیده می‌شد. تنها با نسبت داده شدن زندگی بدون عیب او، آنها می‌توانستند در برابر خدا بدون محکومیت بایستند. به عبارت دیگر، نجات از طریق عدالت عیسی بود و نه چیزی دیگر.

قدیسان عهد عتیق به دنبال برکات عصر انتظار و وعده نجات بودند. (توضیح: در دوران عهد عتیق به این وعده انتظار اعتقاد داشتند که روزی مسایاه (مسیح موعود) که دادگستر است خواهد آمد ... ولی زمانی که مسیح موعود از میان خود یهودیان رسالت خویش را آغاز نمود او را نپذیرفتند). در زمان عهد جدید مردم با این پرسش مواجه بودند که آیا آنها عیسی ناصری که خدا به عنوان مسیح موعود فرستاده بود را به عنوان نجات دهنده خود خواهند پذیرفت؟ اگر به او ایمان می‌آوردند، یعنی اگر آنها او را به عنوان کسی که حقیقتاً مسیح خدا بود، پذیرفته و خود را تسلیم او می‌کردند، از طریق عدالتی که عیسی بدون هیچ بهایی به ایشان ارائه داد، نجات می‌یافتند.

در همین حال، الزامات اخلاقی بدون تغییر در عهد جدید باقی می‌ماندند، زیرا این‌ها بر پایه شخصیت خدا و مسیح بنیان شدند. اطاعت از قانون خیرخواهانه خدا به همان میزان که جزئی از عهد قدیم است، در عهد جدید نیز می‌باشد.

متی باب ۱۹ آیه ۱۷؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷، باب ۱۴ آیه ۱۲ و یعقوب باب ۲ آیات ۱۰ و ۱۱ را بخوانید. این آیات در مورد قانون اخلاقی در عهد جدید، چه چیزی به ما می‌گویند؟

همزمان، تمام مجموعه قوانین آیینی و تشریفاتی که منحصر به بنی اسرائیل بودند - و به وضوح به عهد قدیم گره خورده بودند و همه به عیسی و به مرگ و رسالت وی به عنوان کاهن اعظم اشاره داشتند - دیگر ادامه نیافتند و نظم جدیدی بر اساس «وعده‌های بهتر» معرفی شد.

یکی از اهداف اصلی پولس در کتاب رومیان، کمک به یهودیان و غیریهودیان بود که بفهمند که در این گذار از یهودیت به مسیحیت چه چیزهایی دخیل بود. این تحول و گذار به زمان نیاز داشت. بسیاری از یهودیانی که عیسی را پذیرفتند، هنوز برای تغییرات بزرگ پیش رو آماده نبودند.

برخی از وعده های کتاب مقدس که مورد علاقه شما هستند کدامند؟ هر چند وقت یکبار آنها را مطالبه می کنید؟ چه انتخاب هایی می کنید که ممکن است مانع تحقق این وعده ها در زندگی شما بشوند؟

۹ اکتبر

دوشنبه

## احکام و مقررات یهودی

بر حسب زمانی که دارید، کتاب لایوان را مرور کنید. (برای نمونه، به لایوان باب ۱۲، ۱۶ و ۲۳ مراجعه کنید.) با خواندن همه این احکام و قوانین و آیین ها، چه افکاری به ذهن شما خطور می کند؟ چرا پیروی از بسیاری از آنها در زمان عهد جدید غیر ممکن بود؟

طبقه بندی احکام عهد عتیق به دسته های مختلف برای ما راحت است: (۱) احکام اخلاقی، (۲) احکام تشریفاتی، (۳) احکام مدنی، (۴) حکم ها و فتواها (قضاوتها) و (۵) احکام مربوط به سلامت و بهداشت.

این طبقه بندی در بخشی میتواند فراوری و تکثیر خواننده شود. در واقعیت، برخی از این دسته بندی ها بهم مرتبط هستند و همپوشانی قابل توجهی وجود دارند. گذشتگان، آنها را از هم جدا و مجزا نمی دیدند.

احکام اخلاقی توسط ده فرمان خلاصه می شوند (خروج باب ۲۰ آیات ۱ تا ۱۷). این احکام، الزامات اخلاقی بشریت را خلاصه می کنند. این ده حکم در حکم ها و فتواهای مختلفی در سراسر پنج کتاب اول از کتاب مقدس بکار رفته و بسط داده شده اند. این بسط و تفصیلات، مفهوم نگاه داشتن احکام خدا را در موقعیت های مختلف نشان می دهند. قوانین مدنی غیر مرتبط نمی باشند. آنها نیز بر پایه احکام اخلاقی هستند. آنها رابطه شهروندان با مقامات کشوری و یکدیگر را مشخص می کنند. آنها مجازات های تخلفات مختلف را معین می کنند.

احکام تشریفاتی، آیین های معبد را تنظیم و پیشکشهای مختلف و مسئولیت شهروندان را توصیف می کردند. روزهای اعیاد مشخص و رعایت آنها تعیین شده بودند.

احکام مرتبط با سلامت و بهداشت با احکام دیگر همپوشانی دارند. احکام مختلف مربوط به نجاسات، ناپاکی‌های آیینی را تعریف می‌کنند و در عین حال همچنین فراتر از این، شامل اصول بهداشتی و سلامت نیز می‌شوند. احکام مربوط به گوشت‌های پاک و ناپاک (حلال و حرام) بر پایه ملاحظات جسمی (پزشکی) می‌باشند.

در حالی که یهودیان احتمالاً تا حد زیادی تمام این احکام را به عنوان یک مجموعه می‌پنداشتند، که همگی از طرف خدا آمده بودند، اما باید تمایزاتی خاص در ذهن خود ساخته باشند. ده فرمان از سوی خدا به طور مستقیم به مردم گفته شده است. این باعث می‌شود که آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشند. احکام دیگر از طریق موسی ارائه شده بودند. آیین معبد تنها زمانی که معبد فعال بود، باید نگاه داشته می‌شد.

احکام مدنی، حداقل بخش بزرگی از آن، پس از اینکه یهودیان استقلال خود را از دست دادند و تحت مدیریت مدنی ملت دیگری در آمدند، دیگر قابل اعمال نبودند. بسیاری از احکام تشریفاتی دیگر پس از ویران شدن معبد، قابل انجام و رعایت نبودند. همچنین، پس از آمدن مسیح موعود، بسیاری از اعمال تشریفاتی که نمونه ای از اصل را ارائه می‌کردند با آمدن اصل (که مسیح بود) منسوخ گردیده و دیگر اعتباری نداشتند.

۱۰ اکتبر

سه شنبه

## به عنوان رسم موسی

اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۱ را بخوانید. چه مسائلی باعث نفاق می‌شد؟ چرا برخی از مردم بر این باور بودند که این تنها برای ملت یهود نبود؟ پیدایش باب ۱۷ آیه ۱۰ را ببینید.

در حالی که رسولان با مبشران و اعضای معمولی در یک تلاش جدی برای صید بسیاری از جانها برای مسیح در انطاکیه متحد شدند، برخی از ایمانداران یهودی تبار از یهودیه «از فرقه فریسیان» موفق به طرح یک سوال شدند که خیلی زود باعث جنجال گسترده‌ای در کلیسا شد و آشفتگی را برای ایمانداران غیریهودی تبار به همراه داشت. این معلمان با اطمینان زیادی اظهار داشتند که به منظور نجات یافتن، فرد باید ختنه شود و تمام احکام آیینی را نگاه دارد. گذشته از هر چیز، یهودیان همواره به خدمات الهی منسوب به خود افتخار می‌کردند و بسیاری از کسانی که به مسیح ایمان آورده بودند هنوز هم احساس می‌کردند، از آنجا که خدا یک بار شیوه عبادت عبری را به وضوح مشخص نمود، اینکه اجازه تغییر آن را بدهد غیر محتمل بود. آنها اصرار داشتند که احکام و مراسم یهودی باید در آیین‌های دین مسیحی نیز گنجانیده شوند. آنها در تشخیص این که همه پیشکشهای قربانی مرگ فرزند خدا را تداعی می‌کردند، کند ذهن بودند تا درک کنند که نمونه با اصل یکی می‌شد و پس از آن، آیین‌ها و مراسم اعطایی

وابسته به موسی دیگر الزام آور نبودند.

اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۲ تا ۱۲ را بخوانید. این اختلاف چگونه باید حل و فصل می‌شد؟

«پولس در حالی که برای هدایت مستقیم به خدا چشم امید داشت، همیشه آماده به رسمیت شناختن قدرت اعطا شده در مجموعه ایمانداران متحد شده در رفاقت کلیسایی بود. او نیاز به مشورت را احساس می‌کرد و هنگامی که مسائل مهمی بوجود آمدند، از ارائه آنها در برابر کلیسا و متحد شدن با برادرانش در جستجوی حکمت از خدا برای اتخاذ تصمیمات درست، خرسند بود.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر:

*The Acts of the Apostles*, p. 200.

جالب توجه است که پولس که اغلب درباره فراخوانِ نبوی خود و چگونگی فراخوانده شدنش توسط عیسی و دریافت نمودن ماموریت از وی سخن می‌گفت - بسیار خواستار کار کردن با مجموعه بزرگتری از کلیسا بود. یعنی، با وجودی که فراخوانده شده بود، متوجه شد که بخشی از کلیسا به عنوان یک مجموعه بود و اینکه لازم بود تا حد امکان با آن کار کند.

نگرش شما نسبت به رهبری کلیسا چیست؟ شما تا چه میزان همکاری می‌کنید؟ همکاری کردن چرا از اهمیت بسزایی برخوردار است؟ اگر همه، آن کاری را که خود مایل بودند مستقل از بدن بزرگتر انجام می‌دادند، ما چگونه می‌توانستیم عمل کنیم؟

۱۱ اکتبر

چهارشنبه

## ایمانداران غیر یهودی تبار

اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۵ تا ۲۹ را بخوانید. شورا چه تصمیمی گرفت و استدلال آنها چه بود؟

تصمیم بر علیه ادعاهای یهودی‌گرایی بود. این افراد اصرار داشتند که ایمان آورندگان غیر یهودی تبار ختنه شوند و تمام شریعت را نگه دارند و «اینکه احکام و مراسم یهودی باید با مراسم دین مسیحی آمیخته شوند.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر:

*The Acts of the Apostles*, p. 189.

جالب توجه است که پطرس در اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۱۰، این احکام قدیمی را

به عنوان یک یوغ به تصویر میکشد که آنها قادر به تحملش نبودند. آیا خداوند که این احکام را بنیان نهاد، آنها را مانند یوغی بر گردن قوم خویش خواهد نهاد؟ به سختی این چنین به نظر می رسد. در عوض، در طول سال ها برخی از رهبران از طریق سنت های روایتی خود، بسیاری از احکام را از برکتی که قرار بود باشند به باری گران تبدیل نمودند. شورا بدنبال فراغت غیر یهودی تباران از این بارهای سنگین بود.

توجه کنید که هیچ اشاره یا پرسشی در مورد اینکه غیر یهودیان لازم نیست از ده فرمان اطاعت کنند، وجود نداشت. پس از هر چیز، آیا می توانیم تصور کنیم که شورا به آنها بگوید که خون نخورند اما احکامی بر علیه زنا یا قتل و مانند آن را نادیده بگیرند؟

**چه قوانینی بر ایمانداران غیر یهودی اعمال شد (اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۲۰ و ۲۹) و چرا این قوانین خاص؟**

اگر چه ایمانداران یهودی تبار قوانین و سنت های خود را به ایمانداران با پیشینه غیر یهودی تحمیل نمی کردند، ولی شورا می خواست تا مطمئن شود که غیر یهودیان مرتکب کارهایی نشوند که از نظر یهودی تبارانی که در عیسی با آنها متحد بودند، توهین آمیز محسوب می شدند. بنابراین رسولان و مشایخ کلیسا توافق نمودند تا به ایمانداران با پیشینه غیر یهودی در مورد پرهیز از خوردن گوشت پیشکش شده به بت ها، زنا، و چیزهایی که خفه می شد و خون، دستور العملی ارسال کنند. برخی می گویند که، از آنجایی که نگاه داشتن روز سبت بطور خاص اشاره نشده بود، پس برای غیر یهودی تباران در نظر گرفته نشده بود (البته، فرمان های بر علیه دروغ گفتن و قتل نیز بطور خاص اشاره نشده بودند، پس آن مشاجره بی معنا بود).

آیا می توانیم از برخی جهات بر تکالیف مردم که الزامی نیستند بلکه بیشتر از طریق سنت می آیند تا اینکه فرمان الهی باشند صرف نظر کنیم؟ اگر چنین است، چگونه؟ نظرات خود را در روز سبت در کلاس مطرح کنید.

۱۲ اکتبر

پنجشنبه

## پولس و غلاطیان

با وجود واضح بودن هدف شورا، همچنان کسانی بودند که بدنبال روش خود بودند و به طرفداری از اینکه غیر یهودی تباران باید سنت ها و قوانین یهودی را نگه دارند، ادامه دادند. این قضیه برای پولس به موضوعی بسیار جدی تبدیل شد؛ یعنی این اهداف خوب،

ایمان را بی ارزش می کرد و به انکار انجیل مسیح تبدیل شده بود.

غلاطیان باب ۱ آیات ۱ تا ۱۲ را بخوانید. پولس مسئله ای را که در غلاطیه با آن روبرو است، تا چه حد جدی می داند؟ قضیه فوق درباره اهمیت این مسئله چه چیزی گوشزد میکند؟

همانطور که قبلاً گفته شد، این وضعیت غلاطیان بود که به میزان زیادی، محتوای نامه به روم را برانگیخت. در رساله به رومیان، پولس موضوع رساله غلاطیان را بیشتر بسط می دهد. برخی از ایمانداران یهودی تبار ادعا می کردند که شریعتی که خدا از طریق موسی به ایشان داده بود، مهم بود و باید توسط ایمان آورندگان غیر یهودی تبار رعایت می شد. پولس در تلاش بود جایگاه و عملکرد واقعی آن را نشان دهد. او نمی خواست که این مردم آنگونه که در غلاطیه انجام داده بودند، در روم جای پای بدست آورند. این یک ساده انگاری است که پرسیم آیا پولس در مورد احکام تشریفاتی یا اخلاقی در غلاطیان و رومیان سخن می گوید. از لحاظ تاریخی، استدلال این بود که آیا ایمان آورندگان غیر یهودی تبار ملزم به ختنه شدن و نگاه داشتن احکام موسی بودند یا خیر. شورای اورشلیم پیش از آن بر این مسئله حکم داده بود اما برخی از پذیرفتن تصمیم آن خودداری کردند.

برخی در نامه های پولس به غلاطیان و رومیان، شواهدی می یابند که احکام اخلاقی، ده فرمان (یا در حقیقت، فرمان چهارم) دیگر برای مسیحیان الزام آور نمی باشند. با این وجود، آنها نکته این نامه ها، زمینه تاریخی و مسائلی که پولس به آنها اشاره می کرد را درک نمی کنند. همانگونه که خواهیم دید پولس تاکید کرد که نجات تنها از طریق ایمان و نه با ننگ داشتن احکام، حتی احکام اخلاقی، حاصل میشود. با این وجود این بدین مفهوم نیست که بگوییم احکام اخلاقی نباید نگاه داشته شوند. اطاعت از ده فرمان هرگز مسئله نبوده است؛ کسانی که از آن یک مسئله می سازند در واقع یک مسئله معاصر را که پولس به آن اشاره نکرد، در مد نظر دارند.

چگونه به کسانی که ادعا می کنند روز سبت دیگر برای مسیحیان الزام آور نمی باشد، پاسخ می دهید؟ چگونه می توانید به روشی که تمامیت انجیل را به خطر نیاندازد، حقیقت روز سبت را نشان دهید؟

مطالعه بیشتر: مراجع زیر را مطالعه کنید:

Read Ellen G. White, «Jew and Gentile,» pp. 188–192, 194–197; «Apostasy in Galatia,» pp. 383–388, in *The Acts of the Apostles*; «The Law Given to Israel,» pp. 310–312; «The Law and the Covenants,» pp. 370–373, in *Patriarchs and Prophets*; «The Chosen People,» pp. 27–30, in *The Desire of Ages*.

بدون شک کلیسای ما با همان زمان جنجال و اختلاف مواجه است. اما این مسئله جدیدی نیست. شیطان همواره با کلیسا در جنگ بوده است. حتی در اولین روزهای مسیحیت، نفاق و اختلاف در صفوف ایمانداران بوجود آمد. و یک اختلاف بود که اگر حل نمی شد، می توانست کلیسا را در مراحل ابتدایی نابود سازد.

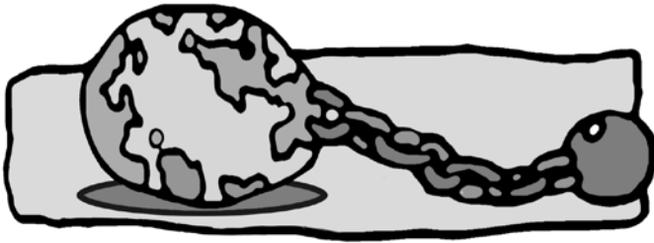
«تفرقه، ارتداد و نفسانیت بواسطه تاثیر معلمان دروغین که در میان ایمانداران در اورشلیم پدیدار شدند، به سرعت در میان ایمانداران غلاطیه ریشه دواندند. این معلمان دروغین، سنت های یهودی را با حقایق انجیل در می آمیختند. آنها با نادیده گرفتن تصمیم شورای عمومی در اورشلیم، ایمان آورندگان غیر یهودی تبار را به رعایت احکام تشریفاتی مجبور نمودند.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر:

*The Acts of the Apostles*, p. 383.

## سوالاتی برای بحث

۱. بار دیگر به جواب پرسش پایانی روز چهارشنبه بازگشته و آنرا در کلاس مطرح کنید. کلیسای محلی شما یا شما در خانه خود و یا حتی شما خودتان به چه روش هایی ممکن است مسئولیت هایی برای دیگران (یا خودتان) ایجاد کنید که لازم نیستند؟ چگونه می توانیم تشخیص بدهیم که آیا واقعا چنین کاری انجام می دهیم؟ یا اینکه ممکن است در خطر گرایش داشتن بیش از حد در جهت مخالف باشیم؟ یعنی، چگونه می توانیم تشخیص دهیم که آیا در شیوه زندگی و معیارهایمان تا حدی که زندگیمان فراخوان بزرگی که در مسیح داریم را انعکاس ندهد، سهل انگار شده ایم؟
۲. برخی از استدلال هایی که آن افراد برای این ادعا که ده فرمان دیگر امروزه برای مسیحیان الزام آور نیستند، کدامند؟ ما چگونه به این ادعاها پاسخ می دهیم؟ در صورت مواجهه با آن، چرا آن استدلال ها بسیار نادرست هستند و چرا در بسیاری از موارد کسانی که آنها را ایجاد می کنند، در واقع بگونه ای زندگی نمی کنند که باور دارند ده فرمان دیگر الزام آور نیست؟
۳. بار دیگر غلاطیان باب ۱ آیات ۱ تا ۱۲ را بخوانید. توجه کنید که پولس درک خود از انجیل را تا چه حد قطعی، متعصبانه و با حرارت توصیف می نمود. این مطلب درباره اینکه ما چگونه می بایست کاملا محکم در برخی از باورها بویژه در عصر کثرت گرایی و نسبیت گرایی، ثابت قدم بمانیم، چه چیزی به ما بگوید؟ این موضوع چگونه نشان می دهد که برخی از تعلیمات نمی توانند به هیچ صورتی کم اهمیت جلوه داده بشوند؟
۴. در کلاس در مورد مسائلی که باعث بروز نهضت اصلاحات پروتستان شد، صحبت کنید. چه تفاوت های اساسی حل و فصل نشده اند؟

## وضعیت بشر



### بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۱ آیات ۱۶ و ۱۷ و ۲۲ تا ۳۲، باب ۲ آیات ۱ تا ۱۰ و ۱۷ تا ۲۴، باب ۳ آیات ۱ و ۲، ۱۰ تا ۱۸ و ۲۳.

آیه حفظی: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند» (رومیان باب ۳ آیه ۲۳).

پولس در ابتدای کتاب رومیان به دنبال اثبات یک حقیقت بسیار حیاتی است که در کانون انجیل قرار دارد. و آن موضوع مهم، شرایط غم‌انگیز بشری است. این حقیقت وجود دارد، زیرا از سقوط بشر به بعد، همه ما به گناه آلوده شده‌ایم. گناه در ژن‌های ما همانند رنگ چشم‌هایمان نفوذ کرده است.

مارتین لوتر، در تفسیر خود از رومیان، نوشت: «عبارت 'همه گرفتار گناه هستند' باید در مفهومی روحانی در نظر گرفته شود؛ یعنی، نه آنگونه که انسان‌ها در نظر خود و یا از نظر دیگران هستند، بلکه آنگونه که در برابر خدا می‌ایستند. آنها همگی تحت قیود گناه هستند، کسانی که در منظر انسانها آشکارا طغیان‌گرند و همچنین کسانی که از نظر خود و دیگران صالح جلوه مینمایند. کسانی که کارهای به ظاهر خوب انجام می‌دهند، آنها را از ترس مجازات و یا بخاطر کسب منفعت و شهرت طلبی، و یا بدلیل بهره بردن از مقصود و هدفی خاص، و نه براساس اشتیاق از روی عقل و خرد چنین میکنند. انسان بدین صورت مداوماً از روی تظاهر و صوری به کارهای خوب میپردازد، اما در باطن، کاملاً غرق در خواهشهای گناه آلود و شهوات شیطانی است که متضاد با اعمال نیک می‌باشند» - مارتین لوتر، بر گرفته از مرجع زیر:

Martin Luther, *Commentary on Romans*, p. 69.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۱ اکتبر آماده شوید.

## قدرت خدا

«زیرا که از انجیل مسیح عار ندارم چونکه قوت خداست، برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی، که در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود، از ایمان تا ایمان، چنانکه مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود» (رومیان باب ۱ آیات ۱۶ و ۱۷). این آیات چه چیزی به شما می‌گویند؟ آیا شما وعده‌ها و امیدهای موجود در این آیات را تجربه کرده‌اید؟

چند کلمه کلیدی در این آیات وجود دارد:

۱- انجیل. این واژه ترجمه مستقیم از یک واژه یونانی به معنی «پیام خوب» یا «خبر خوش» می‌باشد. این واژه به تنهایی ممکن است به هر پیام خوبی اشاره داشته باشد؛ اما به این صورت که در اینجا با واژه «مسیح» آمده است، به معنای «خبر خوش در باره مسیح» است (*Christ* از واژه یونانی *Christos* نویسه‌گردانی شده است که به معنی «مسیح موعود» می‌باشد). خبر خوش این است که مسیح موعود آمده است و مردم با ایمان آوردن به او، می‌توانند نجات یابند. در عیسی و در عدالت بی نقص اوست - و نه در خودمان و یا حتی در احکام خدا - که انسان می‌تواند نجات پیدا کند.

۲- عدالت. این واژه به کیفیت با خدا «درست» و رو راست بودن اشاره دارد. معنای خاصی از این واژه در کتاب رومیان تعمیم یافته است، که در طی مطالعه کتاب آشکار می‌شود. باید اشاره کرد که در رومیان باب ۱ آیه ۱۷، این واژه با عبارت «از خدا» کامل می‌شود. این عدالتی است که از جانب خدا می‌آید، عدالتی که خدا خودش فراهم کرده است. همانطور که خواهیم دید، این عدالت به تنهایی و به خوبی کفایت میکند تا وعده حیات ابدی را برای ما محقق سازد.

۳- ایمان. کلماتی که در این آیه به صورت «باور» و «ایمان» ترجمه شده‌اند، در یونانی اشکال فعل و اسم یک واژه یکسان هستند: *pisteuo* (باور داشتن)، *pistis* (عقیده یا ایمان). معنای ایمان در ارتباط همانطور که به رستگاری مرتبط است در حینیکه در مطالعه کتاب رومیان به پیش می‌رویم، آشکار خواهد شد.

آیا شما تا به حال با مسئله تضمین و اطمینان در تقلا بوده اید؟ آیا زمان‌هایی وجود داشته که شما واقعاً به اینکه نجات خواهید یافت یا نه، یا اینکه حتی می‌توانید نجات پیدا کنید، شک داشته باشید؟ چه چیزی این ترس‌ها را به همراه دارد؟ بر پایه چه چیزی هستند؟ آیا ممکن است در واقعیت ریشه داشته باشند؟

یعنی، ممکن است شما نوعی شیوه زندگی داشته باشید که شهادت به ایمان شما را انکار می‌کند؟ اگر چنین است، چه انتخاب‌هایی باید بکنید که وعده‌ها و ضمانت‌هایی که برای شما در عیسی وجود دارند را داشته باشید؟

۱۶ اکتبر

دوشنبه

## همه گناه کرده‌اند

رومیان باب ۳ آیه ۲۳ را بخوانید. چرا باور این پیام برای ما مسیحیان، امروز بسیار آسان است؟ در عین حال، چه چیزی باعث می‌شود که برخی به درستی این آیه شک کنند؟

بطور نسبتاً شگفت‌انگیزی، برخی از مردم در واقع ایده گناهکار بودن انسان را به چالش می‌کشند، با این استدلال که مردم اساساً خوب هستند. هر چند، این مشکل از عدم درکی درست از خوبی و خیریت حقیقی سرچشمه می‌گیرد. مردم می‌توانند خود را با شخص دیگری مقایسه کنند و احساس خوبی نسبت به خودشان داشته باشند. گذشته از هر چیز، همیشه می‌توانیم کسی بدتر از خودمان را برای مقایسه پیدا کنیم. اما این به سختی باعث می‌شود که ما خوب باشیم. زمانی که خودمان را نسبت به خدا و قدوسیت و عدالت او می‌سنجیم، همه ما بطور زیادی احساس از خود بی‌زاری و انزجار خواهیم داشت.

رومیان باب ۳ آیه ۲۳ نیز در مورد «جلال خدا» سخن می‌گوید. این عبارت به شیوه‌های مختلفی تفسیر شده است. شاید ساده‌ترین تفسیر این است که عبارتی که در اول قرن‌تین باب ۱۱ آیه ۷ آمده است را چنین معنی کنیم: «او (انسان) صورت و جلال خداست». در یونانی واژه معادل «جلال» ممکن است به عنوان یک معادل کلی واژه برای جلوه و «تصویر» در نظر گرفته شود. گناه به تصویر خدا در انسان‌ها خدشه وارد کرده است. انسان‌های گناهکار به مراتب کمتر منعکس‌کننده تصویر و یا جلال خدا هستند.

رومیان باب ۳ آیات ۱۰ تا ۱۸ را بخوانید. آیا امروزه چیزی تغییر کرده است؟ کدام یک از این‌ها بهتر شما را توصیف می‌کنند، و یا اگر مسیح در زندگی شما نبود، چگونه می‌بودید؟

هر چقدر هم که ما بد باشیم، وضعیت ما نا امیدکننده نیست. اولین گام این است که ما به گناهکاری مطلق خود و همچنین ناتوانی خودمان در انجام کاری اذعان کنیم.

این کار روح القدس است که چنین اعتقادی را به ارمغان بیاورد. اگر گناهکار در برابر او مقاومت نکند، روح القدس گناهکار را به پاره کردن نقاب دفاع از خود، تظاهر، و خود توجیهی و تسلیم خود به مسیح و درخواست رحمت او هدایت خواهد کرد. «ای خدا، به من گناهکار ترحم کن!» (لوقا باب ۱۸ آیه ۱۳).

آخرین باری که شما یک نگاه کاملاً سخت، سرد به انگیزه‌ها، اعمال و احساسات خود انداختید، چه زمانی بود؟ این می‌تواند یک تجربه بسیار ناراحت کننده باشد، اینطور نیست؟ تنها امید شما چیست؟

۱۷ اکتبر

سه شنبه

## پیشرفت؟

در ابتدای قرن بیستم، مردم با این عقیده زندگی می‌کردند که بشریت در حال رشد و پیشرفت است، و اینکه اخلاقیات و معنویات رو به پیشرفت بود و این که علم و تکنولوژی زمینه یک مدینه فاضله را فراهم خواهد نمود. این باور وجود داشت که انسان‌ها، در اصل در مسیر کمال بودند. تصور می‌شد که انسان‌ها از طریق نوع درست آموزش و پرورش اخلاقی، تا حد زیادی قادر به بهبود خود و جامعه بودند. همه چیز قرار بود وقتی که وارد دنیای جدید متهور قرن بیستم شدیم، یکباره اتفاق بیفتند.

متأسفانه، همه چیز کاملاً آنگونه اتفاق نیفتاد، اینطور نیست؟ قرن بیستم یکی از خشونت بار ترین و وحشیانه ترین قرن‌ها در تمام تاریخ بود، -و چه مضحکانه است که ازدیاد پیشرفتهای علمی هر چه بیشتر باعث شد تا مردم امکان کشتن یکدیگر را در مقیاسی که دیوانه‌ترین افرادِ شرور گذشته حتی خوابش را هم نمی‌دیدند، میسر ساخت. مشکل چه بود؟

رومیان باب ۱ آیات ۲۲ تا ۳۲ را بخوانید. به چه شیوه‌هایی، آنچه را که در قرن اول نوشته شده بود، امروز در قرن بیست و یکم آشکار میسازد؟

ما ممکن است برای باور بسیاری از مسائل مربوط به مسیحیت به ایمان نیاز داشته باشیم: شامل رستاخیز مردگان، آمدن دوباره مسیح و یک آسمان و زمین جدید. اما چه کسی برای باور به ماهیت سقوط کرده بشریت، نیاز به ایمان دارد؟ امروز، هر یک از ما با عواقب آن ماهیت سقوط کرده زندگی می‌کنیم.

به طور خاص بر رومیان باب ۱ آیات ۲۲ و ۲۳ تمرکز کنید. چگونه این اصل در حال حاضر آشکار شده است؟ انسان‌ها با انکار خدا در قرن ما، روی به عبادت و پرستش چه چیز دیگری آورده‌اند؟ و با انجام این کار، چگونه تبدیل به افرادی احمق و نادان شده‌اند؟ پاسخ خود را در کلاس مطرح کنید.

۱۸ اکتبر

چهارشنبه

## یهودیان و غیریهودیان چه وجه اشتراکی با هم دارند

پولس در باب ۱ رومیان، به طور خاص با گناهان غیریهودیان، کافرن، کسانی که خدا را خیلی وقت پیش از یاد برده بودند و در نتیجه، به انجام پست‌ترین کارها دست زده بودند، می‌پردازد.

اما او قرار نبود بگذارد قوم خودش، هموطنانش از دست بروند. با وجود تمام امتیاز هایی که به آنها داده شده بود (رومیان باب ۳ آیات ۱ و ۲)، آنها نیز در زمره گناهکاران قرار داشته و بواسطه احکام خدا محکوم شده بودند، و به فیض نجات دهنده مسیح نیاز داشتند. در این مفهوم یعنی مفهوم گناهکار بودن، نقض کردن احکام خدا و نیاز به فیض الهی برای نجات - یهودیان و غیریهودیان یکسان هستند.

رومیان باب ۲ آیات ۱ تا ۳ و ۱۷ تا ۲۴ را بخوانید. پولس در اینجا نسبت به چه چیزی هشدار می‌دهد؟ همه ما، یهودیان و غیر یهودیان، از این هشدار چه درسی باید بیاموزیم؟

«پس از اینکه رسولان نشان دادند که همه بت پرستان گناهکارند، او اکنون، به یک شیوه خاص و قاطعانه نشان می‌دهد که یهودیان نیز در گناه زندگی می‌کنند، بیشتر از همه به این دلیل که از ظاهر احکام پیروی می‌کنند، یعنی، بر طبق نوشته و نه بر اساس روح‌القدس.» - مارتین لوتر، بر گرفته شده از مرجع زیر:

Martin Luther, *Commentary on Romans*, p. 61.

اغلب در بیرون از گود نشستن و ایراد گیری از گناهان دیگران بسیار آسان است. اما هر چند وقت یکبار ما نیز گناهانی یکسان و یا حتی هم‌راتب بدتر مرتکب می‌شویم؟ مشکل این است که ما تمایل داریم چشمان خود را بر روی خطاهای خود ببندیم و یا با دیدن بدی دیگران در مقایسه با خودمان، احساس بهتری پیدا کنیم.

پولس هیچ کدام از این‌ها را نخواهد داشت. او به هموطنان خود هشدار می‌دهد

که در مورد غیریهودی تباران سریع قضاوت نکنند، زیرا آنها، یهودی تباران - حتی به عنوان قوم منتخب - گناهکار بودند. در برخی از موارد آنها حتی بیشتر از مشرکان گناهکار بودند، و به سرعت محکوم می‌شدند چرا که یهودیان بیشتر از غیریهودیان آگاهی و بینش دریافت کرده بودند.

منظور پولس از همه این چیزها این است که هیچ یک از ما صالح نیستیم، هیچ یک از ما مطابق با استاندارد الهی زندگی و رفتار نمی‌کنیم، هیچ یک از ما ذاتاً خوب یا مقدس نیستیم. یهودی یا غیریهودی، مرد یا زن، غنی یا فقیر، خدا ترس و یا منکر خدا، همه ما محکوم هستیم. و بدون لطف خدا که در انجیل آشکار شده است، هیچ امیدی برای ما وجود نمی‌داشت.

شما هر چند وقت یکبار، حتی تنها در ذهن خود، دیگران را برای چیزهایی که شما خود نیز بدلیل ارتکاب آن گناهکارید، محکوم می‌کنید؟ با در نظر گرفتن آنچه پولس در اینجا نوشته است، چگونه می‌توانید تغییر کنید؟

۱۹ اکتبر

## پنجشنبه

### انجیل و توبه

«یا آنکه دولت مهربانی و صبر و حلم او را ناچیز می‌شماری و نمی‌دانی که مهربانی خدا تو را به توبه می‌کشد؟» (رومیان باب ۲ آیه ۴). در اینجا چه پیامی در مورد مسئله کلی توبه برای ما وجود دارد؟

ما باید توجه داشته باشیم که خوبی خدا، گناهکاران را به توبه هدایت می‌کند و مجبور نمی‌کند. خدا هیچ اجباری به کار نمی‌برد. او بی‌نهایت صبور است و به دنبال جلب همه مردم با محبت خود می‌باشد. توبه اجباری هدف کلی توبه را از بین می‌برد، اینطور نیست؟ اگر خدا توبه را اجباری می‌کرد، آنوقت آیا همه نجات نمی‌یافتند، زیرا که چرا باید تنها برخی‌ها را مجبور به توبه می‌کرد؟ توبه باید یک عمل از روی اراده آزاد و پاسخی به کارهای روح القدس در زندگی ما باشد. آری، توبه هدیه ای از جانب خداست، اما ما باید آماده و مایل به دریافت آن باشیم، تصمیمی که تنها ما می‌توانیم برای خود بگیریم.

برای کسانی که در برابر محبت خدا مقاومت می‌کنند، حاضر به توبه نیستند و در نافرمانی باقی می‌مانند، چه اتفاقی می‌افتد؟ رومیان باب ۲ آیات ۵ تا ۱۰.

در رومیان باب ۲ آیات ۵ تا ۱۰، و اغلب در سراسر کتاب رومیان، پولس بر جایگاه کارهای خوب تأکید می‌کند. نجات از طریق ایمان بدون اعمال احکام هرگز نباید به این معنی تفسیر شود که کارهای خوب هیچ جایگاهی در زندگی مسیحی ندارند. برای مثال، در رومیان باب ۲ آیه ۷ چنین تشریح شده است که نجات به کسانی تعلق خواهد داشت که «با صبر در اعمال نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند». اگر چه تلاش انسان نمی‌تواند نجات را به همراه بیاورد، با این حال بخشی از تجربه کلی نجات است. مشاهده اینکه چگونه هر کسی می‌تواند کتاب مقدس را بخواند و این ایده را پیدا کند که اعمال و کارها اصلاً مهم نیستند، دشوار است. توبه واقعی، نوعی که با میل و رغبت از قلب می‌آید، همیشه با عزم برای غلبه و دوری از چیزهایی همراه است که ما نیاز داریم از آن‌ها توبه کنیم.

هر چند وقت یکبار در حال و هوای توبه سیر میکنید؟ آیا صادقانه است، و یا تنها تمایل دارید خطاها، کاستی‌ها و گناهان خود را بشوئید؟ اگر گزینه دوم در نظر شماست، چگونه می‌توانید تغییر کنید؟ چرا باید تغییر کنید؟

۲۰ اکتبر

جمعه

**تفکری فراتر:** «بنابراین اصطلاحاتِ نگرش به کتاب مقدس نشان می‌دهند که گناه، یک فاجعه غافلگیرانه برای انسان‌ها نیست، بلکه نتیجه یک نگرش فعال و انتخاب انسان است. علاوه بر این، گناه فقدان خوبی نیست، بلکه کوتاهی و عدم انجام انتظارات خداست. این یک ضعف از سیر در مسیر شرارت است که انسان عمداً انتخاب کرده است. این یک ضعف نیست که انسان‌ها مسئول آن باشند، زیرا که انسان در نگرش یا عمل گناه‌آلود عمداً راه نافرمانی از خدا، در خطاکاری در برابر احکام او و ناتوانی در شنیدن کلام خدا را انتخاب می‌کند. گناه تلاش می‌کند فراتر از محدودیت‌های تعیین شده توسط خدا برود. به طور خلاصه، گناه نافرمانی در برابر خدا است.» – بر گرفته شده از مرجع زیر:

*The Handbook of Seventh-day Adventist Theology* (Hagerstown, Md.: Review and Herald Publishing Association, 2000), p. 239.

«تصویر وحشتناک وضعیت جهان در برابر من نشان داده شده است. شرارت و اعمال غیر اخلاقی در همه جا فراوان است. بی بند و باری، گناه خاص این عصر و زمانه است. گناه هرگز مانند امروز چنین خیره سرانه نبوده است. مردم بی حس و کرخت به نظر می‌رسند، و دوستداران فضیلت و خوبی حقیقی تقریباً توسط گستاخی، قدرت و شیوع آن دلسرد شده‌اند. شرارت و بی انصافی که به وفور یافت می‌شود، صرفاً به کافر و استهزا کننده محدود نمی‌شود. مسئله می‌توانست این باشد، اما این طور نیست. بسیاری از

مردان و زنانی که ادعای مسیحیت می‌کنند، خطاکار هستند. حتی کسانی که ادعای انتظار ظهور او را می‌کنند، بیشتر از شیطان آماده آن نیستند. آنها مدت زیادی در خدمت شهوات خود بودند که برای افکار ایشان ناخالص بودن و تصورات فاسد طبیعی می‌باشد.»  
- الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر:

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 2, p. 346.

## سوالاتی برای بحث

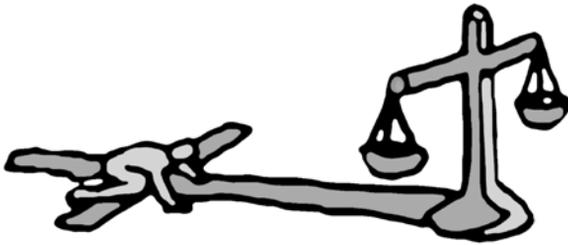
۱. شما به کسانی که با وجود همه اتفاقات، اصرار دارند که وضع بشریت در حال بهبود است، چه پاسخی می‌دهید؟ چه استدلالی برای آنها می‌آورید و چگونه به ایشان پاسخ می‌دهید؟

۲. به نقل قول از الن جی. وایت در مطالعه روز جمعه نگاه کنید. اگر خود را در آنجا می‌بینید، پاسخ چیست؟ چرا مهم است که در ناامیدی تسلیم نشویم، بلکه به درخواست خود از وعده‌های خدا ادامه دهیم - نخست، بخشش؛ دوم، تطهیر؟ چه کسی می‌خواهد شما یک بار برای همیشه بگویید، «فایده‌ای ندارد. من بیش از حد فاسد هستم. من هرگز قادر به نجات یافتن نیستم، بنابراین بهتر است تسلیم شوم»؟ آیا شما به او یا به عیسی گوش می‌دهید، که به ما می‌گوید، «من هم بر تو فتوا نمی‌دهم. برو دیگر گناه مکن»؟ یوحنا باب ۸ آیه ۱۱.

۳. چرا برای ما مسیحیان اساساً درک گناهکار و تباه بودن بشری اهمیت دارد؟ اگر ما این واقعیت غم‌انگیز اما حقیقی را نادیده بگیریم، چه اتفاقی ممکن است رخ دهد؟ یک درک نادرست از شرایط واقعی‌مان، ما را به چه اشتباهاتی گسیل خواهد داشت؟

۴. در مورد تعداد بیشماری از پروتستان‌ها که تصمیم گرفتند به جای رها کردن ایمان خود، بمیرند بیاندیشید. ما تا چه میزان در ایمان قوی هستیم؟ آیا به آن اندازه در ایمان قوی هستیم که برای آن بمیریم؟

# عادل شمرده شدن از طریق ایمان



## بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۳ آیات ۱۹ تا ۲۸.

**آیه حفظی:** «زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود» (رومیان باب ۳ آیه ۲۸).

در این درس به موضوع اساسی رومیان می‌پردازیم: نجات از طریق ایمان - حقیقتی بزرگ که بیش از هر حقیقت دیگری باعث بوجود آمدن نهضت اصلاحات پروتستان شد. و در جهت عکس، علیرغم همه تاکیدات و اثبات‌های ادعایی در خصوص این عقیده، از سال ۱۵۲۰ تا به امروز کلیسای کاتولیک روم تغییری نکرده است، تاریخی که پاپ لئو با صدور حکم یا منشوری که بطور عمومی در همه جا پخش میشد، لوتر و آموزه‌هایش را محکوم کرد. لوتر یک نسخه از سند منشور را سوزاند زیرا اگر یک آموزه وجود داشته باشد که هرگز نباید در برابر آن کوتاهی و سازش صورت میگرفت، آن آموزه عادل شمرده شدن از طریق ایمان بوده و هست. این عبارت بخودی خود بر پایه احکام شکل گرفته است. کسی که به قانون تجاوز کند در برابر یک قاضی آورده می‌شود و بخاطر عصیان و خطاهایش به مرگ محکوم می‌شود. اما یک کفیل و جایگزین حاضر میشود تا تقصیرات متجاوز را به عهده خود بگیرد و از این رو کیفرِ خاطی را تسویه و مبرا سازد. با پذیرفته شدن جایگزین، اکنون خاطی در برابر قاضی ایستاده و نه تنها از جرم مبرا شده بلکه به عنوان فردی بحساب می‌آید که هرگز خطاهایی که برای آن به دادگاه آورده شده را انجام نداده است. و این بدین دلیل است که جایگزین - که سابقه خوب و عالی دارد - به خاطر نگاه داشتن کامل قانون، بخشودگی را به خطاکار ارزانی میدارد.

در نقشه نجات هر کدام از ما خطاکار و مجرم هستیم. جایگزین ما عیسی مسیح سابقه بدون خطایی دارد و در دادگاه بجای ما می‌ایستد و عدالت او بجای بی‌عدالتی

ما پذیرفته می شود. از این رو ما در برابر خدا عادل شمرده شده ایم، نه بخاطر کارهای خودمان بلکه بواسطه عیسی که زمانی که ما عدالتش را «با ایمان» بپذیریم، به ما تعلق می یابد. این خبر خوبی است! درواقع، خبری بهتر از این وجود ندارد.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۸ اکتبر آماده شوید.

۲۲ اکتبر

یکشنبه

## اعمال شریعت

رومیان باب ۳ آیات ۱۹ و ۲۰ را بخوانید. پولس در اینجا در مورد شریعت، کاری که انجام می دهد و کاری که نمی تواند و انجام نمی دهد چه چیزی می گوید؟ چرا درک این نکته برای تمام مسیحیان بسیار مهم می باشد؟

پولس از عبارت شریعت در معنای گسترده آن استفاده میکند، بگونه ای که یهودیان در آن زمان بتوانند درک کنند. یک یهودی حتی امروزه، با شنیدن واژه تورات (واژه عبری برای «شریعت») بطور خاص به دستورات عملی های خدا در پنج کتاب اول موسی و همچنین بطور کلی تر، تمام عهد قدیم می اندیشد. احکام اخلاقی - علاوه بر بسط و تعمیم این مطلب در حکم ها و قضاوتها و همچنین احکام مربوط به آداب تشریفاتی - بخشی از این دستورات عمل بود. به این دلیل ما ممکن است در اینجا شریعت را به عنوان نظام یهودیت ببینیم.

تحت شریعت بودن یعنی تحت حوزه قضایی آن بودن. اگر چه شریعت، قصور و گناهان فرد را در برابر خدا آشکار می سازد. شریعت نمی تواند گناه را از بین ببرد؛ کاری که می تواند انجام بدهد، هدایت گناهکار به جستجوی یک چاره برای آن می باشد.

از آنجا که ما کتاب رومیان را در زمان حال بکار میبریم، در حالیکه که احکام یهودی دیگر ضریب کاربردی ندارد، به شریعت بطور خاص به عنوان احکام اخلاقی می نگریم. این احکام همانطور که نظام یهودیت نتوانست یهودیان را نجات بدهد، قادر به نجات دادن ما نیز نمی باشد. نجات دادن یک گناهکار تابعی از احکام اخلاقی نیست. عملکرد آن آشکار نمودن شخصیت خدا و نشان دادن کاستی های مردم در انعکاس آن شخصیت می باشد.

هر کدام از احکام که باشد - اخلاقی، تشریفاتی، مدنی یا ترکیب همه - حفظ بخشی یا همه آن به خودی خود، فرد را در نظر خدا عادل نمی کند. در واقع، قرار نبود شریعت چنین کاری انجام دهد. در مقابل، شریعت برای اشاره به کاستی های ما و هدایتمان به مسیح در نظر گرفته شده بود.

درست همانطور که علائم یک بیماری نمی توانند آن بیماری را درمان کنند، شریعت نیز نمی تواند ما را نجات دهد. علائم بیماری، آن را درمان نمی کنند؛ آنها نیاز به درمان را مشخص می کنند. شریعت نیز چنین عمل می کند.

تلاش شما در حفظ احکام تا چه حد موفقیت آمیز بوده است؟ پاسختان درباره بی‌فایده‌گی تلاش در نجات یافتن از طریق حفظ احکام، چه چیزی باید به شما بگوید؟

## دوشنبه

۲۳ اکتبر

### عدالت خدا

«لکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنانکه تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند» (رومیان باب ۳ آیه ۲۱). ما معنای این آیه را چگونه درک می‌کنیم؟

این عدالت جدید با عدالت شریعت که یهودیان با آن آشنا بودند، در تضاد می‌باشد. عدالت جدید، «عدالت خدا» نامیده می‌شود؛ یعنی عدالتی که از جانب خدا می‌آید، عدالتی که خدا فراهم می‌کند و تنها نوعی که خدا به عنوان عدالت حقیقی می‌پذیرد. این البته عدالتی است که عیسی در طول زندگی‌اش در جسم بشری در اینجا بوجود آورد - عدالتی که او به همه کسانی که آن را با ایمان بپذیرند و برای خود مطالبه نمایند، نه به این دلیل که مستحق آن می‌باشند بلکه زیرا به آن نیاز دارند، ارائه می‌دهد.

«عدالت، اطاعت از شریعت می‌باشد. شریعت، عدالت را می‌طلبد و این چیزی است که گناهکار به شریعت مدیون است؛ اما او قادر به بازپرداخت آن نمی‌باشد. تنها راهی که او می‌تواند به عدالت برسد، از طریق ایمان می‌باشد. او از طریق ایمان می‌تواند شایستگی مسیح را نزد خدا بیاورد و خداوند اطاعت پسرش را به حساب گناهکار می‌نویسد. عدالت مسیح بجای قصور بشر پذیرفته شده است و خدا فرد تائب و ایماندار را می‌پذیرد، او را آمرزیده و عادل بحساب می‌آورد. و به گونه‌ای که گویا عادل بوده است با او رفتار می‌کند و مانند پسر خویش به او محبت می‌ورزد.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر: (Selected Messages, book 1, p. 367). چگونه می‌توانید بیاموزید که این حقیقت شگفت‌انگیز را برای خود بپذیرید؟ رومیان باب ۳ آیه ۲۲ را نیز ببینید.

ایمان مسیحی اینجاست، بی‌تردید ایمان به عیسی مسیح. همانطور که ایمان در زندگی مسیحی عمل می‌کند، چیزی بیشتر از یک پذیرش فکری می‌باشد؛ این ایمان چیزی بیشتر از تصدیق واقعیت‌های زندگی و مرگ مسیح می‌باشد. در عوض، ایمان حقیقی در عیسی مسیح، پذیرش او به عنوان نجات‌دهنده،

جایگزین، ضامن و خداوند می باشد. این به معنی انتخاب شیوه زندگی اوست. این اطمینان به او و با ایمان به دنبال زندگی مطابق با فرمان های او می باشد.

## سه شبیه

۲۴ اکتبر

## از طریق فیض او

با در نظر داشتن آنچه که تاکنون درباره شریعت و کاری که نمی تواند انجام بدهد، آنگونه که مطالعه کرده ایم، رومیان باب ۳ آیه ۲۴ را بخوانید. پولس در اینجا چه چیزی می گوید؟ معنای اینکه رستگاری در عیسی می باشد، چیست؟

ایده «عادل شمرده شدن» که در این آیه دیده می شود، چیست؟ واژه یونانی dikaios ترجمه شده به عنوان «عادل شمرده شدن» ممکن است به معنای «عادل کردن»، «عادل اعلام نمودن» یا «عادل در نظر گرفتن» باشد. این واژه از ریشه مشابهی با dikaiosune، «عدالت» و واژه dikaioma، «لزوم عدالت» باشد. از این رو، ارتباطی نزدیک میان «عادل شمرده شدن» و «عدالت» وجود دارد، ارتباطی که در ترجمه های بسیاری دیده نمی شود. ما هنگامی عادل شمرده می شویم که توسط خدا «عادل اعلام بشویم».

پیش از این عادل شمرده شدن، یک فرد، نا صالح است و در نتیجه مورد پذیرش خدا نمی باشد؛ پس از عادل شمرده شدن، او صالح در نظر گرفته می شود و در نتیجه مورد پذیرش خدا قرار می گیرد.

و این تنها از طریق فیض خدا بوقوع می پیوندد. فیض به معنی لطف و مرحمت می باشد. هنگامی که یک گناهکار برای نجات به خدا روی می آورد، عادل در نظر گرفتن و اعلام نمودن آن فرد، عملی از روی فیض می باشد. این لطفی است که بر اساس شایستگی نمی باشد و ایماندار بدون هیچ استحقاقی از جانب خود عادل شمرده می شود، بدون هیچ گونه دعوی برای ارائه به خدا بجز درماندگی مطلق. فرد از طریق نجاتی که در عیسی مسیح می باشد، نجاتی که عیسی به عنوان جایگزین و ضامن فرد گناهکار ارائه می دهد، عادل شمرده می شود.

عادل شمرده شدن در رومیان به عنوان انجام عملی بناگاه ارائه شده است؛ به این معنی که، آن را در یک نقطه در زمان اتفاق می افتد که موقع آن معلوم نیست. یک لحظه گناهکار است و خارج از رحمت و فیض، نا عادل و غیر قابل قبول است؛ لحظه ای بعد، پس از عادل شمرده شدن، فرد به فیض خدا داخل گشته، مقبول و عادل است. فردی که در مسیح است به عمل عادل شمرده شدن به عنوان عملی در گذشته می نگرد، کاری که زمانیکه کاملاً تسلیم مسیح نمود، اتفاق افتاد. «عادل شمرده شدن» (رومیان

باب ۵ آیه ۱) به معنی عادل اعلام شده می باشد.

بطور حتم اگر گناهکار عادل شمرده شده خطا کند و سپس دوباره به عیسی روی آورد، عادل شمردگی مجددا رخ خواهد داد. همچنین، اگر بازگشت مجدد به مسیح یک تجربه روزانه در نظر گرفته شود، مفهومی وجود دارد که در آن عدالت ممکن است یک تجربه تکرار شدنی در نظر گرفته شود.

با اینکه مژده خوب نجات خبر بسیار خوشی است، چه چیزی مردم را از پذیرش آن باز می دارد؟ در زندگی خودتان، چه نوع چیزهایی شما را از همه آنچه خداوند وعده و ارائه می دهد، باز می دارد؟

۲۵ اکتبر

چهارشنبه

## عدالت مسیح

در رومیان باب ۳ آیه ۲۵، پولس مژده بزرگ نجات را بیشتر به تفصیل شرح می دهد. او از یک عبارت، فرونشاندن خشم و غضب استفاده می کند. واژه یونانی آن hilasterion است که در عهد جدید تنها در اینجا و در عبرانیان باب ۹ آیه ۵ که بصورت «تخت رحمت» ترجمه شده است، وجود دارد. نشاندن خشم و غضب همانطور که در رومیان باب ۳ آیه ۲۵ برای توصیف ارائه عدالت و نجات از طریق مسیح بکار برده شده است، به نظر می رسد نشان دهنده تحقق همه آنچهی بود که در معبد عهد عتیق بعنوان نمادی ازتخت بود. پس این بدان معنی است که عیسی با قربانی شدنش، به عنوان وسیله نجات مشخص شده است و به عنوان کسی که فرو نشاندن خشم و غضب را ارائه می دهد نشان داده شده است. بطور خلاصه، به این معنی است که خدا کاری را که برای نجات ما لازم بود انجام داد.

این متن همچنین در خصوص «آمزش گناهان» نیز صحبت می کند. این گناهان ما هستند که ما را نزد خدا غیر قابل قبول می کنند. ما خود نمی توانیم کاری برای خنثی نمودن گناهانمان انجام بدهیم. اما خدا در نقشه نجات، راهی برای بخشیده شدن این گناهان از طریق ایمان به خون مسیح فراهم نموده است.

معادل واژه «گذشت یا عفو» در یونانی pesis است که به معنی «گذشت» یا «گذشت از» می باشد. «گذشت» به معنی نادیده گرفتن گناهان نیست. خدا می تواند بدلیل اینکه مسیح با مردنش جریمه گناهان همه مردم را پرداخته است، از گناهان بگذرد. بنابراین، هر کس که «به خون او ایمان داشته باشد»، گناهانش بخشیده خواهد شد زیرا مسیح قبلا برای او مرده است (اول قرن‌تیاں باب ۱۵ آیه ۳).

مژده خوبی که پولس مشتاق بود آن را با همه کسانی که گوش شنوایی برای آن داشتند، در میان بگذارد، این بود که «عدالت او [یعنی خدا]» برای بشریت در دسترس بود و اینکه از طریق اعمال و یا شایستگی به ما نمی رسد، بلکه بواسطه ایمان به عیسی و کاری که برای ما انجام داده است، اتفاق خواهد افتاد.

بدلیل صلیب جلجتا، خدا می تواند گناهکاران را عادل اعلام نماید و همچنان در نظر جهان عادل و منصف باشد. شیطان نمی تواند هیچ انگشت اتهامی بسوی خدا نشانه رود، زیرا ملکوت، عظیمترین قربانی را انجام داده است. شیطان خدا را به درخواست از نژاد بشری بیش از آنچه که خود مایل به دادن بود، متهم کرد. صلیب این ادعا را رد می کند.

به احتمال زیاد شیطان انتظار داشت که خدا جهان را پس از ارتکاب به گناه نابود سازد؛ در عوض، خدا عیسی را برای نجات آن فرستاد. این مطلب درباره شخصیت خدا چه چیزی به ما می گوید؟ دانش ما از شخصیت خدا، چگونه باید بر نحوه زندگی ما تأثیر بگذارد؟ در ۲۴ ساعت آینده، در نتیجه شناخت خدا، چه کار متفاوتی مستقیماً انجام خواهید داد؟

۲۶ اکتبر

پنجشنبه

## بدون اعمال شریعت

«زیرا ما به یقین می دانیم که به وسیله ایمان بدون اجرای شریعت می توانیم کاملاً نیک محسوب شویم» (رومیان باب ۳ آیه ۲۸). آیا این بدین معناست که حتی اگر شریعت ما را نجات نمی دهد و ما ملزم به اطاعت از آن نمی باشیم؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

در بُعد و بافت تاریخی، پولس در رومیان باب ۳ آیه ۲۸، از شریعت در مفهوم گسترده نظام یهودیت سخن می گفت. مهم نیست که یک یهودی تا چه حد آگاهانه تلاش می کرد که تحت این نظام زندگی کند، آن فرد اگر در پذیرش عیسی به عنوان مسیح موعود قاصر می ماند، نمی توانست عادل شمرده شود.

رومیان باب ۳ آیه ۲۸، نتیجه گیری پولس از این ادعای اوست که قانون ایمان مستثنی از تفاخر و مباهات است. اگر فردی توسط اعمال خود عادل شمرده شود، می تواند به آن مباهات کند. اما زمانی که او بدلیل اینکه عیسی هدف ایمان وی است، عادل شمرده

شده است، پس به وضوح آن اعتبار به خدا تعلق دارد، که گناهکار را عادل اعلام نمود. الن جی. وایت به پرسش «عادل شمرده شدن از طریق ایمان چیست؟»، پاسخ جالبی می دهد. او چنین نوشت: «خلق شکوه بشر از خاک و انجام کاری برای او که در قدرت خود بشر نیست، کار خداست.» - از مرجع زیر:

*Testimonies to Ministers and Gospel Workers*, p. 456.

اعمال شریعت نمی توانند کفاره گناهان گذشته باشند. عادل شمرده شدن قابل کسب نیست. تنها می تواند با ایمان به قربانی شدن فدیة گونه مسیح دریافت شود. بنابراین، در این مفهوم، اعمال شریعت ارتباطی به عادل شمرده شدن ندارند. عادل شمرده شدن بدون اعمال به معنی عادل شمردن بدون وجود چیزی در ما که باعث شایستگی مان بشود، می باشد.

اما بسیاری از مسیحیان این آیه را سوء تعبیر نموده و بطور غلط بکار برده اند. آنها می گویند تنها کاری که فرد باید انجام بدهد باور داشتن است در حالی که اطاعت حتی اطاعت از احکام اخلاقی را کم اهمیت جلوه می دهند. آنها با چنین کاری، سخن پولس را اشتباه تعبیر می کنند. پولس در کتاب رومیان و جاهای دیگر، اهمیت زیادی برای حفظ احکام اخلاقی قائل می شود. بطور حتم عیسی و همچنین یعقوب و یوحنا نیز چنین کرده اند (متی باب ۱۹ آیه ۱۷؛ رومیان باب ۲ آیه ۱۳؛ یعقوب باب ۲ آیات ۱۰ و ۱۱؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲). منظور پولس این است که اگر چه اطاعت از احکام شریعت باعث عادل شمرده شدن نمی شود، با این وجود فردی که بواسطه ایمان عادل شمرده شده است، همچنان احکام خدا را حفظ می کند و در واقع تنها کسی است که می تواند شریعت را نگه دارد. یک فرد گناهکار که عادل شمرده نشده است، هرگز نمی تواند خواسته های شریعت را بجا آورد.

چرا گرفتار شدن در دام این طرز تفکر که (از آنجایی که شریعت ما را نجات نمی دهد، نیازی به حفظ آن نداریم)، بسیار آسان است؟ آیا شما تا به حال با مطالبه عادل شمرده شدن بواسطه ایمان، گناهی را از روی عقل توجیه نموده اید؟ چرا این یک موقعیت بسیار خطرناک می باشد؟ در عین حال، ما بدون وعده نجات حتی زمانی که به سوء استفاده از آن وسوسه می شویم، چه وضعیتی خواهیم داشت؟

۲۷ اکتبر

جمعه

**مطالعه بیشتر:** می توانید مراجع زیر را مطالعه کنید.

Read Ellen G. White, "The Righteousness of Christ in the Law", pp. 236-239; "Come and Seek and Find", pp. 331-335; "Perfect Obedience Through Christ", pp. 373, 374, in *Selected Messages*, book 1; "Things New and Old", pp. 128, 129,

in *Christ's Object Lessons*.

«اگر چه شریعت نمی تواند جریمه گناه را بپردازد، ولی گناهکار را با تمام بدهی هایش متهم می سازد، مسیح وعده آموزش بسیاری را برای همه کسانی که توبه کرده و رحمت او را باور کنند ارزانی داشته است. محبت خدا به فرد توبه کننده و ایماندار، بوفور داده می شود. داغ و نشان گناه بر جان تنها می تواند از طریق خون فدیة زودده شود ... خون کسی که با پدر برابر بود. کار مسیح - زندگی، رنج، مرگ و شفاعت او برای بشر از دست رفته - شریعت را تمجید نموده و به آن حرمت می بخشد.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر: *Selected Messages*, book 1, p. 371.

«شخصیت مسیح بجای شخصیت شما قرار می گیرد و شما چنان که گویی هرگز گناه نکرده بودید، نزد خدا مقبول میشوید.» - الن جی. وایت، گام هایی بسوی مسیح، *Steps to Christ*, p. 62.

«هنگامی که رسول می گوید که ما بدون اعمال شریعت عادل شمرده شده ایم، منظور او اعمال از روی ایمان و فیض نمی باشد؛ زیرا کسی که چنین کارهایی انجام می دهد، چنین باوری ندارد که با انجام این اعمال عادل شمرده می شود. ایماندار (در حالی که چنین کارهای از روی ایمان را انجام می دهد)، به دنبال عادل شمرده شدن (از طریق ایمان) می باشد. منظور رسول از اعمال شریعت، کارهایی هستند که فرد از نظر خویش باور دارد که با انجام آنها عادل شمرده شده و بواسطه کارهایش صالح می باشد. به عبارت دیگر، در حالی که آنها کار خوب انجام می دهند، به دنبال عدالت نیستند بلکه صرفاً خواستار خودستایی هستند که قبلاً بواسطه اعمالشان، عدالت را کسب نمودند.» - مارتین لوتر، از مرجع زیر: *Commentary on Romans*, p. 80.

## سوالاتی برای بحث

۱. بار دیگر آیات این هفته را بخوانید و سپس از زبان خود در یک پاراگراف آنها را خلاصه کنید. نوشته های خود را در کلاس با یکدیگر در میان بگذارید.
۲. نقل قول لوتر که در بالا گفته شد را بخوانید. چرا چنین حقیقتی او را به آنچه انجام داد، وا داشت؟ چرا چیزی که او می گوید نکته بسیار مهمی است که درک آن حتی امروزه برای ما مهم می باشد؟
۳. «ادونتیستهای روز هفتم خود را به عنوان وارثان و کسانی میبینند که اعتقادات خود را بر بینش های نهضت اصلاحات بنا کردند که مطابق با آموزه های کتاب مقدس مبتنی بر عادل شمرده شدن بواسطه فیض محض ایمان است که انجیل رسالتی را بطور جامع، واضح و متوازن ترمیم و احیا میکند.» - برگرفته از مرجع ذیل:  
Ivan T. Blazen, "Salvation", *Handbook of Seventh-day Adventist Theology* (Hagerstown, Md.: Review and Herald® Publishing Association, 2000), p. 307.  
ما برای باور به آنچه در باره خودمان در بالا نوشته شده است، چه دلایلی داریم؟

# ایمان ابراهیم



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** پیدایش باب ۱۵ آیه ۶؛ دوم سموئیل باب‌های ۱۱ و ۱۲؛ رومیان باب ۳ آیات ۲۰ و ۳۱، باب ۴ آیات ۱ تا ۱۷؛ غلاطیان باب ۳ آیات ۲۱ تا ۳۱؛ اول یوحنا باب ۳ آیه ۴.

**آیه حفظی:** «آیا این به آن معنی است که با ایمان، شریعت را از میان برمی‌داریم؟ خیر، هرگز! بلکه آن را استوار می‌سازیم.» (رومیان باب ۳ آیه ۳۱).

باب ۴ رومیان به شیوه‌های بسیاری بر اساس تعلیمات کتاب مقدس در مورد رستگاری بواسطه ایمان و مرکزیت آنچه باعث شروع اصلاحات شد، می‌پردازد. در واقع، ۵۰۰ سال پیش در چنین هفته‌ای، همه چیز با لوتر آغاز شد، و پروتستان‌های وفادار هرگز دیگر به عقب نگاه نکردند.

پولس با استفاده از ابراهیم که اسوه و الگویی از تقدس و فضیلت بود، به عنوان الگوی فردی از کسی که برای رستگاری به فیض و بدون اعمال شریعت نیازمند بود، هیچ جایی برای سوء برداشت خوانندگان نگذاشت. اگر کارها و حفظ احکام برای عادل شمرده شدن بهترین افراد در برابر خدا کافی نباشد، چه امیدی برای دیگران وجود دارد؟ اگر حتی برای ابراهیم رستگاری از طریق فیض بود پس باید برای همه، یهودی و غیریهودی نیز چنین باشد. پولس در باب ۴ رومیان، سه مرحله عمده را در خصوص نقشه نجات آشکار می‌سازد: (۱) وعده برکت الهی (وعده فیض)، (۲) پاسخ انسان به آن وعده (پاسخ ایمان) و (۳) رأی الهی مبنی بر اینکه کسانی که ایمان آورده اند عادل محسوب شده اند (عادل شمرده شدن). در خصوص ابراهیم چنین شد، و برای ما نیز چنین خواهد شد.

بسیار مهم است به یاد داشته باشیم که برای پولس، نجات از طریق فیض است؛ این

چیزی است که به ما ارزانی شده است، با وجود اینکه سزاوار آن نمی‌باشیم. اگر سزاوار آن بودیم، آنوقت از آن برخوردار بودیم و اگر آن را داشتیم، آنگاه بعنوان یک قرض و بدهی بود و نه یک هدیه. و برای موجوداتی فاسد و سقوط کرده همچون ما، نجات و رستگاری باید یک هدیه و عطا باشد.

پولس برای اثبات ادعای خود در مورد رستگاری "تنها طریق ایمان"، به کتاب پیدایش اشاره و از پیدایش باب ۱۵ آیه ۶ نقل می‌کند: «ابرام به خداوند ایمان آورد، و او، این را برای وی عدالت محسوب کرد». در اینجا می‌توان عدالت "از طریق ایمان" را در نخستین صفحات کتاب مقدس مشاهده نمود.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۴ نوامبر آماده شوید.

۲۹ اکتبر

یکشنبه

## احکام

رومیان باب ۳ آیه ۳۱ را بخوانید. منظور پولس در اینجا چیست؟ چرا این نکته برای ما ادوتیست‌ها مهم است؟

پولس در این آیه با تأکید بیان میدارد که ایمان، احکام خدا را باطل نمی‌سازد. اما حتی کسانی که احکام را نگه داشتند، هرگز بواسطه آن نجات نیافتند. دین عهد عتیق، مانند عهد جدید، همواره یکی از فیض‌های خدا برای گناهکارانی بود که دارای ایمان بودند.

رومیان باب ۴ آیات ۱ تا ۸ را بخوانید. این آیات چگونه نشان می‌دهند که حتی در عهد قدیم، نجات از طریق ایمان و نه با اعمال شریعت حاصل میشد؟

با توجه به این روایت عهد قدیم، ابراهیم عادل شمرده می‌شد، زیرا او «به خدا ایمان داشت». بنابراین، عهد قدیم عدالت از طریق ایمان را تعلیم می‌دهد. از این رو، هر دلالتی بر اینکه ایمان احکام را «باطل می‌کند» (به یونانی *katargeo*: «ارائه بی فایده»، «باطل») یا نادرست است؛ نجات از طریق ایمان بخش بسیار زیادی از عهد عتیق است. فیض در تمام آن تعلیم داده می‌شود. به عنوان مثال، کل مراسم معبد، اگر نمادی از نحوه نجات گناهکاران، نه از طریق کارهای خود، بلکه با مرگ یک جایگزین به جای آنها نبود، چه چیز دیگری بود؟ همچنین، چه چیز دیگری می‌تواند بخشیده شدن داود پس از رابطه نامشروع با بتشبع را توجیه کند؟ قطعاً نگاه داشتن احکام نبود که او را نجات داد، چرا که او اصول

بسیاری از شریعت را نقض کرد که او را بارها محکوم می‌کند. اگر داود قرار بود بواسطه نگاه داشتن احکام رستگار شود، پس او اصلاً رستگار نمیشد.

پولس بازگشت داود به لطف و رحمت الهی را به عنوان نمونه‌ای از عادل شمرده شدن بواسطه ایمان بیان می‌کند. آمرزش، فیض خدا بود. این مثال دیگری از عهد عتیق در مورد عادل شمرده شدن بواسطه ایمان است. در واقع، هر چقدر هم که بسیاری در اسرائیل کهن به دام قانون‌گرایی گرفتار شدند ولیکن مذهب یهود همیشه مذهبی از فیض بود. در اصل، احکام‌گرایی، انحرافی از دین بود و پایه و اساس آن نبود.

برای چند دقیقه بر گناه داود و احیای او از اسارت گناه تأمل کنید (دوم سموئیل باب‌های ۱۱ و ۱۲؛ مزامیر باب ۵۱). چه امیدی می‌توانید از آن داستان غم‌انگیز برای خود بدست آورید؟ آیا در اینجا درسی وجود دارد تا در کلیسا با کسانی که لغزش خورده و در گناه سقوط کرده‌اند چگونه رفتار کنیم؟

۳۰ اکتبر

دوشنبه

## بدهی یا فیض؟

موضوعی که پولس در اینجا به آن می‌پردازد، خیلی بیشتر از تنها یک موضوع الهیاتی است. او به قلب و روح نجات و ارتباط ما با خدا اشاره می‌کند. اگر کسی معتقد است که باید مقبول خدا بشود - که او باید پیش از عادل شمرده شدن و بخشیده شدن، به یک معیار مشخصی از تقدس برسد - پس توجه به باطن و اعمال خویشتن، طبیعی است. دین می‌تواند بسیار خود محورانه شود، چیزی که هیچ کس اصلاً به آن نیاز ندارد.

در مقابل، اگر فردی درک کند که مژده عادل شمرده شدن که هدیه‌ای از جانب خداست و نیازی به شایستگی و استحقاق ندارد، تا چه میزان برای آن فرد راحت تر و طبیعی تر است که به جای تمرکز بر خود، بر محبت و رحمت خدا تمرکز نماید؟ و در پایان، چه کسی بیشتر احتمال دارد که محبت و شخصیت خدا را انعکاس دهد - یک فرد خودخواه یا فردی که تسلیم خداست؟

رومیان باب ۴ آیات ۶ تا ۸ را بخوانید. پولس در اینجا چگونه موضوع عادل شمرده شدن بواسطه ایمان را توضیح می‌دهد؟

«گناهکار باید به مسیح ایمان بیاورد، به شایستگی او تمسک جوید، گناهان خود را به

پاک گناه بسپارد، و آمرزش او را دریافت کند. به همین دلیل است که مسیح به جهان آمد. بنابراین عدالت مسیح به توبه و باور گناهکار بستگی دارد. او عضوی از خانواده ملکوتی می شود.» - الن جی. وایت، از مرجع ذیل:

Ellen G. White, Selected Messages, book 1, p. 215.

پولس سپس در ادامه، توضیح می دهد که نجات از طریق ایمان نه تنها به یهودیان بلکه به غیریهودیان نیز تعلق دارد (رومیان باب ۴ آیات ۹ تا ۱۲). در واقع، اگر شما بخواهید بدیده خاص و ریزنگری به این مسئله نگاه کنید، ابراهیم یهودی نبود؛ او از اصل و نسبی کافر می آمد (یوشع باب ۲۴ آیه ۲). تمایز غیریهودی و یهودی در زمان او وجود نداشت. هنگامی که ابراهیم عادل شمرده شد (پیدایش باب ۱۵ آیه ۶)، حتی ختنه نشده بود. بنابراین، ابراهیم به پدر ختنه نشدگان و ختنه شدگان تبدیل شد، و همچنین الگویی بزرگ برای پولس شد که از وی به منظور رساندن منظور خود در مورد جهانشمول بودن نجات و رستگاری استفاده کند. مرگ مسیح برای همه بود، صرف نظر از نژاد یا ملیت (عبرانیان باب ۲ آیه ۹).

با توجه به جهانی بودن صلیب، و با توجه به آنچه صلیب در مورد ارزش هر انسان به ما می گوید، چرا تعصب نژادی، قومی و یا ملیتی چنین ناگوار است؟ چگونه می توانیم بیاموزیم که وجود تعصب در خود را دریابیم و از طریق فیض خدا، آن را از ذهن خود پاک کنیم؟

۳۱ اکتبر

سه شنبه

## وعده

۵۰۰ سال پیش در چنین روزی بود که مارتین لوتر اعلامیه ۹۵ ماده‌ای خود را بر روی درب کلیسای ویتنبرگ آویزان کرد. چقدر جالب است که موضوع مطالعه امروز نیز درست به کانون نجات از طریق ایمان می رسد.

در رومیان باب ۴ آیه ۱۳، «وعده» و «شریعت» در تقابل قرار گرفته اند. پولس به دنبال ایجاد یک پیش زمینه از عهد عتیق برای تعالیم خود در مورد عادل شمرده شدن بواسطه ایمان بود. او به ابراهیم به عنوان الگو اشاره می کند، که یهودیان همه او را به عنوان جدّ خود پذیرفته بودند. پذیرفته شدن یا عادل شمرده شدن کاملاً جدا از احکام به ابراهیم رسیده بود. خدا به ابراهیم وعده داده بود که او «وارث جهان خواهد بود. ابراهیم این وعده را باور کرد؛ یعنی، او نقشی که به وی سپرده شده بود را پذیرفت. در نتیجه خدا او را پذیرفته و از طریق او به نجات جهان پرداخت. این یک مثال بالقوه از نحوه کارکرد فیض در عهد عتیق است که بدون شک پولس به همین دلیل از آن استفاده کرد.

رومیان باب ۴ آیات ۱۴ تا ۱۷ را بخوانید. پولس چگونه در اینجا در ادامه نشان می‌دهد که نجات از طریق ایمان در کانون عهد عتیق قرار داشت؟ غلاطیان باب ۳ آیات ۷ تا ۹ را نیز ببینید.

همانطور که در ابتدا گفتیم، مهم است مخاطبین پولس را به یاد داشته باشید. این ایمانداران یهودی تبار در شریعت عهد عتیق غرق شده بودند، و بسیاری چنین اعتقادی یافته بودند که نجات ایشان به درست نگاه داشتن احکام بستگی داشت، حتی اگر این چیزی نبود که عهد قدیم تعلیم می‌داد.

پولس در تلاش برای اصلاح این تصور غلط، چنین استدلال می‌کند که ابراهیم، حتی قبل از احکام داده شده بر کوه سینا، وعده‌ها را نه با اعمال شریعت (که از آنجایی احکام - تمام تورات و نظام آیینی - هنوز وجود نداشت) بلکه بواسطه ایمان دریافت نمود.

اگر پولس در اینجا به طور خاص به احکام اخلاقی اشاره میکند، که در اصل حتی قبل از کوه سینا وجود داشته است، نکته یکسان باقی می‌ماند. شاید حتی بیشتر از آن! پولس می‌گوید که به دنبال دریافت وعده‌های خدا از طریق شریعت بودن نه تنها باعث بطلان ایمان می‌شود بلکه حتی عبث هم می‌باشد. این کلامی تند می‌باشد، اما مقصود او این است که ایمان نجات می‌دهد و شریعت محکوم می‌کند. او تلاش می‌کند تا تعلیم دهد که در جستجوی رستگاری از طریق چیزی که بطور حتم به محکومیت منجر و ختم میشود کاری بیهوده است. همه ما، یهودی و غیر یهودی، احکام را نقض کرده‌ایم، و از این رو، همه ما مانند ابراهیم به یک چیز نیازمندیم: عدالت رستگار کننده عیسی که از طریق ایمان به ما عطا می‌گردد - حقیقتی که در نهایت به نهضت اصلاحات پروتستان منجر شد.

۱ نوامبر

چهارشنبه

## شریعت و ایمان

همانطور که در درس دیروز دیدیم، پولس نشان داد که ارتباط خدا با ابراهیم ثابت نمود که نجات، از طریق وعده فیض می‌آید و نه از طریق شریعت. بنابراین، اگر یهودیان مایل به نجات یافتن بودند، باید تکیه به اعمال خود برای نجات را رها نموده و وعده ابراهیمی که اکنون در آمدن مسیح موعود تحقق یافته بود را می‌پذیرفتند. این واقعاً برای همه، یهودی یا غیر یهودی، که فکر می‌کنند اعمال "خوب" آن‌ها تنها چیزی است که آن‌ها را در نظر خدا صالح می‌سازد، یکسان است.

«این اصل که انسان می‌تواند خود را با اعمالش نجات دهد، پایه و اساس هر دین ملحدانه است... هر کجا که چنین عمل شود آنگاه انسان هیچ سپری در برابر گناه

وجود نخواهد داشت.» - الن جی. وایت، *The Desire of Ages*, pp. 35, 36 مفهوم این مطلب چیست؟ چرا این ایده که ما می توانیم خودمان را از طریق اعمالمان نجات بدهیم، ما را در برابر گناه بی دفاع می کند؟

پولس چگونه ارتباط بین شریعت و ایمان را در غلاطیان توضیح داد؟ غلاطیان باب ۳ آیات ۲۱ تا ۲۳.

اگر احکامی وجود داشت که می توانست رستگار کننده باشد، قطعاً شریعت خدا می بود. و با این حال، پولس می گوید که هیچ شریعتی حتی شریعت خدا نمی تواند زندگی ببخشد زیرا همه، احکام را نقض کرده اند و در نتیجه همه بواسطه آن محکوم شده اند. اما وعده ایمان، که به طور کامل تری از طریق مسیح آشکار شد، همه کسانی که باور دارند "تحت شریعت" هستند را آزاد می سازد؛ یعنی، از محکوم بودن و متحمل تلاش برای بدست آوردن نجات از طریق آن. شریعت هنگامی که بدون ایمان و فضل ارائه شود، به یک جبر تبدیل می شود، چرا که بدون ایمان و فیض و بدون عدالتی که با ایمان می آید، تحت شریعت بودن، زیر بار و محکومیت گناه بودن محسوب می شود.

عادل شمرده شدن از طریق ایمان تا چه میزان در کانون مسیر شما با خدا قرار دارد؟ یعنی، برای اطمینان از اینکه توسط دیگر جنبه های حقیقت مبهم نشود تا آنجا که درک خود را از این تعلیم بسیار مهم از دست بدهید، چه کاری می توانید انجام دهید؟ گذشته از هر چیز، تعالیم دیگر بدون این تعلیم، چه فایده ای دارند؟

۲ نوامبر

پنجشنبه

## شریعت و گناه

ما اغلب می شنویم که گروهی می گویند که در عهد جدید، شریعت منسوخ شده است، و سپس آنها در ادامه به نقل قول از آیاتی می پردازند که فکر می کنند این موضوع را ثابت می کنند. با این وجود، منطق پشت این بیانیه، کاملاً درست و حتی جنبه الهیاتی ندارد.

اول یوحنا باب ۲ آیات ۳ تا ۶ و رومیان باب ۳ آیه ۴ را بخوانید. این آیات در رابطه مابین شریعت و گناه چه چیزی به ما می گویند؟

چند صد سال پیش، نویسنده ایرلندی، جاناتان سویفت چنین نوشت: «اما آیا هیچ انسانی خواهد گفت که اگر عبارات مشروب خوردن، فریب دادن، دروغ گفتن و دزدی کردن بواسطه تصویب مجلس از زبان انگلیسی و لغت نامه‌ها حذف بشوند، همه ما باید بتوانیم صبح روز بعد آسوده، صادق و عادل، و دوستدار حقیقت از خواب برخیزیم؟ آیا این نتیجه‌ای عادلانه است؟» - جاناتان سویفت، از مرجع زیر:

Jonathan Swift, *A Modest Proposal and Other Satires* (New York: Prometheus Books, 1995), p. 205.

به همین صورت، اگر شریعت خدا منسوخ شده است، پس چرا دروغ گفتن، قتل، سرفت همچنان گناه و اشتباه محسوب می‌شوند؟ اگر احکام خدا تغییر کرده‌اند، آنگاه تعریف گناه نیز باید تغییر کند. و یا اگر شریعت خدا بی‌اثر شده بود، پس گناه نیز باید بی‌اثر شده باشد و چه کسی به این قضیه اعتقاد دارد؟ (اول یوحنا باب ۱ آیات ۷ تا ۱۰ و یعقوب باب ۱ آیات ۱۴ و ۱۵ را نیز بخوانید).

در عهد جدید، شریعت و انجیل هر دو مشاهده می‌شوند. شریعت ماهیت و علامت گناه را نشان می‌دهد و انجیل به درمان گناه اشاره می‌کند، که مرگ و رستاخیز عیسی است. اگر هیچ شریعتی وجود نداشته باشد، گناهی نیز وجود ندارد، پس ما از چه چیزی نجات داده می‌شویم؟ تنها در چهارچوب احکام و ادامه اعتبار آن است که انجیل معنا پیدا می‌کند.

ما اغلب می‌شنویم که صلیب، شریعت را باطل می‌سازد. این بیشتر کنایه آمیز است، چرا که صلیب نشان می‌دهد که شریعت نمی‌تواند باطل شود و یا تغییر کند. اگر خدا قبل از مرگ مسیح بر روی صلیب، احکام را منسوخ نکرد و یا حتی تغییری در آن ایجاد نکرد، چرا این کار را بعد از آن انجام بدهد؟ چرا پس از ارتکاب گناه، بشر احکام را از بین نبرد که در نتیجه آن، بشر از مجازات شرعی که نقض احکام را به همراه می‌آورد، محفوظ بماند؟ به این ترتیب، هرگز لازم نبود که عیسی بمیرد. مرگ عیسی نشان می‌دهد که اگر شریعت قابل باطل شدن یا تغییر کردن بود، این باید قبل و نه بعد از صلیب انجام می‌شد. بنابراین، هیچ چیز بیشتر از مرگ عیسی، ادامه اعتبار احکام را نشان نمی‌دهد، مرگی که دقیقاً بدلیل غیرقابل تغییر بودن احکام اتفاق افتاد. اگر شریعت می‌توانست تغییر کند تا با شرایط سقوط کرده ما هماهنگ گردد، آیا این راه حلی بهتر از مردن عیسی برای این مشکل گناه نبود؟

اگر هیچ احکام الهی در برابر زنا وجود نداشت، آیا این عمل باعث درد و صدمه کمتری نسبت به قربانیان حال حاضر آن می‌شد؟ پاسختان چگونه به شما در درک علت ادامه اعتبار احکام خدا کمک می‌کند؟ تجربه شما از نقض احکام خدا چه بوده است؟

تفکری فراتر: مطالب زیر را میتوانید مطالعه کنید:

Read Ellen G. White, "Christ the Center of the Message", p. 388, in *Selected Messages*, book 1; "The Call of Abraham", pp. 125-127; "The Law and the Covenants", pp. 363, 364, in *Patriarchs and Prophets*; "The Sermon on the Mount," pp. 307, 308; "Controversy", p. 608; "It Is Finished," pp. 762, 763, in *The Desire of Ages*.

«لکن برای کسی که عمل می‌کند، مزدش نه از راه فیض بلکه از راه طلب محسوب می‌شود (رومیان باب ۴ آیه ۴). رسول در اینجا آیه نقل قول شده (پیدایش باب ۱۵ آیات ۴ تا ۶) را توضیح می‌دهد تا از آن استنتاج و اثبات کند که عادل شمرده شدن از طریق ایمان است و نه بر اساس اعمال. او این کار را ابتدا با توضیح معنای عبارت آن که برای او عدالت محسوب شد، انجام می‌دهد. این کلمات توضیح می‌دهند که خدا با فیض و نه به خاطر اعمالشان، آن‌ها (گناهکاران) را می‌پذیرد.» - مارتین لوتر، از مرجع زیر:

Martin Luther, *Commentary on Romans*, p. 82.

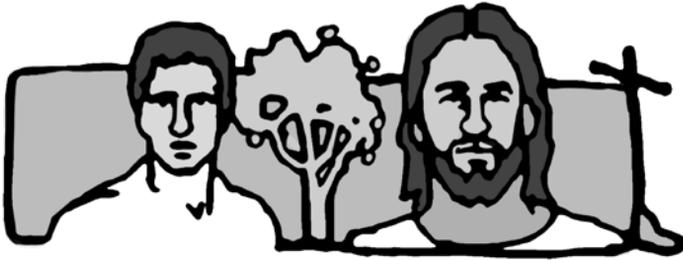
«اگر شیطان بتواند در هدایت انسان به ارزش نهادن بر اعمال خود به عنوان اعمالی شایسته و عادلانه کامیاب شود، او می‌داند که می‌تواند با وسوسه‌های خود بر انسان غلبه کند، و او را قربانی و طعمه خود می‌سازد.... خون بره جلجتا را بر سردر خانه بمالید و شما در امان هستید.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر:

Ellen G. White, *Advent Review and Sabbath Herald*, Sept. 3, 1889.

## سوالاتی برای بحث

۱. چرا درک نجات تنها از طریق ایمان بدون اعمال شریعت بسیار مهم می‌باشد؟ این آگاهی از ما در برابر چه نوع اشتباهاتی محافظت می‌کند؟ چه خطراتی در انتظار کسانی میباشد که این آموزه بسیار مهم کتاب مقدس را نادیده می‌گیرند؟
۲. چه دلایل دیگری می‌توانید برای ادامه اعتبار احکام خدا ارائه دهید، حتی زمانی که ما درک می‌کنیم که احکام و اطاعت از آن موجب نجات ما نمی‌شوند؟
۳. موضوع اساسی در هسته نهضت اصلاحات، چگونگی نجات یافتن ما می‌باشد. ما به چه روش‌هایی می‌توانیم آشکارا و با صراحت در مورد تفاوت بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در این موضوع مهم صحبت کنیم، در حالی که به کسی توهین و بی‌احترامی نشود؟
۴. با اینکه بر ضد دیگران گناه ورزیده ایم، عادل شمرده شده و مشمول فیض و تفقد خدا شده ایم که لایق آن نیستیم. این واقعیت چگونه باید بر رابطه ما با دیگران تأثیر بگذارد؟ ما نسبت به کسانی که به ما ستم کرده‌اند و واقعاً سزاوار فیض بخشاینده و لطف ما نیستند، تا چه میزان فیض و لطف نشان می‌دهیم؟

# آدم و عیسی



## بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۵

**آیه حفظی:** « بنابراین چون از راه ایمان در حضور خدا نیک شمرده شده‌ایم، از صلح با خدا که به وسیله خداوند ما عیسی مسیح برقرار گردید، بهره‌مند هستیم. به وسیله ایمان به مسیح، ما وارد فیض الهی شده‌ایم، فیضی که در آن پایداریم و نه تنها به امید شراکتی که در جلال خدا داریم شادی می‌کنیم،» (رومیان باب ۵ آیات ۱ و ۲).

پولس اصلی را بنا نهاد که بر اساس آن عادل شمرده شدن یا مقبول گشتن نزد خدا، تنها از طریق ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌شود، زیرا عدالت او به تنهایی کفایت میکند تا در وضعیت مناسب و درستی در برابر خدا قرار بگیریم. با بنا شدن آن اصل بر پایه حقیقت بزرگ، حال پولس بر این موضوع بیشتر به شرح و تفسیر می‌پردازد. او با نشان دادن این مطلب که نجات باید از طریق ایمان باشد و نه بر اساس اعمال، حتی برای کسی به "عدلی" ابراهیم، پولس به مرور گذشته می‌پردازد تا به علت ماجرا دست یابد - به آن علتی که سبب بروز گناه و رنج و مرگ شد و اینکه چگونه راه حل مشکل در مسیح و آنچه که او برای نژاد بشر انجام داد، یافت می‌شود.

بواسطه سقوط یک انسان در گناه یعنی آدم، تمام بشریت با محکومیت، بیگانگی، و مرگ روبرو شد؛ از طریق پیروزی یک انسان دیگر یعنی عیسی، تمام جهان در وضعیتی جدید در برابر خدا قرار گرفت. با ایمان به عیسی، سابقه گناهان و مجازات ناشی از آن گناهان، میتواند برای همیشه مورد عفو و آمرزش واقع شود.

پولس با مقایسه آدم و عیسی نشان می‌دهد که چگونه مسیح آمد تا آنچه را که آدم خراب کرد، مرمت نماید. و اینکه با ایمان، قربانیان گناه آدم می‌توانستند توسط عیسی

نجات دهنده، نجات داده شوند. پایه و اساس همه این‌ها صلیب مسیح و مرگ او به جای ما می‌باشد - که راه را برای همه انسان‌ها، یهودی یا غیریهودی، باز می‌کند تا از طریق عیسی که با خون خود، عادل شمرده شدن را برای همه کسانی که او را بپذیرند، به ارمغان آورد تا به نجات دست یابند.

مطمئناً این موضوع ارزش دارد تا به تفصیل شرح داده شود؛ چرا که بنیاد تمامی ایمان ماست.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۱ نوامبر آماده شوید.

## یکشنبه

۵ نوامبر

# عادل شمرده شده از طریق ایمان

رومیان باب ۵ آیات ۱ تا ۵ را بخوانید. پیام پولس را در زیر بطور خلاصه بنویسید. حال چه چیزی می‌توانید از این پیام برای خود کسب نمایید؟

عادل شمرده شدن به طور تحت اللفظی یعنی فعل عادل شدن کامل شده است. فعل یونانی معرف عملی است که به کمال خود رسیده است. ما عادل اعلام شده ایم و یا به عنوان عادل در نظر گرفته شده ایم، که نه از طریق هیچ کدام از اعمال شریعت بلکه از طریق پذیرفتن عیسی مسیح است. عیسی با زندگی بی عیب و نقص خود بر روی زمین و کمال خود در حفظ احکام، به ما ارزش و اعتبار بخشیده است.

در عین حال، همه گناهان ما به پای عیسی نوشته شده است. خدا چنین فرض کرده است که عیسی به جای ما آن گناهان را مرتکب شده است تا به این ترتیب بتوانیم از مجازاتی که مستحق آن هستیم، رهایی یابیم. این مجازات به جای ما به حساب مسیح گذارده شد، که ما خود هرگز با آن مواجه نشویم. چه خبری با شکوه تر می‌تواند برای یک گناهکار وجود داشته باشد؟

واژه یونانی ترجمه شده به صورت «جلال و شکوه» در رومیان باب ۵ آیه ۳ همان واژه است که در رومیان باب ۵ آیه ۲ به عنوان «وجد و خوشی» ترجمه شده است. اگر در رومیان باب ۵ آیه ۳ نیز به صورت «وجد و خوشی» ترجمه شود (که در برخی از نسخه‌ها چنین است)، ارتباط بین رومیان باب ۵ آیه ۲ و رومیان باب ۵ آیه ۳ به وضوح دیده می‌شود. مردم عادل شمرده شده می‌توانند در سختی و رنج، خوش باشند زیرا آنها ایمان و اعتماد خود به عیسی مسیح را ثابت کرده اند. آنها مطمئن هستند که خدا همه کارها را با هدف خوب انجام می‌دهد. آنها رنج کشیدن به خاطر مسیح را یک امتیاز و افتخار در نظر می‌گیرند. (اول پطرس باب ۴ آیه ۱۳ را ببینید.) به ترتیب وتوالی در رومیان باب ۵ آیات ۳ تا ۵ نیز توجه کنید.

۱. صبر. کلمه یونانی ترجمه شده به صورت hupomone به معنای «تحمل از طریق

پایداری و استقامت» است. این نوعی از استقامت نشان دادن در برابر آزمون سختی هاست که با به اوج رسیدن آن، فرد ایمان خویش را حفظ می‌کند و امیدی را که در مسیح دارد از دست نمی‌دهد، حتی در میان مصیبت‌هایی که می‌توانند گاهی زندگی را تلخ کنند.

۲. تجربه. واژه یونانی ترجمه شده به صورت dokime به معنی «کیفیت مورد تأیید قرار گرفته» می‌باشد؛ یعنی، «شخصیت»، و یا به طور خاص، «شخصیتی که مورد تأیید قرار گرفته است». کسی که با صبر سختی‌ها را تحمل می‌کند، می‌تواند یک شخصیت تأیید شده را در خود ایجاد کند.

۳. امید. استقامت و تأیید شدن به طور طبیعی امید را افزایش می‌دهد - امیدی که در عیسی و وعده نجات در او یافت می‌شود. تا زمانی که ما در ایمان، توبه، و اطاعت به عیسی وفادار بمانیم، همه چیز برای امید داشتن خواهیم داشت.

آن چیزی که بیش از هر چیز دیگری در زندگی امید و آرزویش را دارید چیست؟ این امید چگونه می‌تواند در عیسی برآورده شود؟ آیا این امکان وجود دارد؟ اگر خیر، آیا مطمئن هستید که می‌خواهید امید زیادی به آن داشته باشید؟

۶ نوامبر

دوشنبه

## هنگامی که گناهکار بودیم

رومیان باب ۵ آیات ۶ تا ۸ را بخوانید. این آیات در مورد شخصیت خدا، و اینکه چرا این چنین پر از امید هستند، چه می‌گویند؟

هنگامی که آدم و حوا بیشرمانه و بی هیچ توجیهی از التزام الهی تخطی نمودند، خدا اولین گام به سوی آشتی را در پیش گرفت. از آن زمان، خدا در ارائه یک راه نجات و در دعوت از مردان و زنان به پذیرفتن آن پیشقدم شد. «وقتی زمان معین فرا رسید خدا فرزند خود را فرستاد» (غلاطیان باب ۴ آیه ۴).

رومیان باب ۵ آیه ۹ می‌گوید که ما می‌توانیم از طریق عیسی از خشم خدا نجات یابیم. ما چگونه معنای این مطلب را درک می‌کنیم؟

در شامگاه عزیمت از مصر، خونی که بنی اسرائیل بر چهارچوب دربهای خانه خود مالیده بودند، باعث شد تا هر نخست زاده ای در مصر از غضب فرو ریخته در امان بماند. به همین صورت، خون عیسی مسیح تضمین می کند کسی که عادل شمرده شده است و آن مقام را حفظ می کند، زمانی که خشم خدا در نهایت، گناه را در پایان عصر از بین می برد، محفوظ خواهد ماند. برخی از افراد با این ایده که خدای محبت غضب دارد، مشکل دارند. اما دقیقاً به خاطر محبت است که او غضب دارد. چگونه خدا، که جهان را دوست دارد، می توانست در برابر گناه، خشم و غضب نداشته باشد؟ اگر او نسبت به ما بی تفاوت بود، به آنچه اینجا اتفاق می افتاد اهمیتی نمی داد. به اطراف جهان نگاه کنید و ببینید که گناه با خلقت او چه کرده است. چگونه خدا می تواند در برابر چنین ویرانگری و شرارت خشمگین نباشد؟

چه دلایل دیگری برای شادی به ما داده شده است؟ رومیان باب ۵ آیات ۱۰ و ۱۱.

برخی از مفسران در رومیان باب ۵ آیه ۱۰، حالتی از زندگی را دیده اند که مسیح بطریقی بر روی زمین زیست که در طی آن، او الگوی شخصیتی بی عیب و کامل را شکل داد که اکنون آنرا به ما ارزانی می دارد. اگر چه این قطعاً آن چیزی است که زندگی بی عیب مسیح آنرا تحقق بخشید. به نظر می رسد پولس بر این واقعیت تأکید دارد که در حالی که مسیح مرد، اما او دوباره زنده شد و تا ابد زنده است (عبرانیان باب ۷ آیه ۲۵ را ببینید). از آنجایی که او زنده است، ما نجات یافته ایم. اگر او در قبر باقی مانده بود، امید ما با او از بین می رفت. رومیان باب ۵ آیه ۱۱ با دلایلی که ما باید در خداوند شادمان باشیم، ادامه می یابد و این به خاطرکاری است که عیسی برای ما انجام داده است.

۷ نوامبر

سه شنبه

## مرگ بواسطه گناه

مرگ، یک دشمن ابدی است. هنگامی که خدا خانواده بشر را آفرید، چنین قصد نمود که اعضای آن برای همیشه زندگی کنند. به غیر از چند مورد استثنا، انسانها تمایلی به مردن ندارند؛ و کسانی که می خواهند بمیرند، تنها به این خاطر است که بزرگترین غم و اندوه و رنج گریبانگیر آنان شده است. مرگ در خلاف اصل طبیعت ماست. و این بدین دلیل است که از آغاز برای زندگی ابدی بوجود آمدیم. مرگ قرار بود که برای ما ناشناخته باشد.

رومیان باب ۵ آیه ۱۲ را بخوانید. پولس در اینجا چه چیزی را توصیف می کند؟ و این چه چیزی را توضیح می دهد؟

مفسران در مورد این آیه از کتاب مقدس، بیش از سایر آیات به بحث پرداخته اند. شاید دلیل آن همانطور که در رشته تفسیرهای کتاب مقدس توسط ادونتیست های روز هفتم در جلد ۶ صفحه ۵۲۹ آمده است، این باشد که این مفسران «تلاش می کنند این آیه را برای اهدافی متفاوت از آنچه پولس در نظر گرفته بود، بکار ببرند».

یک نکته که آن ها بر سر آن بحث دارند این است: گناه آدم چگونه به آیندگان وی منتقل شد؟ آیا فرزندان آدم، در جرم گناه او شریک هستند، یا به دلیل گناهان خود، در برابر خدا گناهکار هستند؟ مردم تلاش کرده اند پاسخ این سوال را از این آیه بدست آورند، اما این موضوعی نبود که پولس در اینجا با آن سر و کار داشت. او یک موضوع کاملاً متفاوت در ذهن داشت. او بر آنچه قبلاً اظهار داشت؛ مجدداً تأکید می کند: «زیرا همه گناه کرده اند» (رومیان باب ۳ آیه ۲۳). ما لازم است تشخیص بدهیم که گناهکار هستیم، زیرا این تنها راهی است که بواسطه آن، به نیاز خود به یک نجات دهنده پی خواهیم برد. پولس در اینجا در تلاش بود تا خوانندگان، میزان بدی گناه و آنچه از طریق آدم به این جهان آورد را درک کنند. سپس او نشان می دهد که خدا تنها عیسی را به عنوان راه چاره و درمان ارزانی میدارد، بخاطر مصیبتی که از طریق گناه آدم به این جهان آورده شد.

با این وجود، تنها مشکل در این متن، مرگ است که بواسطه آدم به ارث رسیده - و نه راه حل که حیات در مسیح است. یکی از باشکوه ترین جنبه های انجیل این است که مرگ توسط حیات و زندگی بلعیده شده است. عیسی از دروازه های قبر گذشت و قید و بندهای آن را در هم شکست. او می گوید: «و مرده شدم و اینک تا ابدالآباد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است» (مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۱۸). از آنجایی که عیسی کلیدها را دارد، خصم بشریت دیگر نمی تواند قربانیان خود را در قبر نگاه دارد.

تجربه شما در زمینه واقعیت و مصیبت مرگ چه بوده است؟ چرا در مواجهه با چنین دشمن بی رحمی، ما باید به چیزی بزرگتر از خودمان و یا بزرگتر از هر چیزی که این جهان ارائه می دهد، امید داشته باشیم؟

## از آدم تا موسی

رومیان باب ۵ آیات ۱۳ و ۱۴ را بخوانید. پولس در اینجا در مورد شریعت چه چیزی به ما تعلیم می دهد؟

پولس در اینجا در باره چه چیزی سخن می‌گوید؟ عبارت «پیش از شریعت» با عبارت «از آدم تا موسی» برابر می‌باشد. او در مورد زمانی در جهان از آفرینش تا کوه سینا صحبت می‌کند، قبل از معرفی رسمی احکام و شریعت نظام اسرائیلی، که البته، شامل ده فرمان بود. «قبل از شریعت» به معنی تا زمان شرح الزامات خدا در احکام مختلف داده شده به اسرائیل بر کوه سینا می‌باشد. گناه قبل از واقعه کوه سینا وجود داشت. چگونه می‌توانست وجود نداشته باشد؟ آیا دروغ، قتل، زنا و بت پرستی قبل از آن گناه نبودند؟ البته که این طور بود. درست است که قبل از واقعه کوه سینا، نژاد انسان به طور کلی تنها مکاشفه‌ای محدود از خدا داشت، اما به وضوح، اما آنها به اندازه کافی می‌دانستند که حساب پس خواهند داد. خدا عادل است و کسی ناعادلانه مجازات نخواهد کرد. همانطور که پولس در اینجا اشاره می‌کند، مردم جهان قبل از واقعه کوه سینا مردند. مرگ به همه منتقل می‌شود. اگر چه آنها در برابر یک فرمان به صراحت آشکار شده، گناه نکرده بودند، اما با این وجود مرتکب گناه شده بودند. آن‌ها مکاشفه خدا را در ذات و بطور فطری داشتند، که به آن پاسخ نداده و در نتیجه گناهکار در نظر گرفته شدند. «چیزهای نادیده او ... از حین آفرینش عالم بوسیله کارهای او فهمیده و دیده می‌شود تا ایشان را عذری نباشد» (رومیان باب ۱ آیه ۲۰).

**خدا با چه هدفی خودش را به طور کامل در «احکام» آشکار می‌کند؟ رومیان باب ۵ آیات ۲۰ و ۲۱.**

دستورالعمل‌های داده شده در سینا شامل احکام اخلاقی بودند، اگر چه آن‌ها قبل از آن وجود داشتند. با این وجود بر طبق کتاب مقدس، این اولین بار بود که این احکام نوشته شده و به طور گسترده ای اعلام شد. وقتی بنی اسرائیل خود را در آینه خواسته‌های الهی دیدند، متوجه شدند که چقدر از داشتن جمال الهی بی بهره هستند و اینکه چقدر مشکل دارند. به عبارت دیگر، «قانون شکنی» زیاد شد. آنها ناگهان متوجه میزان خطای خود شدند. هدف از چنین مکاشفه‌ای، کمک به ایشان برای درک نیاز خود به یک نجات دهنده، و هدایت آنها به پذیرش فیضی بود که بطور رایگان توسط خدا ارزانی شده بود. همانطور که قبلاً خاطر نشان شد، نسخه واقعی ایمان عهد قدیم، احکام گرایمی نبود.

**قوانین موجود در کشور شما چگونه یک تصور بشری از درست و نادرست را برای شما آشکار می‌سازند؟ اگر قوانین بشری می‌توانند چنین کاری انجام بدهند، پس احکام ابدی خدا چگونه می‌توانند باشند؟**

## عیسی، آدم دوم

«پس همچنان که به یک خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای قصاص، همچنین به یک عمل صالح بخشش شد بر جمیع مردمان برای عدالت حیات. زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید» (رومیان باب ۵ آیات ۱۸ و ۱۹). در اینجا چه تقابلی برای ما ارائه شده است؟ چه امیدی در مسیح به ما پیشنهاد شده است؟

به عنوان بشر، ما از آدم چیزی جز محکومیت به مرگ و نیستی به ارث نبرده ایم. اگر چه، مسیح آمد و از زمینی که آدم در آن سقوط کرد، گذشت و هر آزمونی را بجای بشر تحمل نمود. او سقوط و شکست ننگین آدم را بازخرید نمود و کفاره داد و در نتیجه، به عنوان جایگزین و فدایی ما شد و ما را در جایگاه برتری با خدا قرار داد. بنابراین، عیسی «آدم دوم» است.

«آدم ثانی یک عامل ارشاد کننده اخلاقی مستقل و مبرا از گناه بود که مسئولیت کردار خویش را در این جهان پذیرفته بود. او که توسط تاثیرات به شدت مودیانه و گمراه کننده احاطه شده بود، در شرایطی بس نا مطلوب برای یک زندگی بدون گناه، در مقایسه با آدم اول قرار داشت. با این وجود، او در میان گناهکاران، در برابر هر وسوسه گناهی مقاومت نمود و بی گناهی و معصومیت خویش را حفظ نمود. او همواره بی گناه بود.» - الن جی. وایت، برگرفته از مرجع زیر:

Ellen G. White Comments, *The SDA Bible Commentary*, vol. 6, p. 1074.

## اعمال آدم و مسیح چگونه در رومیان باب ۵ آیات ۱۵ تا ۱۹ مقایسه شدند؟

به ایده های مخالف در اینجا توجه کنید: مرگ، زندگی، نافرمانی، اطاعت؛ محکومیت، عادل شمرده شدن؛ گناه، درستکاری. عیسی آمد و هر آنچه که آدم انجام داده بود را بی اثر نمود!

جالب است که واژه هدیه یا بخشش، پنج مرتبه در رومیان باب ۵ آمده است. پنج مرتبه! نکته ساده است: پولس تأکید می کند که عادل شمرده شدن به دست نمی آید؛ بلکه یک هدیه است. این چیزی است که ما شایستگی آن را نداریم، و سزاوارش نیستیم. مانند تمام عطایا، ما باید تقاضا کنیم و آنها را بپذیریم و در این مورد، ما این عطیه را بواسطه ایمان می طلبیم.

بهترین هدیه‌ای که تا به حال دریافت کرده‌اید، چه بوده است؟ چه چیزی باعث خوب و ویژه بودن آن شد؟ این واقعیت که آن در واقع یک هدیه بود، و چیزی نبود که شما به دست آورده باشید، چگونه بیشتر قدردان آن خواهید بود؟ با این وجود، چگونه می‌توان آن هدیه را با آنچه که ما در عیسی داریم، مقایسه کرد؟

## جمعه

۱۰ نوامبر

**تفکری فراتر:** میتوانید سطرهایی را از مراجع زیر بخوانید:

Read Ellen G. White, "Help in Daily Living", pp. 470-472, in *The Ministry of Healing*; "Christ the Center of the Message", pp. 383, 384, in *Selected Messages*, book 1; "The Temptation and Fall", pp. 60-62, in *Patriarchs and Prophets*; "Justification", pp. 712-714, in *The SDA Encyclopedia*.

«بسیاری در خصوص وضعیت دلهای خویش نیرنگ خورده اند. آنها متوجه نمی شوند که دل بطور فطری فراتر از همه چیزهای دیگر فریبکار و بشدت بدکار است. آنها در پیله (باصطلاح) عدالت خودشان پیچیده اند، و از معیار بشری شخصیتی خود قانع و خشنود هستند.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر: *Selected Messages*, book 1, p. 320. «نیاز بزرگی وجود دارد که مسیح باید به عنوان تنها امید و نجات موعظه شود. هنگامی که اصول تعلیمی عادل شمرده شدن توسط ایمان ارائه شد...، برای بسیاری مانند آب برای یک مسافر تشنه بود. این فکر که عدالت مسیح به ما نسبت داده شده است، نه به خاطر هر گونه شایستگی از طرف ما، بلکه به عنوان یک هدیه رایگان از جانب خدا، یک فکر با ارزش به نظر می‌رسید.» - صفحه ۳۶۰.

«او کیست که نمونه‌اش باید می‌آمد (باب ۵ آیه ۱۴). آدم چگونه نمونه مسیح است؟ همانطور که آدم علت مرگ فرزندان خود شد، هر چند آنها از میوه درخت ممنوع نخوردند، به همان صورت مسیح به یک تصفیه حساب عدالت برای کسانی که با او هستند تبدیل شده است، هر چند که آنها هیچ نوع عدالتی به دست نیاورده‌اند. زیرا از طریق صلیب، او (عدالت) را برای همه انسان‌ها حتمی ساخت. نمونه گناه آدم در ما است، زیرا ما مانند او همانطور که گناه کردیم، می‌میریم. نمونه مسیح در ما است، زیرا آنگونه زندگی می‌کنیم که گویا تمام عدالت را مانند او تحقق بخشیدیم.» - مارتین لوتر، از مرجع زیر: *Commentary on Romans*, pp. 96, 97.

## سوالاتی برای بحث

۱. ما نقل قول زیر از الن جی. وایت را چگونه درک می‌کنیم: «نیاز به یک مطالعه بسیار دقیق تر از کلام خدا وجود دارد؛ به خصوص باید به دانیال و مکاشفه یوحنا به

گونه‌ای که هرگز در تاریخ با آن توجه نشده است، دقت کنیم. ممکن است با توجه به قدرت روم و مقام پاپ، از نظراتی چیزهای کمتری برای گفتن داشته باشیم؛ اما ما باید به آنچه انبیاء و رسولان تحت الهام روح القدس خدا نوشته‌اند، توجه کنیم.» - الن جی. وایت،

*Evangelism*, p. 577.

۲. در مورد واقعیت مرگ بیندیشید، نه تنها در باره زندگی بلکه در باره معنای زندگی تفکر کنید. بسیاری از نویسندگان و فلاسفه از بی معنایی نهایی زندگی به این دلیل که با مرگ ابدی به پایان می‌رسد، اظهار تأسف نموده‌اند. ما به عنوان مسیحیان، چگونه به آنها پاسخ می‌دهیم؟ چرا امیدی که ما در عیسی داریم، تنها پاسخ به این بی معنایی است؟

۳. درست همانطور که سقوط آدم یک طبیعت سقوط کرده را بر همه ما تحمیل کرده است، پیروزی عیسی، زندگی ابدی را به همه ما که آن را با ایمان قبول کنیم، بدون استثنا وعده می‌دهد. با چنین تدارک فوق العاده‌ای برای ما، چیزی مردم را از رسیدن و اشتیاق مطالبه آن برای خود، باز می‌دارد؟ چگونه هر یک از ما می‌توانیم به کسانی که به دنبال درک بهتر از آنچه که مسیح ارائه می‌دهد و کاری که برای آنها انجام داده است، کمک کنیم؟

## غلبه بر گناه



### بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۶؛ اول یوحنا باب ۱ آیه ۸ و باب ۲ آیه ۱.

**آیه حفظی:** «زیرا گناه نباید بر وجود شما حاکم باشد چون شما تابع شریعت نیستید بلکه زیر فیض خدا هستید» (رومیان باب ۶ آیه ۱۴).

اگر اعمال نتواند ما را نجات دهد، پس چرا اصلاً خود را بواسطه آنها به زحمت بیاندازیم، چرا به گناه کردن ادامه ندهیم؟

باب ۶ پاسخ پولس به این پرسش مهم می باشد. پولس در اینجا با آنچه معمولاً به عنوان «تقدیس» شناخته می شود سر و کار دارد. روندی که از طریق آن بر گناه غلبه کرده و هر چه بیشتر شخصیت مسیح را انعکاس می دهیم. واژه تقدیس تنها دو بار در رومیان آمده است. این واژه در رومیان باب ۶ آیات ۱۹ و ۲۲ بصورت معادل یونانی *hagiasnos* آمده است که به معنی تقدیس می باشد. در زبان انگلیسی این واژه بصورت «قدوسیت» آمده است.

آیا این بدین معناست که پولس در مورد آنچه عموماً به عنوان تقدیس شناخته می شود، چیزی برای گفتن ندارد؟ هرگز چنین نیست.

در کتاب مقدس، معمولاً «تقدیس شدن» به معنی «وقف شدن» برای خداست. از این رو، تقدیس شدن اغلب بصورت عملی است که در گذشته کامل گردیده است. برای مثال، «جمیع مقدسین» (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۳۲). در این مفهوم، افرادی که تقدیس شده اند کسانی هستند که خود را وقف خدا نموده اند.

اما این کاربرد کتاب مقدس از «تقدیس»، به هیچ وجه اهمیت اصل تعلیماتی تقدیس یا این واقعیت که تقدیس کاری مادام العمر می باشد را انکار نمی کند. کتاب مقدس به شدت این اصل تعلیمی را تأیید نموده اما عموماً از واژه های دیگری برای توصیف آن استفاده می کند. این هفته به جنبه دیگری از نجات از طریق ایمان خواهیم پرداخت، جنبه ای که می

تواند به راحتی سوء تعبیر شود: وعده پیروزی بر گناه در زندگی کسی که توسط عیسی نجات یافته است.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۸ نوامبر آماده شوید.

## یکشنبه

۱۲ نوامبر

# جایی که گناه افزایش یافت

پولس در رومیان باب ۵ آیه ۲۰ با بیانیه ای قدرتمند اظهار داشت: «اما جایی که گناه افزایش یافت فیض خدا به مراتب بیشتر گردید.» منظور او این است که، مهم نیست چه میزان گناه وجود دارد یا نتایج گناه تا چه حد مهیب باشد، فیض خدا برای مقابله با آن کافی است. این چه امیدی باید برای هر کدام از ما بیاورد، بویژه زمانی که وسوسه می شویم چنین حس کنیم که گناهانمان آنقدر بزرگ هستند که قابل بخشیدن نمی باشند! پولس در رومیان باب ۵ آیه ۲۱ نشان می دهد که اگر چه گناه به مرگ منجر می شود، فیض خدا از طریق عیسی، مرگ را شکست داده است و می تواند به ما زندگی ابدی ببخشد.

رومیان باب ۶ آیه ۱ را بخوانید. پولس در اینجا به چه منطقی اشاره دارد و او چگونه در رومیان باب ۶ آیات ۲ تا ۱۱، به چنین طرز تفکری پاسخ می دهد؟

پولس یک مسیر جالب استدلالی را در باب ۶ دنبال می کند، که چرا یک فرد عادل شمرده شده نباید مرتکب گناه بشود. او برای شروع می گوید که نباید گناه کنیم زیرا ما در گناه مرده ایم. سپس او منظور خود را توضیح می دهد.

فرو رفتن در آب برای تعمید، معرف تدفین می باشد. چه چیزی دفن شده است؟ «انسانیت کهنه» گناهکار - یعنی، جسم مرتکب گناه شده، جسمی که توسط گناه مدیریت و حکمرانی می شد. در نتیجه، این جسم گناه آلود از بین می رود تا دیگر در خدمت گناه نباشیم. در باب ۶ رومیان، گناه به عنوان یک ارباب که بر بندگان خود فرمانروایی می کند، شخصیت پردازی شده است. هنگامی که جسم گناه آلود که به گناه خدمت می کند، از بین می رود، اربابی گناه بر آن پایان می یابد. کسی که از قبر آبی بیرون می آید، فرد جدیدی می شود که دیگر در خدمت گناه نیست. او اکنون در تازگی حیات قدم بر می دارد.

مسیح، که مرد، یکبار برای همیشه مرد، اما اکنون برای همیشه زنده است. بنابراین، فرد مسیحی که تعمید دیده است، یکبار برای همیشه در گناه مرده است و نباید دیگر هرگز تحت سلطه آن در آید. البته، همانطور که هر مسیحی تعمید دیده می داند، گناه بطور خودکار پس از بیرون آمدن ما از آب، ناپدید نمی شود. تحت سلطه گناه نبودن به

معنی این نیست که نباید با آن مبارزه کرد.

«به این صورت ما مفهوم سخنان رسول را به وضوح متوجه می شویم. همه اظهاراتی اینچنینی از جمله: ۱- «ما نسبت به گناه مرده ایم»، ۲- ما نسبت به خدا زنده ایم و غیره، دلالت بر این دارند که ما تسلیم احساسات گناه آلود خود و گناه می شویم حتی اگر گناه در ما ادامه یابد. با این وجود، گناه تا پایان زندگیمان در ما باقی می ماند، همان گونه که در غلطیان باب ۵ آیه ۱۷ می خوانیم: 'زیرا تمایلات نفسانی بر خلاف روح القدس و آرزوهای روح القدس بر خلاف طبیعت نفسانی است و این دو مخالف یکدیگرند به طوری که شما نمی توانید آنچه را دلتان می خواهد انجام دهید.' بنابراین، همه رسولان و مقدسین اعتراف می کنند که گناه و احساسات گناه آلود در ما باقی می ماند تا زمانی که جسم به خاک و خاکستر تبدیل شود، و یک جسم جدید (جلال داده شده) بر خیزد که عاری از هوای نفس و گناه است.» مارتین لوتر، برگرفته از مرجع زیر:

*Commentary on Romans*, p. 100.

۱۳ نوامبر

دوشنبه

## زمانی که گناه حکمرانی میکند

در رومیان باب ۶ آیه ۱۲ چه نصیحتی به ما شده است؟

عبارت حکمرانی حاکی است که «گناه» در اینجا به عنوان یک حاکم و پادشاه نشان داده شده است. واژه یونانی که در اینجا بصورت «حکمرانی کردن» ترجمه شده است، به معنی «پادشاه بودن» یا «به عنوان پادشاه عمل کردن» می باشد. گناهان بسیار مایل به سلطه بر جسم های فانی ماست و بما امر و فرمان می دهد.

هنگامی که پولس می گوید، «پس گناه ... حکمرانی نکند»، به این مطلب اشاره دارد که فرد عادل شمرده شده می تواند انتخاب کند که از پادشاه شدن گناه در زندگی خود ممانعت بعمل آورد. این جایی است که اراده به کار می آید.

«چیزی که لازم است درک کنید، قدرت راستین اراده است. این قدرت حاکم در فطرت بشر، قدرت تصمیم گیری یا انتخاب است. همه چیز به عمل درست اراده بستگی دارد. خدا قدرت انتخاب را به بشر داده است؛ بکار بردن آن بستگی به آنها دارد. شما نمی توانید قلب خود را تغییر دهید، نمی توانید به خودی خود عواطف آن را به خدا بدهید؛ اما می توانید انتخاب کنید که به او خدمت نمایید. می توانید اراده خود را به او بدهید؛ او سپس در شما کار خواهد کرد تا مطابق با رضای او اراده و عمل نمایید. از این رو طبیعت کامل شما تحت کنترل روح مسیح قرار خواهد گرفت؛ عواطف شما بر او متمرکز خواهد

شد و افکارشان در هماهنگی با او خواهد بود.» - الن جی. وایت، گامهایی بسوی نور، برگرفته از مرجع زیر: *Steps to Christ*, p. 47

واژه یونانی ترجمه شده بصورت «هوس ها» در رومیان باب ۶ آیه ۱۲ به معنی «امیال» می باشد. این امیال ممکن است برای چیزهای خوب یا بد باشند؛ هنگامی که گناه حکمرانی می کند، ما را به خواسته بد و شریر وادار می کند. اگر ما با تکیه بر خود با امیال مبارزه کنیم، آنها قوی و غیر قابل مقاومت خواهند بود. گناه می تواند یک ستمگر بی رحم باشد، کسی که هرگز راضی نیست، بلکه همیشه بیشتر می خواهد. ما تنها از طریق ایمان و تنها با مطالبه وعده های پیروزی می توانیم بر این ارباب بی رحم غلبه نماییم.

پس واژه گفته شده در رومیان باب ۶ آیه ۱۲، مهم می باشد. این به آن چیزی که قبلاً گفته شده است بر می گردد، بویژه به آنچه در رومیان باب ۶ آیات ۱۰ و ۱۱ گفته شده است. فرد تعمیم دیده اکنون نسبت به خدا زنده است. یعنی، خدا در کانون زندگی جدید او قرار دارد. این فرد به خدا خدمت می کند، آنچه خدا را خشنود می سازد، انجام می دهد و بنابراین می تواند همزمان در خدمت گناه باشد. او «برای خدا در مسیح عیسی زنده است.»

نقل قول از الن جی. وایت در درس امروز را یکبار دیگر بخوانید. به اهمیت مفهوم اختیار و اراده آزاد توجه نمایید. ما به عنوان موجوداتی اخلاقی، دارای اراده آزاد هستیم و از قدرت انتخاب درست از نادرست، خوب از بد، مسیح یا جهان بر خورداریم. در طی ۲۴ ساعت آینده، سعی کنید آگاهانه نحوه بکار بردن این اراده آزاد اخلاقی را در خود زیر نظر بگیرید. درباره استفاده یا سوء استفاده خود از این عطای مقدس چه چیزی می توانید بیاموزید؟

۱۴ نوامبر

سه شنبه

## نه تحت شریعت بلکه تحت فیض

رومیان باب ۶ آیه ۱۴ را بخوانید. چگونه باید این آیه را درک کنیم؟ آیا بدین معناست که ده فرمان دیگر برای ما الزام آور نیستند؟ اگر چنین نیست، دلیلش چیست؟

رومیان باب ۶ آیه ۱۴ یکی از اظهارات کلیدی کتاب رومیان است. و این آیه ای است که ما اغلب این نقل قول می شنویم، زمانی که فردی به ما ادونتیست ها می گوید که سبت روز هفتم منسوخ شده است.

با این حال، بدیهی است که مفهوم این آیه چنین نیست. همانطور که قبلاً پرسیدیم،

چگونه می شود که احکام اخلاقی منسوخ شده باشند و گناه همچنان یک واقعیت باشد؟ زیرا احکام اخلاقی هستند که گناه را تعریف می کنند! اگر شما تمام آنچه که قبلاً در رومیان آمده است را بخوانید، حتی تنها در باب ۶، مشاهده اینکه چگونه در خلال این مباحث در خصوص واقعیت گناه، پولس ناگهان بگوید «احکام اخلاقی موجود در ده فرمان که منعکس کننده گناه، منسوخ شده اند»، دشوار است. این معنایی ندارد.

پولس به رومیان می گوید که فردی که «تحت شریعت» زندگی می کند - یعنی، تحت قیمومیت یهود آنگونه که در زمان وی با تمام قوانین و مقررات ساخت بشر اعمال می شد - توسط گناه اداره خواهد شد. در مقابل، فردی که تحت فیض زندگی می کند، بر گناه ظفر خواهد یافت. زیرا شریعت در قلب او نوشته شده است و روح خدا اجازه دارد تا گامهایش را هدایت کند. پذیرفتن عیسی مسیح به عنوان مسیح موعود، عادل شمرده شدن توسط وی، تعمید دیدن در مرگ او، نابودی انسانیت کهنه، بر خاستن برای قدم گذاشتن در تازگی حیات - اینها چیزهایی هستند که گناه را از زندگی ما بیرون می کنند. به یاد داشته باشید، این موضوع کلی رومیان باب ۶ آیه ۱۴، وعده غلبه بر گناه می باشد. ما نباید «تحت شریعت» بودن را بسیار محدود تعریف نماییم. فردی که ظاهراً «تحت فیض» زندگی می کند اما از احکام خدا اطاعت نمی کند، بجای فیض، محکومیت نصیبش خواهد شد. «تحت فیض» به این معنی است که از طریق فیض خدا آنگونه که در عیسی آشکار شد، محکومیتی که شریعت بطور اجتناب ناپذیری برای گناهکاران می آورد، از میان رفته است. بنابراین، ما اکنون آزاد از این محکومیت مرگی که بواسطه شریعت آورده شد، در «تازگی حیات» زندگی می کنیم، حیاتی توصیف شده و آشکار شده از طریق این واقعیت که ما با مردن در خود، دیگر بنده گناه نیستیم.

شما چگونه واقعیت یک حیات جدید در مسیح را تجربه کرده اید؟ به چه شواهد ملموسی می توانید اشاره کنید که آنچه مسیح در شما انجام داده است را آشکار می کنند؟ از رها نمودن چه چیزهایی امتناع می ورزید و چرا باید آنها را رها کنید؟

۱۵ نوامبر

چهارشنبه

## گناه یا اطاعت

رومیان باب ۶ آیه ۱۶ را بخوانید. منظور پولس در اینجا چیست؟ چرا استدلال او در اینجا اصطلاحاً خیلی صاف و پوست کنده است؟ یا رومی روم و یا زنگی زنگ؛ چیز دیگری در این وسط نیست. ما از این مقایسه بسیار واضح چه درسی باید بیاموزیم؟

---

پولس بار دیگر به این نکته باز می‌گردد که حیات تازه در ایمان، به گناه اجازه آزادی نمیدهد. زندگی با ایمان، پیروزی بر گناه را ممکن می‌سازد؛ در واقع، ما تنها از طریق ایمان می‌توانیم پیروزی که به ما وعده داده شده است را داشته باشیم.

پولس پس از اینکه به گناه به عنوانیک حاکم، نقشی میدهد که میتواند بر زیر دستانش حکمرانی می‌کند، اکنون به بازیگر گناه تحت عنوان اربابی باز می‌گردد و از خدمتگزارانش انتظار دارد که گوش به فرمان باشند. پولس اشاره می‌کند که فرد می‌تواند ارباب خود را انتخاب کند. او می‌تواند به گناه خدمت کند که منجر به مرگ می‌شود یا به عدالت خدمت کند که به زندگی ابدی منتهی می‌شود. پولس هیچ حد وسط یا جایی برای سازش برای ما باقی نمی‌گذارد. یا طرف دوست هستیید یا طرف دشمن، زیرا در عاقبت یا با حیات ابدی و یا با مرگ ابدی روبرو می‌شویم.

رومیان باب ۶ آیه ۱۷ را بخوانید. پولس آن مطلبی را که در رومیان باب ۶ آیه ۱۶ گفت، چگونه بسط می‌دهد؟

---

توجه کنید که چگونه به شکلی جالب توجه، فرمانبرداری به اصول تعلیم صحیح مرتبط است. واژه یونانی معادل «اصول تعلیم» در اینجا به معنی «آموزش» می‌باشد. به مسیحیان رومی، اصول ایمان مسیحی که اکنون از آن اطاعت می‌کردند قبلاً آموزش داده شده بود. از این رو، برای پولس، اصول تعلیم صحیح و آموزش صحیح، زمانی که «با تمامی وجود و دل اطاعت بشود»، به رومیان کمک میکرد تا «بندگان عدالت بشوند» (رومیان باب ۶ آیه ۱۸).

ما گاهی چنین می‌شنویم که اصول تعلیم اهمیت آنچنانی ندارد بلکه نشان دادن محبت اهمیت دارد. این مطلب یک ساده‌انگاری از قضیه‌ای پیچیده است که چندان هم ساده نیست. همانطور که در یکی از درس‌های قبلی بیان شد، پولس بسیار نگران اصول تعلیم غلط بود که کلیسای غلطیان تسلیم آن شده بود. از این رو، ما باید مراقب اظهاراتی باشیم که به نوعی اهمیت آموزه‌های صحیح را کم ارزش جلوه می‌دهند.

خدمتگزاران گناه، خدمتگزاران عدالت: تضاد بسیار زیادی را آشکار می‌کنند. اگر ما پس از تعمید مرتکب گناه بشویم، آیا به این معنی است که حقیقتاً نجات نمی‌یابیم؟ اول یوحنا باب ۱ آیه ۸ تا باب ۲ آیه ۱ را بخوانید. این آیات چگونه کمک میکنند تا معنای پیرو مسیح بودن و در عین حال در خطر سقوط قرار داشتن را درک کنیم؟

## آزادی از گناه

با در نظر داشتن آنچه که تا کنون در باب ۶ رومیان مطالعه کرده ایم، رومیان باب ۶ آیات ۱۹ تا ۲۳ را بخوانید. خلاصه آنچه که پولس می گوید را در قسمت زیر بنویسید. مهمتر از همه اینکه، از خود پرسید که چگونه می توانید حقایق بسیار مهمی که پولس به آن اشاره می کند را، در زندگی خود به واقعیت تبدیل نمایید. از خود پرسید که چه مسائلی در اینجا در خطر می باشند.

سخنان پولس در اینجا نشان می دهند که او کاملاً ماهیت سقوط کرده بشریت را درک می کند. او درباره «ناتوانی جسم» شما سخن می گوید. واژه یونانی معادل «ناتوانی» همچنین به معنای «ضعف» می باشد. او می داند که ماهیت سقوط کرده بشر، در صورتی که به حال خود رها شود، قادر به انجام چه خطاهایی می باشد. از این رو، او بار دیگر به قدرت انتخاب اشاره می کند - قدرتی که ما انتخاب کرده ایم تا خود را تسلیم نماییم و جسم ضعیفمان به اربابی جدید نیاز دارد که همانا عیسی است که ما را قادر میسازد تا به داشتن یک زندگی عادلانه داشته باشیم.

رومیان باب ۶ آیه ۲۳ اغلب برای نشان دادن اینکه جریمه گناه - یعنی سرپیچی از احکام - مرگ است، نقل قول می شود. قطعاً جریمه گناه مرگ است. اما ما علاوه بر دیدن مرگ به عنوان مجازات گناه، باید گناه را آنگونه که پولس در باب ۶ رومیان توصیف می کند، ببینیم یعنی به عنوان یک ارباب که بر بندگان خود حکمرانی می کند و آنها را با دستمزد مرگ فریب می دهد.

همچنین توجه کنید که پولس در ادامه توصیف نقش دو ارباب، توجه را به این واقعیت جلب می کند که بندگی به یک ارباب به معنی رهایی از بندگی دیگری می باشد. بار دیگر ما انتخاب واضح را می بینیم: یکی یا دیگری. هیچ حد وسطی وجود ندارد. در عین حال، همانگونه که همگی می دانیم، رهایی از سلطه گناه به معنی بی گناهی و مبارزه نکردن با گناه و حتی زمان هایی سقوط نمی باشد. در عوض به این معنی است که ما دیگر تحت سلطه گناه نیستیم، هر چقدر هم که در واقعیت، گناه در زندگی ما باقی ماند و ما باید بیشتر روزانه وعده های غلبه بر آن را بطلبیم.

بنابراین، این آیات به یک در خواست قدرتمند برای هر کسی که بنده گناه است، تبدیل می شوند. این ستمگر چیزی جز مرگ به عنوان پرداختن به کارهای شرم آور ارائه نمی دهد؛ از این رو، یک فرد معقول باید خواستار رهایی از این ستمگر باشد. در مقابل، کسانی که بنده عدالت هستند، کارهایی انجام می دهند که درست و قابل ستایش

هستند، نه با این اندیشه که به واسطه آن نجات یابند بلکه به عنوان ثمره تجربه جدیدی که کسب کرده اند. اگر آنها برای بدست آوردن نجات تلاش کنند، کل هدف انجیل، هدف کلی نجات و هدف کلی دلیل نیازشان به عیسی را از دست می دهند.

۱۷ نوامبر

جمعه

**تفکری فراتر:** میتوانید مطالبی را از مراجع زیر مطالعه کنید:

Read Ellen G. White, "Victory Appropriated", pp. 105, 106, in *Messages to Young People*; "The True Motive in Service", pp. 93-95, in *Thoughts From the Mount of Blessing*; "Appeal to the Young", p. 365, in *Testimonies for the Church*, vol. 3; pp. 1074, 1075, in *The SDA Bible Commentary*, vol. 6.

«او [عیسی] تسلیم گناه نشد. حتی در افکارش نیز تسلیم وسوسه نشد. پس باشد که ما نیز چنین باشیم. انسانیت مسیح با الوهیت پیوسته بود؛ او برای نبرد (با خصم) بواسطه ساکن بودن روح القدس در او مجهز بود. و او آمد تا ما را در ذات الهی (خویش) شریک گرداند. پس تا زمانی که ما در ایمان با او متحد باشیم، گناه دیگر سلطه ای بر ما ندارد. خدا به دنبال دست ایمان در ماست تا آن را بر(دست) محکم الوهیت مسیح قرار دهد تا ما به کمال شخصیت او دست یابیم.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر:

*The Desire of Ages*, p. 123.

«ما در تعمیمدمان متعهد شدیم که تمام ارتباطات خود با شیطان و عوامل او را قطع نماییم و قلب ذهن و روحمان را وقف گسترش ملکوت خدا کنیم ... پدر، پسر و روح القدس متعهد شدند که با بشر تقدیس شده همکاری نمایند.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر:

Ellen G. White Comments, *The SDA Bible Commentary*, vol. 6, p. 1075

«اقرار به مسیحی بودن بدون ایمان و عمل فایده ای ندارد. هیچ کس نمی تواند به دو ارباب خدمت کند. فرزندان آن شریر، خدمتگزاران ارباب خود هستند؛ کسی که آنان خود را تسلیم اطاعت از او کرده اند خدمتگزار او هستند و آنها تا زمانی که شریر و کارهای او را انکار نکنند، نمی توانند بندگان خدا بحساب بیایند. شرکت در لهو و لعب هایی که سر سپردگان شیطان به آن می پردازند بدون ضرر نمی باشد، هر چند آنها اغلب تکرار می کنند که چنین سرگرمی هایی بی ضرر هستند. خدا حقایق مقدس و منزهی را برای جدا ساختن قوم خود از افراد بی خدا و پاکسازی آنها در نزد خود، آشکار نموده است. ادونتستیهای روز هفتم باید ایمان خود را نشان بدهند.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر:

*Testimonies for the Church*, vol. 1, p. 404.

سوالاتی برای بحث

۱. اگر چه ما تمام این وعده های فوق العاده پیروزی بر گناه را داریم، واقعیت این

است که همه ما — حتی به عنوان مسیحیان دوباره حیات یافته — از میزان گمراه بودن، گناهکار بودن و فاسد بودن احتمالی قلبهایمان آگاهیم. آیا در اینجا تضادی وجود دارد؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

۲. در کلاس، از آنچه مسیح برایتان انجام داده است، تغییراتی که تجربه کرده اید و زندگی جدیدی که در او دارید، شهادت بدهید.

۳. با این حال که باید اهمیت این موضوع را همواره بیاد داشته باشیم که نجات ما تنها بر آنچه مسیح برایمان انجام داده است استوار است، چه خطرهایی بوجود می آید اگر بر آن حقیقت شگفت انگیز بیش از حد تأکید کنیم قسمت دیگر نجات را حذف کنیم یعنی آن چیزی که عیسی برای تبدیل ما به تصویر خود، در وجود ما انجام می دهد؟ چرا ما باید هر دو جنبه نجات را درک نموده و بر آن تأکید کنیم؟

# انسان باب ۷ رومیان کیست؟



## بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۷.

**آیه حفظی:** « ما اکنون از قید شریعت آزاد شده‌ایم زیرا نسبت به آنچه که ما را در بردگی نگاه می‌داشت، مرده‌ایم تا به طور تازه‌ای یعنی به وسیله روح‌القدس خدا را خدمت کنیم، نه مانند گذشته که از قوانین نوشته شده اطاعت می‌کردیم. » (رومیان باب ۷ آیه ۶).

تعداد کمی از فصول کتاب مقدس بحث و جدل ایجاد کرده ولی هیچیک به اندازه باب ۷ رومیان نبوده است. در خصوص مسایل بغرنج، کتاب مقدس تفسیری ادونتیست های روز هفتم چنین می گوید: «معنا و تفسیر [رومیان باب ۷ آیات ۱۴ تا ۲۵] یکی از مباحثه ای ترین موضوعات این رساله بوده است. مسائل اصلی این بوده اند که آیا شرح اینچنینی از نزاع شدید در باب علم اخلاق می توانست ارتباطی با زندگی خود نویسنده رساله داشته باشد و اگر چنین است، آیا این بخش از نگاهش به تجربه شخصی پولس در قبل یا بعد از تغییر کیش وی اشاره می کند. اینکه پولس از جهاد بر ضد گناه سخن می گوید، از ساده ترین مفهوم سخنانش آشکار می شود (رومیان باب ۷ آیات ۷ تا ۱۱). الن جی وایت، از مرجع زیر: [Ellen G. White, *Steps to Christ*, p. 19; Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 3, p. 475.]

مطمئناً این مطلب نیز درست است که او جهادی را تشریح می کند که کم و بیش توسط همه افرادی که با آن روبرو شده اند و نسبت به مطالبات روحانی شریعت مقدس خدا آگاه شدند، تجربه شده است.» - از مرجع زیر:

*The SDA Bible Commentary*, vol. 6, p. 553.

محققان کتاب مقدس در مورد اینکه آیا رومیان باب ۷ تجربه پولس در قبل یا بعد از ایمان آوردنش بود، اختلاف نظر دارند. صرف نظر از موضع افراد، چیزی که مهم است این

می باشد که عدالت عیسی ما را تحت پوشش خود در می آورد و اینکه ما با عدالت او در برابر خدا بی عیب هستیم، آن که وعده می دهد تا ما را تطهیر نماید، تا پیروزی بر گناه را به ما ارزانی دارد و ما را به «تصویر پسرش» تبدیل نماید (رومیان باب ۸ آیه ۲۹). اینها نکات بسیار مهمی هستند که ما باید در حالی که بدنال بشارت «انجیل ابدی» به «هر امت و قبیله و زبان و قوم» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۶) هستیم، بدانیم و تجربه کنیم.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۵ نوامبر آماده شوید.

## یکشنبه

۱۹ نوامبر

### مرده نسبت به شریعت

رومیان باب ۷ آیات ۱ تا ۶ را بخوانید. پولس در اینجا برای نشان دادن ارتباط با مخاطبان خویش چه تصویری ارائه می دهد و به واسطه آن به چه نکاتی اشاره میکند؟

تصویر سازی پولس در رومیان باب ۷ آیات ۱ تا ۶ تا حدودی پیچیده است، اما یک تجزیه تحلیل دقیق از این آیات به ما کمک خواهد نمود تا استدلال وی را درک کنیم. پولس در چهار چوب کلی رساله اش، به نظام عبادت ایجاد شده بر روی کوی سینا می پرداخت؛ این مطلبی است که او اغلب از واژه شریعت تداعی می نمود. یهودیان در درک این واقعیت مشکل داشتند که این آداب و نظام عبادت تشریفاتی که توسط خدا به آنها داده شد می بایست با آمدن مسیح موعود پایان پذیرد. این چیزی است که پولس با آن سر کار دارد - ایمانداران یهودی تبار هنوز آماده رها کردن آنچه بخش بسیار مهم زندگیشان بود، نبودند. در اصل، تصویر سازی پولس اینگونه است: یک زن با یک مرد ازدواج کرده است. قانون تا زمانی که مرد زنده است، زن را به مرد متعهد و ملزم ساخته است. در طول زندگی آن مرد، آن زن نمی تواند به همسری مرد دیگری در آید. اما هنگامی که او بمیرد، آن زن از قید قانونی که او را به آن مرد متعهد می نمود، رها می شود (رومیان باب ۷ آیه ۳).

پولس چگونه تصویر سازی قانون ازدواج را در مورد نظام یهودیت بکار می برد؟ رومیان باب ۷ آیات ۴ و ۵.

همانگونه که مرگ شوهرش، زن را از تحکم او آزاد می کند، مرگ زندگی گذشته در جسم از طریق عیسی مسیح، یهودیان را از احکامی که انتظار می رفت مسیح موعود آن

را محقق کند، آزاد می شوند.

اکنون یهودیان برای «ازدواج مجدد» آزاد بودند. آنها دعوت شده بودند که با مسیح موعود قیام نموده ازدواج کنند و در نتیجه ثمره آن را به خدا بدهند. این تصویر سازی یکی دیگر از شیوه هایی بود که پولس برای متقاعد کردن یهودیان به اینکه آنها اکنون آزاد بودند که نظام کهن را رها کنند، بکار برد.

بار دیگر، با توجه به چیزهای دیگری که پولس و کتاب مقدس در مورد اطاعت از ده فرمان می گویند، این اثبات که پولس به این ایمانداران یهودی تبار می گفت که ده فرمان دیگر الزام آور نیستند، معنا ندارد. کسانی که از این آیات برای رساندن آن مفهوم استفاده می کنند - اینکه احکام اخلاقی منسوخ شده بودند - در واقع قصدشان رساندن آن مفهوم نمی باشد؛ چیزی که آنها واقعا می خواهند بگویند این است که تنها سبت روز هفتم از بین رفته است و نه سایر احکام. اینگونه تفسیر نمودن رومیان باب ۷ آیات ۴ و ۵ به عنوان آموزه هایی که می گویند فرمان چهارم منسوخ یا جایگزین یا با یکشنبه عوض شده است، به این صورت است که به این کلمات معنایی ببخشیم که هرگز مورد نظر نبوده است.

۲۰ نوامبر

دوشنبه

## گناه و شریعت

اگر پولس در مورد کل نظام شریعت در سینا سخن می گوید، پس رومیان باب ۷ آیه ۷ چطور، که در آن او بطور خاص به یکی از ده فرمان اشاره می کند؟ آیا این موضعی را که در درس گذشته اشاره شد مبنی بر این که پولس در مورد منسوخ شدن ده فرمان سخن می گفت را تکذیب نمی کند؟ پاسخ «منفی» می باشد. ما باید بار دیگر به خاطر داشته باشیم که واژه شریعت برای پولس معنای نظام کامل معرفی شده بر روی کوه سینا را دارد، که احکام شامل احکام اخلاقی بود اما به آن محدود نمی شد. از این رو پولس می توانست از آن و همچنین هر بخش دیگری از نظام یهودیت به منظور رساندن منظور خویش، نقل قول کند. با این وجود هنگامی که این نظام با مرگ مسیح از بین رفت، شامل احکام اخلاقی که قبل از کوه سینا وجود داشتند و همچنین پس از جلجتا وجود داشتند، نمی شود.

رومیان باب ۷ آیات ۸ تا ۱۱ را بخوانید. پولس در اینجا درباره رابطه میان گناه و شریعت چه چیزی می گوید؟

خدا خود را برای یهودیان آشکار نمود و جزئیاتی را در باره اینکه چه چیزی درست و چه چیزی غلط است مطرح نمود از جمله در باب امور اخلاقی، مدنی، تشریفاتی و

بهداشت و سلامت. او همچنین جریمه های نقض احکام مختلف را نیز توضیح داد. تخلف از اراده آشکار شده خدا در اینجا به عنوان گناه تعریف شده است.

بنابراین، پولس توضیح می دهد او نمی توانست بداند بدون آگاهی که بواسطه «شریعت» می آمد، طمع یک گناه محسوب می شد. گناه، نقض اراده آشکار شده خداست و جایی که اراده آشکار شده ناشناخته باشد، هیچ آگاهی نسبت به گناه وجود ندارد. هنگامی که آن اراده آشکار شده برای یک فرد مشخص می شود، او متوجه می شود که گناه کار است و محکوم به مرگ می باشد. در این مفهوم، فرد می میرد.

در بحث پولس در اینجا و در بخش های دیگر، او سعی دارد پلی ایجاد نماید تا یهودی تباران را - که به «شریعت» احترام می گذارند - به دیدن مسیح به عنوان کامل کننده شریعت هدایت کند. او نشان می دهد که شریعت الزامی بود اما عملکردش محدود بود. شریعت قرار بود نیاز به نجات را نشان بدهد و هرگز قرار نبود که وسیله رسیدن به نجات باشد.

«پولس رسول در بازگو نمودن تجربه اش، حقیقتی مهم را در مورد شکل گرفتن ایمان ارائه می دهد. او می گوید، 'من از قبل بدون شریعت زنده می بودم' - او هیچ محکومیتی احساس نکرد؛ 'لکن چون حکم آمد، هنگامی که شریعت خدا وجدان او را برانگیخت، گناه زنده گشت و من مردم'. سپس او خود را یک گناهکار دید که توسط احکام الهی محکوم شده است. توجه کنید که این پولس بود که مُرد و نه شریعت.» - الن جی. وایت، از مرجع زیر: Ellen G. White Comments, *The SDA Bible Commentary*, vol. 6, p. 1076

شما در چه مفهومی در برابر شریعت «مردید»؟ چگونه در آن زمینه می توانید آنچه عیسی با دادن یک زندگی جدید به شما در خود، برایتان انجام داده است را درک کنید؟

۲۱ نوامبر

سه شنبه

## شریعت مقدس است

رومیان باب ۷ آیه ۱۲ را بخوانید. ما این آیه را در زمینه آنچه پولس مطرح نموده است، چگونه درک می کنیم؟

از آنجایی که یهودیان به شریعت حرمت نشان می دادند، پولس به هر روش ممکن آن را تمجید می کند. شریعت برای آنچه انجام می دهد خوب است، اما نمی تواند کاری را که قرار نبوده انجام بدهد، یعنی نجات ما از گناه. ما برای آن به عیسی نیاز داریم

زیرا شریعت - چه کل نظام یهودیت یا احکام اخلاقی بطور خاص - نمی تواند نجات را به همراه داشته باشد. تنها عیسی و عدالت او که با ایمان به ما می رسد، می تواند ما را نجات دهد.

پولس برای شرایط «مرگ» خود چه کسی را سرزنش می کند و از چه چیزی دفاع می کند؟ چرا این تمایز مهم است؟ رومیان باب ۷ آیه ۱۳.

پولس در رومیان باب ۷ آیه ۱۳، «شریعت» را در بهترین مفهوم آن ارائه می دهد. او در نظر میگیرد تا گناه را سرزنش کند و نه شریعت را بخاطر وضعیت گناه آلود اسفناک خویش؛ یعنی، «هر قسم از هوی و هوس» [شهوت] (رومیان باب ۷ آیه ۸). شریعت خوب است زیرا معیار سلوک و هدایتگری خداست اما پولس به عنوان یک گناهکار در برابر آن محکوم می باشد.

چرا گناه در نشان دادن پولس به عنوان یک گناهکار خیلی بد، بسیار موفق بود؟ رومیان باب ۷ آیات ۱۴ و ۱۵.

نفسانیت همان جسمانیت است. از این رو پولس به عیسی مسیح نیاز داشت. تنها عیسی مسیح می توانست محکومیت را از بین ببرد (رومیان باب ۸ آیه ۱). تنها عیسی مسیح می توانست او را از اسارت گناه آزاد کند. پولس خود را به عنوان «فروخته شده تحت گناه» توصیف می کند. او برده گناه است. هیچ آزادی ندارد. نمی تواند کاری را که می خواهد انجام بدهد. او سعی می کند آنچه را که شریعت خوب به او می گوید، انجام دهد اما گناه به او این اجازه را نمی دهد. پولس با این تصویر سازی در تلاش بود به یهودی تباران، نیازشان را به مسیح موعود نشان دهد. او قبلاً اشاره کرده بود که پیروزی تنها تحت فیض امکان پذیر است (رومیان باب ۶ آیه ۱۴). این فکر مشابه در باب ۷ رومیان نیز مجدداً تأکید شده است. زندگی کردن تحت «شریعت» به معنی بردگی گناه، یک ارباب بی رحم می باشد.

تجربه شما از بردگی گناه چه بوده است؟ آیا تا به حال تلاش نموده اید تا با گناه بازی کنید، فکر کنید که می توانید به میل خود آن را تحت کنترلتان در آورید، اما در نهایت خود را تحت سلطه اربابی شریر و بی رحم بیابید؟ به واقعیت خوش آمدید! پس چرا باید خود را تسلیم عیسی کنید و روزانه در تزکیه نفس بکوشید؟

## انسان باب ۷ رومیان

«وقتی کاری می‌کنم که نمی‌خواهم بکنم، این نشان می‌دهد که من با حقانیت شریعت موافقم. پس در واقع من آن کسی که این کار را انجام می‌دهم نیستم؛ بلکه این گناه است که در من به سر می‌برد.» (رومیان باب ۷ آیات ۱۶ و ۱۷). چه کشمکشی در اینجا ارائه شده است؟

روح القدس با استفاده از شریعت به عنوان یک آینه، فرد را محکوم می‌سازد که با انجام ندادن الزامات شریعت، خدا را می‌رنجاند. گناهکار از طریق تلاش برای انجام خواسته‌ها، نشان می‌دهد که با خوب بودن شریعت موافق است.

پولس کدام یک از نکاتی را که قبلاً بیان نموده بود را برای تأکید تکرار کرد؟ رومیان باب ۷ آیات ۱۸ تا ۲۰.

روح القدس برای نشان دادن نیاز فرد به مسیح، اغلب او را از کانال تجربه «عهد قدیم» هدایت می‌کند. الن جی. وایت تجربه بنی اسرائیل را اینگونه توصیف می‌کند: «مردم، گناهکاری قلب‌های خود و این موضوع را که بدون مسیح، نگاه داشتن شریعت خدا برایشان غیر ممکن بود را درک نکردند؛ و آنها بی‌درنگ وارد عهد با خدا شدند. آنها که احساس نمودند قادر به ایجاد عدالت خود هستند اعلام نمودند، هر آنچه خداوند گفته است، خواهیم کرد و گوش خواهیم گرفت. خروج باب ۲۴ آیه ۷... تنها پس از چند هفته آنها عهد خود را با خدا شکستند و برای عبادت بت‌ها کمر خم نمودند. آنها نمی‌توانستند از طریق عهدی که شکسته بودند، امید به لطف خدا داشته باشند؛ و اکنون، آنها که گناهکاری و نیاز خود به بخشش را می‌دیدند، نیازشان به نجات دهنده آشکار شده در عهد ابراهیمی را احساس نمودند.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر: *Patriarchs and Prophets*, pp. 371, 372.

متأسفانه، بسیاری از مسیحیان بواسطه ناموفق بودن در تجدید میثاق روزانه با مسیح، در واقع به گناه خدمت می‌کنند، هر چقدر هم که از پذیرفتن آن نفرت داشته باشند. آنها چنین استدلال می‌کنند که در واقع، آنها دست‌خوش تجربه طبیعی تطهیر می‌شوند و در واقع همچنان راه زیادی برای رفتن دارند. بنابراین، بجای واگذار نمودن گناهان شناخته شده خود به مسیح و درخواست غلبه بر آنها از وی، در پشت باب ۷ رومیان پنهان شده

که فکر می کنند به آنها می گوید، انجام کار درست، غیر ممکن است. در واقعیت این باب می گوید که انجام کار درست زمانی که فرد در بندگی گناه است، غیر ممکن می باشد اما پیروزی در عیسی مسیح امکان پذیر است.

آیا شما از پیروزی های بر نفس و گناه که مسیح وعده داده است برخوردارید؟  
اگر خیر دلیلش چیست؟ شما خود به تنهایی چه انتخاب های اشتباهی دارید؟

۲۳ نوامبر

پنجشنبه

## نجات یافته از مرگ

رومیان باب ۷ آیات ۲۱ تا ۲۳ را بخوانید. آیا شما این کشمکش را حتی به عنوان یک مسیحی، در زندگی خود تجربه کرده اید؟

پولس در این آیات، شریعت را با اجزایش با قانون گناه برابر می کند. پولس می گوید «طبیعت نفسانی او بنده گناه بود» (رومیان باب ۷ آیه ۲۵). اما خدمت به گناه و اطاعت از قوانینش به معنی مرگ است (رومیان باب ۷ آیات ۱۰، ۱۱ و ۱۳ را ببینید). از این رو بدن وی - آنگونه که در اطاعت از گناه عملکرد - می توانست به عنوان «بدن این مرگ» توصیف شود.

احکام ذهن احکام خداست، یعنی مکاشفه خدا از اراده او. پولس پس از متقاعد شدن بواسطه روح القدس، با این احکام موافقت کرد. ذهن او مصمم به نگاه داشتن آن احکام بود، اما هنگامی که سعی می کرد نمی توانست زیرا جسم او خواستار گناه بود. آیا کسی وجود دارد که چنین کشمکشی را احساس نکرده باشد؟ شما در ذهنتان می دانید که می خواهید چه کاری انجام بدهید، اما جسمتان مُصرانه چیز دیگری می خواهد.

ما چگونه می توانیم از این وضعیت دشواری که در آن قرار داریم، نجات یابیم؟ رومیان باب ۷ آیات ۲۴ و ۲۵.

برخی متعجب هستند که چرا پولس پس از رسیدن به اوج شکوه در بیان این مطلب که «خدا را به وسیله خداوند ما عیسی مسیح شکر می کنم»، بار دیگر به کشمکش نفسانی که ظاهراً از آن رهایی پیدا کرده است، اشاره می کند. برخی این عبارت شکرگزاری

را بعنوان مطلب تعجب آور زاید در نظر گرفته اند که ارتباطی با موضوع اصلی ندارد. آنها بر این باورند که چنین تعجبی بطور طبیعی با فریاد «چه کسی باید نجات پیدا کند؟»، دنبال می شود. آنها این را پیش از اقدام به بحثی گسترده در مورد نجات با شکوه قرار می دهند (رومیان باب ۸). پولس آنچه را که در آیات قبل بیان کرده است، خلاصه می کند و بار دیگر به مبارزه علیه نیروهای گناه اعتراف می کند.

برخی اظهار می کنند که منظور پولس از «خود من»، «به حال خود رها شدن و خارج نمودن مسیح از صحنه» می باشد. هر گونه که رومیان باب ۷ آیات ۲۴ و ۲۵ درک بشوند، یک نکته باید مشخص باقی بماند: ما اگر بدون مسیح به حال خود رها شویم، در برابر گناه درمانده هستیم. ما با مسیح، زندگی جدیدی در وی داریم، نوعی زندگی که در آن، اگر چه نفس مرتبا قیام خواهد کرد ولی وعده های پیروزی از آن ما خواهند بود اگر آنها را بطلبیم. درست همانطور که هیچ کس نمی تواند بجای شما نفس بکشد یا سرفه کند و یا عطسه کند، هیچ کس نمی تواند بجای شما تسلیم مسیح بشود. تنها شما می توانید این انتخاب را انجام بدهید. هیچ راه دیگری برای بدست آوردن پیروزی هایی که در عیسی به ما وعده داده شده اند وجود ندارد.

## جمعه

### ۲۴ نوامبر

**تفکری فراتر:** «هیچ ایمنی یا آسودگی یا توجیهی در برابر نقض احکام وجود ندارد. انسان نمی تواند آرزوی این را داشته باشد که در برابر خدا بی گناه باشد و از طریق شایستگی های مسیح با او در صلح باشد، در حالی که به گناه کردن ادامه می دهد.» -

الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر: *Selected Messages, book 1, p. 213*

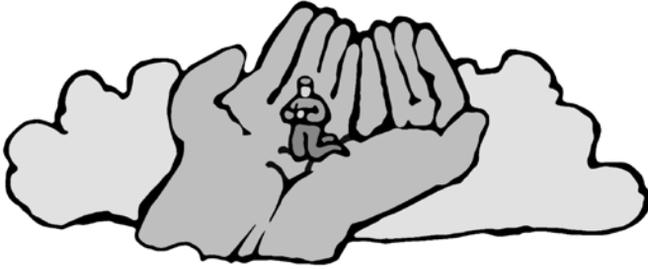
«پولس از برادران خود می خواهد تا ببینند که قدرت عظیم پرچال منجی آمرزنده گناه به تمامی قوم یهود منزلت بخشید. او همچنین از آنها می خواهد تا درک کنند، هنگامی که مسیح به جهان آمد و به عنوان قربانی انسانی مُرد، الگو با اصل یکی شد. [یعنی آداب تشریفاتی قربانی معبد الگویی بود که به اصل، یعنی مسیح اشاره داشت و وقتی که اصل آمد آنگاه الگو دیگر باید کنار گذاشته میشد - ویراستار]

«پس از اینکه مسیح بر روی صلیب به عنوان قربانی گناه مُرد، احکام تشریفاتی دیگر اجباری نبودند. با این حال این مطلب با احکام اخلاقی مرتبط و با شکوه بود. همه آن دارای نشان الهی بود و قدوسیت، عدالت و درستی خدا را بیان نمود. و اگر منسوخ شدن آن احکام با شکوه بود پس واقعیت زمانی که مسیح آشکار شد و زندگی خود را وقف همه ایمانداران نمود، باید تا چه میزان باشکوه باشد.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از: *Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1095.*

## سوالاتی برای بحث

۱. «در باب ۷ آیه ۲۵، رسول می نویسد: 'طبیعت نفسانی من بنده گناه است با عقل خود شریعت خدا را بندگی می کنم' این روشنترین آیه هاست و ما از آن می آموزیم که یک فرد (ایماندار) در عین حال، هم به احکام خدا و هم به قوانین گناه خدمت می کند. او در عین حال عادل شمرده شده و گناهکار می باشد (simul iustus est et peccat)؛ زیرا او نمی گوید: 'ذهن من در خدمت احکام خدا می باشد؟' یا اینکه نمی گوید: 'جسم من در خدمت قوانین گناه است؟' اما می گوید: 'خود من'. یعنی، من کامل، خود شخص در این خدمت دو گانه می باشد. به این دلیل او از خدا برای خدمت به احکامش تشکر می کند و برای خدمتگزاری اش به قوانین گناه، تقاضای رحمت دارد. اما هیچ کس نمی تواند در مورد فرد بی ایمان بگوید که او به احکام خدا خدمت می کند. رسول می خواهد بگوید که: می بینید، این همانطور است که من قبلاً گفتم: مقدسین (ایمانداران) در عین حال هم گناهکار و هم عادل هستند. آنها عادل شمرده شدند زیرا به مسیح ایمان دارند که عدالتش آنها را می پوشاند و به ایشان نسبت داده شده است. اما آنها گناهکارند تا جایی که احکام را بجا نیاورند و همچنان هوس های گناه آلود داشته باشند. آنها مانند افراد بیماری هستند که توسط یک پزشک تحت درمان می باشند. آنها واقعاً بیمار هستند اما امیدوارند و شروع به بهبود می کنند. آنها در شرف بدست آوردن سلامتی شان هستند. چنین بیمارانی در صورتی که متکبرانه ادعای سلامتی کنند، رنج بیشتری خواهند کشید زیرا از وخیم شدن بیماری که بسیار وخیم تر می باشد، رنج خواهند برد.» - مارتین لوتر، *Commentary on Romans*, pp. 114, 115. آیا می توانیم با آنچه لوتر در اینجا نوشته است، موافق باشیم؟ دلایل پاسخ خود را در کلاس مطرح کنید.

# محکومیتی وجود نخواهد داشت



## بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۸ آیات ۱ تا ۱۷.

**آیه حفظی:** «پس دیگر برای کسانی که در اتحاد با مسیح عیسی به سر می‌برند هیچ محکومیتی وجود ندارد» (رومیان باب ۸ آیه ۱).

رومیان باب ۸ واکنش پولس به رومیان باب ۷ می‌باشد. پولس در رومیان باب ۷ از ناامیدی، شکست و محکومیت سخن می‌گوید. در رومیان باب ۸، محکومیت از میان رفته است و با آزادی و پیروزی از طریق عیسی مسیح جایگزین شده است.

پولس در رومیان باب ۷ می‌گفت اگر شما از پذیرفتن عیسی مسیح سر باز بزنید، تجربه تأسف آور رومیان باب ۷ را خواهید داشت. شما برده گناه خواهید بود و قادر نخواهید بود تا آنچه را که انتخاب کرده اید انجام دهید. او در رومیان باب ۸ می‌گوید که عیسی مسیح به شما رهایی از گناه را عرضه میدارد و آزاد هستید تا به هر کار خوبی که دوست دارید بپردازید ولی جسم نفسانی به شما اجازه نخواهد داد.

پولس در ادامه توضیح می‌دهد که این آزادی با بهای بی اندازه ای خریداری شد. مسیح پسر خدا جسم بشری بر خود پوشید. این تنها راهی بود که او می‌توانست با ما ارتباط برقرار نموده، نمونه کامل ما باشد و جایگزینی شود که بجای ما بمیرد. او «در شبیه جسم گناهکار» (رومیان باب ۸ آیه ۳) به این جهان آمد. در نتیجه، خواسته های بر حق احکام میتواند در ما تحقق یابد (رومیان باب ۸ آیه ۴). به عبارت دیگر، مسیح بر گناه ظفر یافت - همچنین خواسته های قطعی و بلامنازع احکام را برآورده ساخته و برای کسانی که باور داشتند، نه به عنوان وسیله ای برای نجات بلکه به عنوان نتیجه و عاقبت آنرا ممکن و میسر ساخت. اطاعت از احکام هرگز وسیله ای برای رستگاری نبوده و نخواهد بود. این پیام پولس و لوتر بوده است و باید پیام ما نیز باشد.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲ دسامبر آماده شوید.

## در عیسی مسیح

«پس دیگر برای کسانی که در اتحاد با مسیح عیسی به سر می‌برند هیچ محکومیتی وجود ندارد» (رومیان باب ۸ آیه ۱). «هیچ محکومیتی» به چه معناست؟ عدم محکومیت از چه چیزی؟ و چرا این یک خبر خوب است؟

یک عبارت متداول در نوشته‌های منتسب به پولس، «در عیسی مسیح» می‌باشد. بودن یک فرد «در» عیسی مسیح به معنی این است که او مسیح را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفته است. این فرد بطور ضمنی به مسیح اطمینان دارد و تصمیم گرفته است که راه زندگی او را در پیش بگیرد. دستاورد چنین تصمیمی یک اتحاد شخصی نزدیک با مسیح می‌باشد. عبارات «در عیسی مسیح» با «در جسم نفسانی» در تضاد هم قرار دارند. این موضوع همچنین با تجربه‌ای که در باب ۷ با جزییات داده شده مقایسه گردیده است، جایی که پولس فرد تحت محکومیت را پیش از تسلیم خود به مسیح بعنوان جسم نفسانی توصیف می‌کند، به این معنی که او برده گناه است. آن فرد تحت محکومیت مرگ است (رومیان باب ۷ آیات ۱۱، ۱۳ و ۲۴). او در خدمت «قانون گناه» است (رومیان باب ۷ آیات ۲۳ و ۲۵). این فرد در یک وضعیت وخیم اسفباری قرار دارد (رومیان باب ۷ آیه ۲۴).

اما سپس آن فرد تسلیم عیسی می‌شود، و تغییری سریع در جایگاهش نسبت به خدا شکل می‌گیرد. این فرد که قبلاً به عنوان یک قانون شکن محکوم شده بود، اکنون در نظر خدا بی‌عیب بوده و به گونه‌ای خواهد بود که گویا هرگز گناه نکرده است، زیرا عدالت عیسی مسیح بطور کامل آن فرد را تحت پوشش قرار میدهد. دیگر محکومیتی وجود ندارد، نه به این دلیل که فرد بدون خطا، بی‌گناه یا سزاوار حیات ابدی است (اینگونه نیست!) بلکه به دلیل اینکه قالب زندگی بی‌عیب و نقص عیسی در سابقه فرد قرار می‌گیرد؛ از این رو هیچ محکومیتی در او وجود ندارد. اما خبر خوش به اینجا ختم نمی‌شود.

چه چیزی انسان را از بردگی گناه آزاد می‌سازد؟ رومیان باب ۸ آیه ۲.

«قانون روح حیات» در اینجا به معنی نقشه مسیح برای نجات بشریت است و در تقابل با «شریعت گناه و مرگ» قرار دارد که در باب ۷ به عنوان قانونی بود که بموجب آن گناه حکمرانی مینمود و به مرگ منتهی میشد. در عوض، شریعت مسیح، آزادی و حیات به همراه دارد.

«هر جانی که حاضر نشود تا خود را تسلیم خدا گرداند، تحت کنترل قدرت دیگری قرار دارد. او به خود تعلق ندارد. او ممکن است از آزادی سخن بگوید، اما در بردگی مطلق است ... در حالی که او خود را تمجید می کند که از عقاید خود تبعیت میکند، در واقع از خواسته شاهزاده تاریکی اطاعت می کند. مسیح آمد تا قید بندگی گناه را از نفس بردارد.» - الن جی. وایت، آرزوی اعصار، *The Desire of Ages*, p. 466  
باشید؟ چگونه می توانید اطمینان داشته باشید؟

۲۷ نوامبر

دوشنبه

## آنچه شریعت نمی توانست انجام دهد

«شریعت» با وجود اینکه خوب است (احکام تشریفاتی، احکام اخلاقی و یا هر دوی اینها) نمی توانند آن چیزی که ما بیشتر از همه به آن نیاز داریم را انجام بدهند که آن مهیا نمودن وسیله نجات، وسیله ای برای نجات ما از محکومیت و مرگی که گناه به همراه دارد، می باشد. و ما برای آن، به عیسی نیاز داریم.

رومیان باب ۸ آیات ۳ و ۴ را بخوانید. مسیح چه کاری انجام داد که شریعت با تمام ماهیتش، قادر به انجام آن نیست؟

خدا «با فرستادن پسر خود در شبیه جسم گناه»، چاره ای فراهم نمود و «گناه را در ذات انسانی محکوم ساخت». تجسم مسیح گامی مهم در نقشه نجات بود. تجلیل نمودن صلیب شایسته است اما در به انجام رساندن نقشه نجات، زندگی مسیح بصورت انسان جسمانی و گناهکار نیز بسیار مهم بود.

در نتیجه فرستادن مسیح توسط خدا، اکنون انجام الزامات درست شریعت برای ما امکان پذیر است؛ یعنی انجام چیزهایی که شریعت ملزم می دارد. «تحت شریعت» قرار گرفتن (رومیان باب ۶ آیه ۱۴) غیر ممکن بود؛ اما اکنون «در مسیح» ممکن می باشد. با این حال، ما باید بیاد داشته باشیم که انجام الزامات شریعت به معنی نگاه داشتن درست آن به اندازه کافی به منظور حصول رستگاری نمی باشد. این یک گزینه نیست - و هرگز نبوده است. این در واقع به معنی داشتن یک نوع زندگی که خدا ما را برای آن قادر می سازد؛ یعنی یک زندگی مطیع که در آن ما «طبیعت نفسانی را با هوسها و امیال آن مصلوب کرده ایم» (غلاطیان باب ۵ آیه ۲۴)، زندگی که در آن شخصیت مسیح را انعکاس می دهیم.

«گام\* بر دارید» در رومیان باب ۸ آیه ۴ اصطلاحی است که حاکی از «رفتار کردن» می باشد. واژه جسم در اینجا به معنی فرد گناهکار، قبل یا بعد از ایمان آوردن است. رفتار کردن در پی جسم به معنی تحت کنترل قرار داشتن تمایلات خودخواهانه است.

\* نسخه قدیمی فارسی برگرفته از نسخه انگلیسی KJV ، بطور مستقیم واژه "گام" برداشتن را رفتار نمودن ترجمه نموده است که این واژه در کتاب مقدس های موجود فارسی یافت نمیشود. - ویراستار

Roman 8:4 – That the righteousness of the law might be fulfilled in us, who walk not after the flesh, but after the Spirit. (KJV)

ترجمه مستقیم: که [آن] عدالت از احکام ممکن است در ما محقق گردد؛ [آن] کسی که بدنبال [خواسته های] جسم گام بر ندارد ، بلکه در پی [خواسته های] روح باشد. رومیان ۸: ۴ (ویراستار)

در مقابل، گام برداشتن در پی روح به معنی تحقق خواسته های شریعت است. ما تنها از طریق کمک روح القدس می توانیم این خواسته ها را بجا آوریم. تنها در عیسی مسیح آزادی انجام خواسته های شریعت بر آورده میشود. جدا از مسیح چنین آزادی وجود ندارد. کسی که برده گناه است، انتخاب انجام کارهای خوب ، برایش غیر ممکن می باشد (رومیان باب ۷ آیات ۱۵ و ۱۸ را ببینید).

شما تا چه حد به خوبی احکام را رعایت میکنید؟ اگر تصور بدست آوردن نجات از طریق شریعت را کنار بگذاریم، آیا زندگی شما به گونه ای هست که «عدالت شریعت» در آن تحقق یابد؟ اگر خیر، چرا؟ شما برای توجیه رفتار خود چه بهانه های غیر منطقی می آورید؟

۲۸ نوامبر

سه شنبه

## جسم یا روح

«زیرا آنانی که بر حسب جسم هستند، در چیزهای جسم تفکر می کنند و اما آنانی که بر حسب روح هستند در چیزهای روح. از آن جهت که تفکر جسم موت است، لکن تفکر روح حیات و سلامتی است» (رومیان باب ۸ آیات ۵ و ۶). در این آیات تأمل کنید. از این آیات چه پیام اساسی بدست می آید؟ این آیات درباره شیوه زندگی شما چه می گویند؟

[5 For they that are after the flesh do mind the things of the flesh; but they that are after the Spirit the things of the Spirit.

6 For to be carnally minded is death; but to be spiritually minded is life and peace. Roman 8: 5-6 (NIV).

زیرا آنانیکه در پی جسم هستند بر امور جسم اندیشه دارند لیکن آنهایی که بدنبال روح بر امور روح. برای شهوت اندیشان موت است لیکن برای روح اندیشان حیات است و صلح و سلامتی. (ویراستار)

«در پی»، در اینجا به معنی «مطابق با» (در زبان یونانی kata) بکار برده شده است. «اندیشه» در اینجا به معنی فکر و اندیشه خود را بر چیزی [برقرار یا وضع یا متمرکز] نمودن است. گروهی از مردم ذهنشان را بر تحقق تمایلات طبیعی تنظیم می کنند؛ گروهی دیگر ذهن خود را بر مسائل مربوط به روح و پیروی از فرمان‌های تنظیم می نمایند. از آن جایی که اندیشه و ذهن اعمال را تعیین می کند، زندگی و نحوه عمل این دو گروه متفاوت است.

ذهن جسمانی قادر به انجام چه کاری نیست؟ رومیان باب ۸ آیات ۷ و ۸.

تنظیم یا متمرکز نمودن ذهن به انجام تمایلات جسمانی در واقع به معنی در وضعیت دشمنی با خدا بودن است. کسی که ذهنش اینگونه است، در مورد انجام اراده خدا بی تفاوت می باشد. او حتی ممکن است در سرکشی علیه خدا و آشکارا در پی نقض احکام او باشد. پولس بخصوص بر این نکته می خواهد تأکید کند که اگر شما از مسیح جدا باشید، نگاه داشتن احکام خدا غیر ممکن است. پولس بارها به این موضوع باز میگردد: مهم نیست فردی چقدر تلاش کند، در صورت جدا بودن از مسیح قادر به اطاعت از احکام نمی باشد. هدف ویژه پولس این بود که یهودیان را متقاعد کند که به چیزی بیشتر از «تورات» (شریعت) خود نیاز دارند. آنها با رفتارشان نشان داده بودند که به رغم داشتن مکاشفه الهی، مرتکب همان گناہانی شده بودند که غیر یهودیان انجام داده بودند (رومیان باب ۲). نکته کلیدی این بود که آنها نیازمند به مسیح موعود بودند. بدون او، آنها بنده گناه و ناتوان در فرار از سلطه آن بودند.

این پاسخ پولس به آن دسته از یهودیانی بود که نمی توانستند درک کنند که چرا آنچه خدا در عهد قدیم به ایشان داده بود، دیگر برای نجات کافی نبود. پولس اعتراف کرد که آنچه آنها انجام می دادند خوب بود، اما همچنین لازم بود که ایشان مسیح موعود را که اکنون آمده بود، بپذیرند.

به ۲۴ ساعت زندگی گذشته خود نگاهی بیاندازید. آیا اعمال شما بر حسب روح بودند یا جسم؟ پاسختان درباره خودتان چه چیزی می گوید؟ اگر کارهایتان بر حسب جسم بوده، چه تغییراتی باید ایجاد کنید و چگونه می توانید اینکار را انجام دهید؟

## مسیح در شما

پولس به موضوع خود ادامه میدهد، یعنی مقایسه نمودن دو احتمال که مردم در نحوه زندگیشان با آن روبرو هستند: یا بر حسب روح - یعنی روح القدس خدا که به ما وعده داده شده است - یا بر حسب طبیعت گناهکار و جسمانی خود. یکی به زندگی ابدی و دیگری به مرگ ابدی ختم می شود. هیچ حد وسطی وجود ندارد. یا همانطور که خود عیسی فرمود: «هر که با من نیست، بر خلاف من است و هر که با من جمع نکند، پراکنده سازد» (متی باب ۱۲ آیه ۳۰). جمله ای صاف و پوست کنده تر یا واضح تر از این دیگر نیست.

رومیان باب ۸ آیات ۹ تا ۱۴ را بخوانید. به کسانی که خود را کاملاً تسلیم مسیح می کنند، چه چیزی وعده داده شده است؟

زندگی «در جسم» با زندگی «در روح» در تقابل هم قرار گرفته است. زندگی در روح توسط روح خدا، روح القدس نظارت می شود. او در این باب با نام روح مسیح دیده می شود، شاید به این معنا که او نماینده مسیح است و از طریق وی، مسیح در وجود ایماندار ساکن می شود (رومیان باب ۸ آیات ۹ و ۱۰).

پولس در این آیات به تصویری که در رومیان باب ۶ آیات ۱ تا ۱۱ بکار برد، باز می گردد. بطور استعاری، در تعمید، جسم گناهکار - جسمی که در خدمت گناه است - از بین می رود. «انسانیت کهنه با او مصلوب می شود» (رومیان باب ۶ آیه ۶). اما همانطور در غسل تعمید، نه تنها دفن شدن بلکه برخاستن نیز وجود دارد، پس فرد تعمید دیده برخاسته تا در حیاتی نو گام بر دارد. این یعنی مردنِ نفسِ کهنه، انتخابی که ما باید خود هر روز و هر لحظه داشته باشیم. خدا آزادی انسان را از بین نمی برد. حتی پس از اینکه انسانیت کهنه گناه آلود نابود می شود، همچنان امکان ارتکاب گناه وجود دارد. پولس برای کولسیان چنین نوشت، «بنابراین تمایلات دنیوی در خود را نابود سازید» (کولسیان باب ۳ آیه ۵).

از این رو، پس از ایمان آوردن همچنان مبارزه با گناه وجود خواهد داشت. تفاوت این است که فردی که روح القدس در وی ساکن است، اکنون قدرت الهی برای پیروزی دارد. علاوه بر این، از آنجایی که فرد بطور معجزه آسایی از بردگی گناه آزاد شده است، او متعهد می شود که دیگر هرگز در گناه نباشد.

به این اندیشه که روح خدا که عیسی را از مرگ زنده کرد، اکنون اگر ما اجازه دهیم در ما ساکن می شود، بیاندیشید. درباره قدرتی که در اینجا برای ما وجود

## روح فرزند خواندگی

پولس چگونه رابطه جدید در مسیح را توصیف می کند؟ رومیان باب ۸ آیه ۱۵. در این وعده چه امیدی برای ما وجود دارد؟ ما چگونه آن را در زندگیمان به واقعیت تبدیل می کنیم؟

رابطه جدید به عنوان آزادی از ترس توصیف شده است. یک برده در اسارت است. او در حالت هراس مداوم از اربابش زندگی می کند. او هیچ چیزی از سال‌های طولانی خدمتش بدست نمی آورد.

در مورد کسی که عیسی مسیح را می پذیرد، چنین نمی باشد. نخست، او خدمت داوطلبانه انجام می دهد. دوم، او بدون ترس خدمت می کند، «محبت کامل خوف را بیرون می اندازد» (اول یوحنا باب ۴ آیه ۱۸). سوم او که به فرزندی پذیرفته شده است، به یک ارث با ارزش بینهایت دست می یابد.

«در طلب زندگی مطابق با مذهب تشریح بودن به واسطه جد و جهد منظور تحقق بخشیدن به مطالبات شرع به توانایی و قوت خویش، روح اسارت و بندگی است. تنها در صورتی که تحت عهد ابراهیمی قرار بگیریم که عهد فیض از طریق ایمان به عیسی مسیح است، برایمان امید وجود دارد.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر:

Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1077

چه چیزی به ما این اطمینان را می دهد که خدا در حقیقت ما را به عنوان فرزندان پذیرفته است؟ رومیان باب ۸ آیه ۱۶.

شاهد درونی روح، پذیرفته شدن ما را تأیید می کند. در حالی که صرفاً بر پایه احساسات به پیش رفتن اطمینان بخش نیست، کسانی که نور کلام خدا را با تمام فهم خود دنبال کرده اند، ندای تصدیق درونی خواهند شنید که به آنها این اطمینان را می دهد که به عنوان فرزندان خدا پذیرفته شده اند.

در واقع، رومیان باب ۸ آیه ۱۷ به ما می گوید که وارث هستیم؛ یعنی ما بخشی از

خانواده خدا هستیم و به عنوان وارث و فرزندان، میراثی شگفت انگیز از پدرمان دریافت می کنیم. ما آن را کسب نمی کنیم؛ بلکه به حُسن وضعیت جدیدمان در خدا، وضعیتی که از طریق فیض او که به دلیل مرگ عیسی بجایمان، برای ما میسر شد، به ما داده می شود.

شما تا چه میزان به خداوند نزدیک هستید؟ آیا واقعا او را می شناسید یا فقط در مورد او شنیده اید؟ به منظور اینکه رابطه ای نزدیکتر با خالق و نجات دهنده خود داشته باشید، چه تغییراتی باید در زندگی خود ایجاد نمایید؟ چه چیزی مانع شما می شود و چرا؟

## جمعه

۲۵ نوامبر

**تفکری فراتر:** «نقشه نجات یک زندگی فارغ از رنج و مشکلات در این بخش از عالم ملکوت را به ایمانداران ارائه نمی کند. در عوض، آنها را فرا می خواند که از طریق انکار و سرکوب نفس، از مسیح پیروی کنند ... از طریق چنین سختی ها و ریاضت هایی است که شخصیت مسیح در قوم وی ایجاد و آشکار می شود ... ما با شریک شدن در رنج های مسیح، تعلیم دیده و تربیت می شویم و برای به اشتراک گذاشتن شکوه آخرت آماده می شویم.» - برگرفته شده از مرجع زیر: *The SDA Bible Commentary, vol. 6, pp. 568, 569.*

«زنجیری که از عرش خدا به پایین فرستاده شده است، به اندازه کافی بلند می باشد که به پایین ترین اعماق برسد. مسیح قادر است که گناهکارترین افراد را از گودال پستی بالا بکشد و آنها را در جایی که به عنوان فرزندان خدا، وارثان مسیح در میراثی جاویدان شناخته خواهند شد قرار بدهد.» - الن جی. وایت، برگرفته از:

*Testimonies for the Church, vol. 7, p. 229.*

«فخر عالم وجود و کائنات به این جهان آمد تا در طبیعت بشری، در قاموس سالار بشر بایستد، به فرشتگان سقوط کرده و به ساکنین عالم های انحطاط نیافته بواسطه مدد الهی که میسر نمود شهادت دهد که همه میتوانند در مسیر اطاعت از فرمان های خدا گام بردارند ...

«فدیه و جزیه ما توسط نجات دهنده مان پرداخت شده است. هیچ کس لازم نیست بنده شیطان باشد. مسیح در مقابل مان به عنوان یاور قادر مطلق می ایستد.» - الن جی. وایت، برگرفته از مرجع زیر: *Selected Messages, book 1, p. 309.*

## سوالاتی برای بحث

۱. بار دیگر نقل قول الن جی. وایت در روز جمعه را بخوانید. ما چه امیدی از آن می توانیم برای خود کسب نماییم؟ مهم تر از همه اینکه، چگونه می توانیم این وعده

های پیروزی را در زندگی خود به واقعیت تبدیل سازیم؟ چرا با وجود اینکه چیزهای زیادی در مسیح به ما ارائه شده است، از انجام آنچه واقعاً می توانیم، قاصر می مانیم؟

۲. راه های عملی و روزانه که می توانید ذهن خود را بر مسائل مربوط به روح تنظیم نمایید (رومیان باب ۸ آیه ۵) کدامند؟ این به چه معناست؟ روح خواستار چیست؟ شما چه چیزی تماشا می کنید، می خوانید یا به چه چیزی می اندیشید که رسیدن به این راه در زندگیتان دشوار می سازد؟

۳. در مورد این اندیشه که ما در نبرد بزرگ، در یکی از دو سمت و بدون هیچ حد واسطی قرار داریم، بیشتر بیاندیشید. دلالت های این واقعیت خشک و سرد کدامند؟ درک این حقیقت مهم، چگونه باید در شیوه زندگی و انتخاب های ما، حتی در کم اهمیت ترین مسائل، تاثیر بگذارد.

## فرزندان وعده



### بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۹.

**آیه حفظی:** «بنابراین هر که را می‌خواهد رحم می‌کند و هر که را می‌خواهد سنگدل می‌سازد» (رومیان باب ۹ آیه ۱۸).

«چنانکه مکتوب است: یعقوب را دوست داشتم اما عیسو را دشمن... زیرا به موسی می‌گوید: رحم خواهم فرمود... و رأفت خواهم نمود بر هر که رأفت نمایم» (رومیان باب ۹ آیات ۱۳ و ۱۵). پولس در اینجا درباره چه چیزی صحبت می‌کند؟ اراده آزاد انسان و آزادی انتخاب که بدون آنها، تنها کمی از آنچه ما باور داریم معنی پیدا می‌کند، چطور؟ آیا ما در انتخاب یا انکار خدا آزاد نیستیم؟ یا اینکه آیا این آیات چنین تعلیم می‌دهند که بعضی از افراد انتخاب شده‌اند که نجات یابند و سایرین نابود شوند، صرف نظر از انتخاب‌های شخصی ایشان؟ بطور معمول، پاسخ با نگاه کردن به تصویر بزرگتری از آنچه که پولس می‌گوید، یافت می‌شود. پولس یک مسیر استدلال را دنبال می‌کند که موجب آن تلاش میکند تا نشان دهد که حق خدا مافوق انتخاب کسانی است که اراده نموده تا ایشان را به عنوان افراد «برگزیده» خود بکار گیرد. گذشته از هر چیز، خدا کسی است که مسئولیت نهایی بشارت جهان را بدوش می‌کشد. بنابراین، چرا او نمی‌تواند هر کسی را که مایل است به عنوان نماینده خود انتخاب کند؟ پس تا زمانی که خدا کسی را از فرصت نجات حذف نکند، چنین کاری از طرف خدا در تضاد با اصول آزادی اراده نمی‌باشد. حتی مهمتر اینکه با حقیقت بزرگی که مسیح برای همه بشریت مُرد و تمایلش این بود که همه نجات یابند، در تقابل نیست. تا زمانی که بیاد داشته باشیم که باب ۹ رومیان مربوط به نجات شخصی افرادی که از ایشان نام می‌برد نیست بلکه به فراخوانده شدن آنها به انجام کاری خاص اشاره دارد، این فصل مشکلی ارائه نمی‌دهد.

## بار مسئولیت پولس

«ولی شما برای من اُمَّت مقدّس و خادمان من خواهید بود.» (خروج باب ۱۹ آیه ۶).

خدا به افرادی مَبْلُغ نیاز داشت تا به جهان فرو رفته در منجلاّب بت پرستی، تاریکی و الحاد بشارت دهد. او بنی اسرائیل را برگزید و خود را به ایشان آشکار نمود. او برنامه ریزی کرده بود تا آنها به قومی نمونه و الگو برای قومهای دیگر تبدیل شوند و در نتیجه دیگران را به خدای حقیقی جذب کنند. این هدف خدا بود که با آشکار نمودن شخصیت خود از طریق اسرائیل، جهان به سمت او جذب شود. مسیح قرار بود از طریق آموزه های آیین های وابسته به مراسم قربانی، در برابر ملت ها متعال شود و تمام کسانی که از او پیروی کنند، زنده بمانند. در حینیکه که بر جمعیت قوم بنی اسرائیل افزوده می شد، و برکاتشان رشد نمود، آنها باید مرزهای خود را توسعه می دادند که پادشاهی ایشان جهان را در برگیرد.

رومیان باب ۹ آیات ۱ تا ۱۲ را بخوانید. پولس در اینجا درباره وفاداری خدا در خلال عدم موفقیت بشر، به چه نکته ای اشاره می کند؟

پولس یک استدلال ایجاد می کند که بواسطه آن نشان خواهد داد که عهد وعده داده شده به اسرائیل بطور کامل باشکست مواجه نشد. در اینجا باقیماندگان خدا وجود دارند که خداوند از طریق ایشان همچنان کار خود را بسوی هدف به پیش میبرد. پولس برای اثبات اعتبار ایده باقیماندگان خدا، به تاریخ قوم بنی اسرائیل باز می گردد. او نشان می دهد که خدا همیشه انتخابگر بوده است: (۱) خدا تمامی ذریت ابراهیم را برای عهد خود انتخاب نکرد بلکه فقط از نسل اسحاق برگزید. (۲) او همه نسل اسحاق را انتخاب نکرد بلکه فقط کسانی که به یعقوب منتسب بودند را برگزید.

این نیز مهم است ببینیم که میراث یا تبار، رستگاری و نجات را تضمین نمی کند. شما ممکن است از خون درست، خانواده درست و یا حتی کلیسای بر حق باشید اما همچنان در سیر گمگشتگان و به دور از وعده داده شده باشید. این ایمان است، ایمانی که با محبت کار می کند و کسانی که «فرزندان وعده» (رومیان باب ۹ آیه ۸) هستند را آشکار می سازد.

به رومیان باب ۹ آیه ۶ توجه کنید: «زیرا همه که از اسرائیل اند، اسرائیلی نیستند.» ما به عنوان باورمندان کلیسای ادونتیست که به روش های زیادی،

نقش یکسانی در زمان خود با بنی اسرائیل کهن در آن زمان ایفا می کنیم، چه پیام مهمی می توانیم برای خود از این آیه بیابیم؟

## دوشنبه

۴ دسامبر

### انتخاب شده

«بدو گفته شد که بزرگتر، کوچکتر را بندگی خواهد نمود. چنانکه مکتوب است: یعقوب را دوست داشتم اما عیسو را دشمن» (رومیان باب ۹ آیات ۱۲ و ۱۳).

همانگونه که در مقدمه دروس این هفته بیان شد، درک باب ۹ رومیان دشوار خواهد بود مگر آنکه تشخیص بدهیم که پولس در مورد نجات فردی سخن نمی گوید. او در اینجا از نقش های خاصی سخن می گوید که خدا افراد خاصی را برای انجام آنها فرا می خواند. خدا می خواست که یعقوب جدّ افرادی باشد که ماموریت بشارت خاص او در جهان را بر عهده داشتند. در این آیات هیچ دلالتی بر اینکه عیسو نمی توانست نجات یابد، وجود ندارد. خدا می خواست که او نیز مانند سایر انسان ها نجات پیدا کند.

رومیان باب ۹ آیات ۱۴ و ۱۵ را بخوانید. در زمینه آنچه که خوانده ایم، این آیات را چگونه درک می کنیم؟

بار دیگر پولس از نجات فردی سخن نمی گوید، چرا که در آن ناحیه، خداوند ابر رحمت خویش را بر همگان می گستراند، زیرا او «می خواهد جمیع مردم نجات یابند» (اول تیموتائوس باب ۲ آیه ۴). «زیرا که فیض خدا که برای همه مردم نجات بخش است، ظاهر شده» (تیتوس باب ۲ آیه ۱۱). اما خدا می تواند انتخاب کند که ملت ها نقش ایفا کنند، و اگر چه آنها می توانند از ایفای این نقش ها خودداری کنند، می توانند از انتخاب خدا جلوگیری کنند. مهم نیست که عیسو تا چه حد خواستار آن بود، اما نمی توانست به پدر مسیح موعود تبدیل شود و از قوم انتخاب شده باشد.

در خاتمه، این انتخابی دلخواه از جانب خدا یا فرمانی الهی بود که موجب آن عیسو از زمره بشارت دهندگان به رستگاری حذف شود. هدایای فیض او از طریق مسیح برای همه رایگان می باشند. همه ما انتخاب شده ایم که نجات یابیم و نه اینکه از بین برویم (افسیسیان باب ۱ آیات ۴ و ۵؛ دوم پطرس باب ۱ آیه ۱۰). این انتخاب های خود ما و نه خداست که ما را از وعده زندگی ابدی در مسیح باز می دارد. عیسی برای همه انسان ها

مرد. با این وجود، خدا در کلامش شرایطی را تعیین کرده است که بر اساس آنها افراد برای زندگی ابدی انتخاب خواهند شد - ایمان به مسیح که گناهکار عادل شمرده شده را به عدالت هدایت می کند.

فرض کنید که هیچ کس اصلاً وجود نداشته است، خود شما، پیش از بنیان گزاری جهان، برای رستگار شدن انتخاب شده اید. این شماست که فراخوانده شده اید، این شماست که برگزیده شده اید، همه چیز بواسطه عیسی از جانب خدا به شما عطا شده است. چه افتخار و چه امیدی! با در نظر گرفتن همه چیز، چرا همه چیز در مقایسه با این وعده بزرگ رنگ می بازد؟ چرا اجازه دادن به گناه نفس و جسم در دور نمودن شما از همه آنچه که در عیسی به شما وعده داده شده است، بزرگترین مصیبت ها می باشد؟

۵ دسامبر

سه شنبه

## اسرار

«زیرا خداوند می گوید که افکار من افکار شما نیست و طریق های شما طریق های من نی. زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق های من از طریق های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می باشد» (اشعیا باب ۵۵ آیات ۸ و ۹).

رومیان باب ۹ آیات ۱۷ تا ۲۴ را بخوانید. با در نظر گرفتن آنچه تاکنون خوانده ایم، چگونه باید منظور پولس در اینجا را درک کنیم؟

خدا با نوع برخوردی که با زمامداران مصر در زمان خروج داشت، در حال تلاش برای رستگار شدن نژاد بشری بود. مکاشفه خدا از خود، در بلایایی که بر مصر فرود آمد و برای رهایی قوم خویش طوری طرح شده بود تا به مصریان هویدا شود و همچنین برای قوم های دیگر نشان داده شود که خدای اسرائیل در واقع خدای حقیقی است. برنامه این بود که دعوتی برای مردم اقوام باشد تا خدایان جعلی یعنی بتها را رها کرده و برای عبادت خدای حقیقی روی آورند.

بطور واضح فرعون پیش از آن، چنین انتخاب کرده بود تا بر علیه خدا باشد، بطوری که حتی با وجود سنگدلی، خدا فرصت نجات را از وی نگرفت. سر سختی بر خلاف درخواستی در نظر گرفته شده بود تا نگذارد که قوم بنی اسرائیل اجازه خروج یابد و بر خلاف در

خواست خدا از فرعون نبود تا نجات و رستگاری شخصی را بپذیرد. مسیح به همان میزان که برای موسی، هارون و سایر فرزندان قوم اسرائیل مُرد، برای فرعون نیز مُرد. نکته بسیار مهم در همه این‌ها، این است که ما به عنوان انسان‌های گمراه چنين دیدگاه کوتاه نظرانه ای از جهان، واقعیت و خدا و نحوه کارش در جهان داریم. چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم تمام روشهای خدا را درک کنیم در حالی که جهان طبیعت و هر جایی که سر خود را می‌چرخانیم، اسراری نهفته است که برای ما غیر قابل درک می‌باشد؟ گذشته از هر چیز، پزشکان تنها در ۱۷۱ سال گذشته دریافتند که شستن دستان پیش از انجام عمل جراحی می‌تواند ایده خوبی باشد! ما این چنین غرق در جهل بوده ایم. و چه کسی می‌داند که اگر زمان باقی بماند، چه چیزهای دیگری در آینده کشف خواهیم نمود که میزان جهالت امروزه ما را آشکار خواهد نمود؟

بدیهی است که ما همیشه راه‌های خدا را درک نمی‌کنیم، اما عیسی آمد تا ماهیت خدا را برای ما آشکار سازد (یوحنا باب ۱۴ آیه ۹). پس چرا در میان تمام اسرار و وقایع غیر منتظره زندگی، تأمل در شخصیت مسیح و آنچه درباره خدا و محبتش برای ما، آشکار نموده است، بسیار مهم می‌باشد؟ دانستن شخصیت خدا چگونه می‌تواند به ما در وفادار ماندن در میان مشکلاتی که ناعادلانه و غیر قابل توجیه به نظر می‌رسند، کمک کند؟

۶ دسامبر

چهارشنبه

## عَمِّي لِإِبْرَئِيْمَ : «قوم من»

[واژه عَمِّي را در زبان عربی را در نظر بگیرید که به همین معنی قوم یا امت من می‌باشد. ویراستار]

پولس در رومیان باب ۹ آیه ۲۵ از هوشع باب ۲ آیه ۲۳، و در رومیان باب ۹ آیه ۲۶ از هوشع باب ۱ آیه ۱۰ نقل قول می‌کند. پیش زمینه داستان این است که خدا به هوشع دستور داد که «زنی فاحشه» (هوشع باب ۱ آیه ۲) به عنوان تصویری از رابطه خدا با اسرائیل را در نظر بگیرد، زیرا این قوم بدنبال خدایانی بیگانه رفته بودند. به فرزندان متولد شده از این ازدواج نام‌هایی داده شد مبنی بر اینکه خدا را طرد کرده اند و بخاطر بت پرستی بنی اسرائیل مجازات شده اند. فرزند سوم لوعَمِّي نام گرفت (هوشع باب ۱ آیه ۹) یعنی «از قوم من نیستید».

با این وجود، هوشع در میان همه اینها، پیش بینی نمود که روزی خواهد آمد که خدا پس از مجازات قوم خود، خوشبختی را برای آنها احیا نماید، خدایان دروغین آنان را از بین خواهد برد و با آن‌ها عهدی خواهد بست. (هوشع باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۹ را ببینید). در این زمان کسانی که لوعَمِّي، «قوم من نیستید» به عَمِّي، «قوم من» تبدیل خواهند شد.

در زمان پولس، عمّی‌ها «حتی‌ما... نه فقط از قوم یهود، بلکه از غیریهودیان» (رومیان باب ۹ آیه ۲۴) بودند. چه جلوه روشن و قدرتمندی از انجیل، انجیلی که از ابتدا برای تمام جهان مقدر شده بود. جای تعجب نیست که ما ادونتیست‌ها در فراخوانده شدن خویش که در مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۶ بدان اشاره شده شرکت می‌کنیم: «و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد». امروزه نیز مانند زمان پولس و همچنین زمان اسرائیل کهن، مژده خوب نجات باید در سرتاسر جهان گسترش یابد.

رومیان باب ۹ آیات ۲۵ تا ۲۹ را بخوانید. به این نکته توجه کنید که پولس برای رساندن منظورش در مورد چیزهایی که در آن زمان اتفاق می‌افتاد از عهد قدیم نقل قول می‌کند. پیام اصلی این آیات چیست؟ به خوانندگان او چه امیدی ارائه شده است؟

این واقعیت که برخی از خویشاوندان پولس درخواست انجیل را رد کرده اند، «غمی سنگین و دل‌تنگی بی پایان» (رومیان باب ۹ آیه ۲) به او دست داد. اما دست کم یک بازمانده وجود داشت. وعده‌های خدا حتی زمانی که بشر شکست می‌خورد، ناموفق نخواهند بود. امیدی که ما می‌توانیم داشته باشیم این است که در انتها، وعده‌های خدا تحقق خواهند یافت و در صورتی که ما آن وعده‌ها را برای خود مطالبه کنیم، در ما نیز تحقق خواهند یافت.

دیگران چه زمان‌هایی در گذشته شما را مایوس کرده‌اند؟ هر چند وقت یکبار شما باعث نومیدی خود و دیگران شدید؟ احتمالاً بیشتر از آنچه که بتوانید بشمارید، آیا چنین نمی‌باشد؟ از این شکست‌ها درباره اینکه اطمینان نهایی شما به چه کسی باید باشد، چه درس‌هایی می‌توانید بیاموزید؟

۷ دسامبر

پنجشنبه

## لغزش

«پس چه بگوییم؟ باید بگوییم که ملت‌های غیر یهود که برای به دست آوردن نیکی مطلق کوشش نکردند از راه ایمان آن را به دست آوردند، حال آنکه قوم اسرائیل که پیوسته جویای شریعتی بودند تا به وسیله آن نیک محسوب شوند آن را نیافتند. چرا؟ به علت اینکه کوشش‌های ایشان از روی ایمان نبود بلکه در اثر اعمال خودشان بود. به این ترتیب آنها از همان سنگی لغزش خوردند» (رومیان باب ۹ آیات ۳۰ تا ۳۲). پیام در اینجا چیست و مهم‌تر

اینکه چگونه می‌توانیم این پیامی را که در مکان و زمانی خاص نوشته شده بود، بعنوان اصول اعتقادی زمان حال بکار بریم؟ چگونه می‌توانیم از ارتکاب اشتباهاتی که اسرائیل در آن زمان انجام داد، در زمان کنونی جلوگیری کنیم؟

پولس با کلماتی که امکان سوء تعبیر آنها وجود ندارد و شفاف است، به خویشاوندان خود توضیح می‌دهد که چرا از برخی چیزهایی که خدا برای ایشان آرزو دارد برخوردار نیستند - و بیشتر از آن اینکه چیزی که آنها به دنبالش بودند اما بدست نمی‌آوردند. جالب توجه این که غیر یهودیانی که خدا ایشان را پذیرفته بود، برای چنین پذیرشی تلاش نکرده بودند. آنها علایق و آرزوهای خود را زمانی که مژده انجیل به ایشان رسید، دنبال می‌کردند. آنها با درک ارزش آن، این مژده را پذیرفتند. خدا آنها را عادل اعلام نمود زیرا ایشان عیسی مسیح را به عنوان جایگزین خود پذیرفتند. این یک معامله ایمان بود. مشکل بنی اسرائیل این بود که آنها بر سنگی لغزش خوردند (رومیان باب ۹ آیه ۳۳ را ببینید). برخی و نه همه (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۱ را ببینید). آنان از پذیرفتن عیسی ناصری به عنوان مسیح موعودی که خدا فرستاده بود، سرباز زدند. او انتظارات ایشان از مسیح موعود را برآورده نمی‌کرد؛ از این رو، هنگامی که او آمد ایشان از وی روی برگرداندند. پولس پیش از پایان این فصل، آیه دیگری از عهد قدیم نقل قول می‌کند: «که کلام خدا به آن اشاره می‌کند: «ببین در صهیون سنگی قرار می‌دهم که موجب لغزش مردم خواهد شد، صخره‌ای که از روی آن خواهند افتاد ولی هر کس به او ایمان آورد خجل نخواهد شد» (رومیان باب ۹ آیه ۳۳). پولس در این آیه بار دیگر نشان می‌دهد که ایمان واقعی تا چه میزان در نقشه نجات مهم می‌باشد (اول پطرس باب ۲ آیات ۶ تا ۸ را نیز ببینید). سنگی برای لغزش؟ و با این وجود هر کس به او ایمان داشته باشد شرمنده نخواهد شد؟ آری، عیسی برای بسیاری صخره لغزش است اما برای کسانی که او را می‌شناسند و دوست دارند، او صخره دیگری می‌باشد، «صخره نجات من» (مزامیر باب ۸۹ آیه ۲۶).

آیا شما تا کنون عیسی را مانع یا سنگ لغزش یافته‌اید؟ اگر پاسختان مثبت است چرا؟ یعنی، چه کاری انجام می‌دادید که شما را به این وضعیت کشاند؟ چگونه از آن خارج شدید و چه چیزی آموختید که امیدوار باشید هرگز خود را در چنین رابطه متضادی با عیسی نبینید؟

Read Ellen G. White, "Later English Reformers" pp. 261, 262, in *The Great Controversy*; "Faith and Works," pp. 530, 531, in *The SDA Encyclopedia*; Ellen G. White Comments, pp. 1099, 1100, in *The SDA Bible Commentary*, vol. 1.

«یک انتخاب فردی و مردمی وجود دارد، تنها انتخاب موجود در کلام خدا، که انسان برای نجات یافتن انتخاب می شود. بسیاری به پایان نگاه کرده اند و با خود اندیشیده اند که مطمئناً برای داشتن سعادت آسمانی انتخاب شده اند؛ اما این انتخابی نیست که کتاب مقدس آشکار می سازد. فرد انتخاب می شود که برای نجات خود با ترس و لرز تلاش کند. او انتخاب می شود تا زرهی بپوشد، و برای ایمان بجنگد. او انتخاب می شود تا از وسیله هایی که خدا در دسترس وی گذاشته است، برای جنگیدن علیه هر شهوت نا مقدسی مبارزه کند، در حالی که شیطان در زندگی او بازی میکند تا جان او را بگیرد. او انتخاب شده است که به دعا روی آورد، در کتاب مقدس جستجو نماید و از تن دادن به وسوسه پرهیز نماید. او انتخاب شده است تا بطور مداوم ایمان داشته باشد. او انتخاب شده است که مطیع همه سخنانی باشد که پیش از این، از جانب خدا آمده است تا او نه تنها یک شنونده بلکه یک عمل کننده به کلام باشد. این انتخاب کتاب مقدس است.»

- الن جی. وایت، برگرفته از مرجع زیر:

*Testimonies to Ministers and Gospel Workers*, pp. 453, 454.

«هیچ ذهن محدودی نمی تواند بطور کامل شخصیت یا کارهای خدای لایتناهی را درک کند. ما نمی توانیم با جستجو کردن خدا را پیدا کنیم. این موجود مقدس باید برای قویترین و پرورش یافته ترین و آموخته ترین ذهن ها و همچنین ضعیفترین و نادان ترین آنها بصورت یک راز باقی بماند. اگر چه «ابرها و تاریکی او را احاطه کرده اند، سلطنت او بر عدالت و انصاف استوار است» مزامیر باب ۹۷ آیه ۲. تا کنون می توانیم رفتار او را با خود اینطور بفهمیم همانگونه که تشخیص میدهیم رحمت بیکران را که به قدرت لایتناهی پیوسته است. فهم و درک ما از اهداف او به اندازه شعور و معرفت ما از اوست؛ فرا تر از این را همچنان باید اعتماد به دستی داشته باشیم که قادر مطلق است و قلبی که سرشار از محبت است.» - الن جی. وایت، از مرجع فوق: *Education*, p. 169

## سوالاتی برای بحث

۱. بعضی از مسیحیان چنین تعلیم می دهند که حتی پیش از دنیا آمدن ما، خدا برخی را انتخاب نمود که نجات یابند یا برخی دیگر از بین بروند. اگر شما اتفاقاً جز آن دسته بودید که خدا در محبت و حکمت بی نهایتش مقدر ساخته بود از بین بروید، دیگر صرف نظر از انتخاب هایتان محکوم به تباهی بودید - که بسیاری از مردم بر این باورند که به معنی سوختن در آتش جهنم تا ابدیت می باشد. به عبارت دیگر، برخی بدون بستگی به انتخاب هایشان و تنها از طریق مشیت خدا، مقدر شدند در این جهان بدون رابطه نجات دهنده با عیسی زندگی کنند، تا اینکه

در زندگی بعدی خود در آتش جهنم بسوزند. چه اشتباهی در مورد این تصویر وجود دارد؟ این دیدگاه چگونه با درک ما از چنین مسائلی مشابهی در تضاد می باشد؟

۲. شما چگونه نقش کلیسای ادونتیست روز هفتم و فراخوانده شدن وی را در جهان امروزه، با نقش اسرائیل کهن در آن زمان مشابه می دانید؟ شباهت ها و تفاوت های این دو کدامند؟ به چه روش هایی ما بهتر عمل می کنیم؟ یا بدتر عمل می کنیم؟ پاسخ های خود را توضیح دهید.

## منتخب



### بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب‌های ۱۰ و ۱۱.

**آیه حفظی:** «پس می‌گویم آیا خدا قوم خود را رد کرد؟ حاشا! زیرا که من نیز اسرائیلی از اولاد ابراهیم از سبط بنیامین هستم» (رومیان باب ۱۱ آیه ۱).

درس این هفته باب‌های ۱۰ و ۱۱ رومیان را پوشش می‌دهد که تمرکز آن بویژه بر روی باب ۱۱ می‌باشد. به منظور ادامه درک نحوه تفکر پولس، خواندن کامل هر دو باب مهم است. این دو باب کانون بسیاری از بحث‌ها بوده‌اند. اگر چه یک نکته از طریق آنها روشن می‌شود و آن محبت خدا برای بشریت و تمایل زیاد وی برای رستگاری آنها می‌باشد؛ و آن محبت خدا برای بشریت است و اشتیاق عظیم اوست تا شاهد رستگاری همه انبای بشر باشد. هیچ کس برای نجات طرد نخواهد شد. باب ۱۰ رومیان بوضوح روشن می‌کند که «در یهود و یونانی تفاوتی نیست» (رومیان باب ۱۰ آیه ۱۲) - همه گناهکارند و همه به فیض خدا که از طریق عیسی مسیح به جهان داده شده است، نیازمند هستند. این فیض به همه می‌رسد - نه بر اساس ملیت، تولد و نه با اعمال شریعت بلکه از طریق ایمان به عیسی که به عنوان جایگزینی برای گناهکاران همه جهان مُرد. نقش‌ها ممکن است تغییر کنند اما اصل نقشه نجات هرگز تغییر نمی‌کند.

پولس این موضوع را در باب ۱۱ ادامه می‌دهد. همانطور که قبلاً بیان شد، مهم است در اینجا درک کنیم که هنگامی که پولس در مورد برگزیده شدن و فراخوانده شدن سخن می‌گوید، مسئله مربوط به نجات نمی‌شود؛ مسئله نقش برنامه خدا برای جذب تمام جهان می‌باشد. هیچ گروهی برای نجات یافتن طرد نشده است. مسئله هرگز این نبود. در عوض، پس از صلیب و پس از معرفی انجیل به غیر یهودیان، بویژه توسط پولس، جنبش اولیه ایمانداران - یهودی و غیر یهودی - ردای بشارت را بر دوش تمام جهانیان انداخت.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۶ دسامبر آماده شوید.

## مسیح و شریعت

رومیان باب ۱۰ آیات ۱ تا ۴ را بخوانید. با در نظر داشتن آنچه قبلا بیان شد، پیام در اینجا چیست؟ ما امروزه چگونه ممکن است در خطر «عادل شمردن خود» باشیم؟

احکام گرایی می تواند به اشکال مختلفی دیده شود که برخی نامحسوس تر و محیل تر از دیگران باشد. کسانی که بر خود نگریستند، بر اعمال خوبشان، رژیم غذایی خوب خود، چگونگی سفت و سخت نگاه داشتن سبت و همه کارهای بدی که انجام نداده اند و یا چیزهای خوبی که بدست آورده اند - حتی با بهترین نیت ها - تکیه می کنند، در حال فرو رفتن در دام احکام گرایی می باشند. ما در هر لحظه از زندگیمان باید قدوسیت خدا را در تقابل با گناهکاری خود، در پیش رویمان نگه داریم؛ این مطمئن ترین روش برای محافظت از خود در برابر نوع تفکری که مردم را به متکی بودن بر شایستگی و «عدالت خود» که در تقابل با عدالت مسیح است منتهی می سازد، می باشد.

رومیان باب ۱۰ آیه ۴ ای مهم است که ماهیت اساسی کل پیام پولس به رومیان را ارائه می دهد. نخست، ما باید زمینه را بشناسیم. بسیاری از یهودیان «میخواستند عدالت خود را ثابت کنند» (رومیان باب ۱۰ آیه ۳) و بدنبال «عدالت شریعت» (رومیان باب ۱۰ آیه ۵) بودند. اما با آمدن مسیح موعود، روش صحیح عدالت ارائه شد. عدالت به همه کسانی که مایل به ترمیم ایمانشان در مسیح بودند، ارائه شد. او کسی بود که آیین های تشریفاتی کهن یهود به وی اشاره می نمود.

حتی اگر کسی در اینجا ده فرمان را در تعریف شریعت بگنجانند، بدین معنا نیست که ده فرمان منسوخ شده بودند. احکام اخلاقی منعکس کننده گناهان، خطاها، کاستی های ماست و در نتیجه ما را به نیازمان به یک ناجی، آمرزش و عدالت رهنمون می سازند - که همه اینها تنها در عیسی یافت می شوند. در این مفهوم، مسیح «ختم» شریعت است که بدینوسیله آن شریعت ما را به او و عدالتش هدایت می کند. واژه یونانی معادل «ختم» در اینجا teloes می باشد که همچنین می تواند بصورت «هدف» یا «مقصود» ترجمه شود. مسیح هدف نهایی شریعت است که آن شریعت ما را به عیسی هدایت می کند.

در نظر گرفتن اینکه این آیه چنین تعلیم می دهد که ده فرمان یا بطور خاص فرمان چهارم (آنچه واقعا منظور این افراد است) اکنون منسوخ شده اند، درواقع متضاد آنچیزی است که پولس و عهد جدید تعلیم میدهد.

آیا تاکنون برای خوبی های خود بویژه در مقایسه با دیگران، به خودتان افتخار

کرده اید؟ شاید شما بهتر باشید اما که چه؟ خود را با مسیح مقایسه کنید و سپس به اینکه واقعا چقدر خوب هستید، بیاندیشید.

۱۱ دسامبر

دوشنبه

## انتخاب فیض

رومیان باب ۱۱ آیات ۱ تا ۷ را بخوانید. این آیات بطور شفاف و دائمی، کدام تعالیم عوامانه و پیش و پا افتاده ای را انکار می کنند؟

در بخش نخست پاسخ به سوال «آیا خدا قوم خویش را از خود رانده است؟»، پولس به یک گروه از باقیماندگان که برگزیده ای از فیض هستند اشاره میکند، مبنی بر اینکه که خدا قوم خویش را از خود نرانده است. نجات برای همه کسانی که آن را بپذیرند، برای یهودی و غیر یهودی بطور یکسان در دسترس می باشد.

باید بیاد داشت که ایمان آوردگان اولیه به مسیح همه یهودی تبار بودند - برای مثال، گروهی که در روز پنطیکاست ایمان آوردند. متقاعد ساختن پطرس به اینکه غیر یهودیان دسترسی برابری به فیض مسیح داشتند (اعمال رسولان باب ۱۰؛ مقایسه کنید با اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۷ تا ۹) و اینکه انجیل باید در دسترس آنان نیز قرار میگرفت، نیاز به بصیرت و معجزه ویژه ای داشت.

رومیان باب ۱۱ آیات ۷ تا ۱۰ را بخوانید. آیا پولس می گوید که خدا تعمداً چشمان آن بخش از جماعت بنی اسرائیل که عیسی را انکار نمودند، بروی رستگاری کور نمود؟ چه اشکالی در مورد این طرز فکر وجود دارد؟

پولس در رومیان باب ۱۱ آیات ۸ تا ۱۰، از عهد قدیم که یهودیان به عنوان مرجعی معتبر پذیرفتند، نقل قول می کند. آیاتی که پولس نقل می کند، انگار که خدا را به دادن روحی از خواب آلودگی که مانع دیدن و شنیدن ایشان می شد، نشان می دهند. آیا خدا چشمان مردم را نابینا می کند تا مانع ایشان از دیدن نوری بشود که آنها را به نجات هدایت می کند؟ هرگز! این آیات باید با توجه به توضیحاتمان در باب ۹ رومیان، درک بشوند. پولس در مورد نجات فردی سخن نمی گوید، زیرا خدا هیچ گروهی را برای نجات رد نمی کند. مسئله در اینجا و همواره با نقشی که این مردم در کار خدا ایفا می کنند، سر و کار دارد.

چه اشکال بزرگی در مورد این عقیده که خدا گروهی از مردم را برای نجات رد کرده است، وجود دارد؟ چرا این مطلب بر خلاف آموزه کلی انجیل است که هسته اصلی آن نشان می دهد که مرگ مسیح برای انسانهاست؟ برای مثال در مورد یهودیان، این عقیده به نتایج مصیبت بار منتهی شد؟

۱۲ دسامبر

سه شنبه

## شاخه طبیعی

رومیان باب ۱۱ آیات ۱۱ تا ۱۵ را بخوانید. پولس در این آیات چه امید بزرگی ارائه می دهد؟

ما در این آیات دو عبارت برابر می یابیم: (۱) «پری ایشان [بنی اسرائیل]» (رومیان باب ۱۱ آیه ۱۲) و (۲) «باز یافتن ایشان [بنی اسرائیل]» (رومیان باب ۱۱ آیه ۱۵). پولس این کاهش و نادیده گرفتن را تنها موقتی، و بدنبال آن پذیرش و کامل بودن را پیشبینی کرد. این پاسخ دوم پولس به پرسش مطرح شده در ابتدای این باب می باشد، «آیا خدا قوم خود را طرد کرده است؟» آنچه به نظر طرد کردن می آید، از نظر او یک وضعیت موقتی است.

رومیان باب ۱۱ آیات ۱۶ تا ۲۴ را بخوانید. پولس در اینجا چه چیزی به ما می گوید؟

پولس بازماندگان وفادار اسرائیل را به یک درخت زیتون اصیل تشبیه می کند که برخی از شاخه هایش شکسته شده اند (آنهايي که ایمان ندارند) - تصویری که او برای اثبات اینکه «خدا قوم خود را رد نکرده است» (رومیان باب ۱۱ آیه ۲) بکار می برد. ریشه و تنه همچنان پا برجا هستند.

ایمانداران غیر یهودی تبار به این درخت پیوند زده شده اند. اما آنها شیره و انرژی خود را از ریشه و تنه که نشان دهنده اسرائیل ایماندار است، می گیرند.

آنچه برای کسانی که عیسی را انکار نمودند اتفاق افتاد، می توانست برای ایمانداران غیر یهودی تبار نیز اتفاق بیافتد. کتاب مقدس این نگرش را که «هر کس که نجات یابد، همواره نجات یافته است»، تعلیم می دهد. درست همانطور که نجات بطور رایگان ارائه می شود، بدون هیچ قید و بندی می تواند رد بشود. اگر چه ما باید مراقب این اندیشه باشیم که هر بار که کار اشتباهی می کنیم از نجات دور می شویم، یا تنها در صورت کامل بودن نجات پیدا می کنیم، باید از افتادن در گودال مخالف نیز اجتناب نماییم -

این ایده که زمانی که فیض خدا ما را فرا گیرد، کاری نیست که انجام دهیم یا تصمیمی نیست که با گرفتن نجات را از ما دور کند. در پایان، تنها کسانی که «در مهربانی او می‌مانند» (رومیان باب ۱۱ آیه ۲۲) نجات خواهند یافت.

هیچ ایمان‌داری نباید به نیکویی‌های خود ببالد یا بر دیگر انسانها احساس برتری داشته باشد. نجات ما بدست آورده نشده است؛ بلکه یک هدیه می‌باشد. در برابر صلیب، در برابر معیار قدوسیت خدا، همه ما برابر هستیم: گناهکارانی نیازمند به فیض الهی، گناهکارانی نیازمند به قدوسیتی که تنها از طریق فیض به ما می‌رسد. ما چیزی به نوبه خود برای بالیدن نداریم؛ تفاخر ما باید تنها در عیسی و کاری که با آمدنش به این جهان در جسم بشری، بدوش کشیدن رنج‌های ما، مردن برای گناهان ما، ارائه دادن یک الگو برای شیوه زندگی ما و وعده دادن قدرت آن زندگی، باشد. ما در همه اینها کاملاً وابسته به او هستیم، زیرا بدون او هیچ امیدی فراتر از آنچه این جهان ارائه می‌دهد، نخواهیم داشت.

## چهارشنبه

۱۳ دسامبر

# کل بنی اسرائیل میتواند نجات یابد

رومیان باب ۱۱ آیات ۲۵ تا ۲۷ را بخوانید. پولس در اینجا چه رویدادهای مهمی را پیش بینی می‌کند؟

مسیحیان کنونی برای قرن‌ها، رومیان باب ۱۱ آیات ۲۵ تا ۲۷ را مورد بحث و مناظره قرار داده‌اند. با این وجود، چند نکته واضح می‌باشد. برای شروع، مفهوم کلی در اینجا برقراری ارتباط خدا با یهودیان می‌باشد. آنچه پولس می‌گوید، پاسخی به پرسش مطرح شده در ابتدای باب است، «آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟» مطمئناً پاسخ او خیر می‌باشد و توضیح او این است که (۱) نابینایی (در یونانی porosis، سختی) تنها «مقطعی» می‌باشد و (۲) این وضعیت تنها موقتی است، «تا زمانیکه کمال و پری غیر یهودیان حاصل شود.» «کمال و پری غیر یهودیان» به چه معناست؟ بسیاری این عبارت را به عنوان بیانی از تحقق ماموریت انجیل می‌بینند که بموجب آن تمام جهان پیام انجیل را می‌شنود. «پری امت‌ها» زمانی که انجیل در همه جا موعظه شود، آمده است. ایمان اسرائیل آشکار شده در مسیح جهانی است. انجیل به تمام جهان موعظه شده است. آمدن عیسی نزدیک است. پس در این زمان بسیاری از یهودیان روی به مسیح می‌آورند.

نکته دشوار دیگر، مفهوم «همگی اسرائیل نجات خواهند یافت» (رومیان باب ۱۱ آیه ۲۶) می‌باشد. این نباید به این صورت تفسیر شود که همه یهودیان بواسطه یک حکم الهی در پایان نجات خواهند یافت. کتاب مقدس در هیچ کجا جهانشمولی و همچنین

برای کل نژاد بشر یا بخشی خاص را موعظه نمی کند. پولس امیدوار بود «بعضی از ایشان» (رومیان باب ۱۱ آیه ۱۴) نجات یابند. برخی مسیح موعود را پذیرفتند و برخی دیگر او را انکار نمودند، درست همانطور که همه گروه های مردم چین می کنند.

الن جی. وایت در تفسیر خود از باب ۱۱ رومیان، از زمان «پایان انتشار انجیل سخن می گوید» هنگامی که «بسیاری از یهودیان ... با ایمان مسیح را به عنوان نجات دهنده خود خواهند پذیرفت.» - برگرفته شده از: *The Acts of the Apostles*, p. 381.

«باید کار بزرگی در جهان ما انجام شود. خداوند اعلام نموده است که غیر یهودیان باید جمع شوند و نه تنها آنها بلکه یهودیان نیز. بسیاری در میان یهودیان وجود دارند که ایمان خواهند آورد و خواهیم دید از طریق ایشان نقشه نجات خدا به عنوان چراغی روشن به پیش خواهد رفت. یهودیان در همه جا هستند و نور حقیقت کنونی باید به ایشان برسد. در میان آنها بسیاری وجود دارند که بسوی نور خواهند آمد و تغییر ناپذیری شریعت خدا را با قدرتی شگفت انگیز اظهار خواهند داشت.» بر گرفته از مرجع فوق:  
- *Evangelism*, p. 578.

مدتی درباره ریشه های یهودی ایمان مسیحی بیاندیشید. یک مطالعه گزینشی از دین یهودیت چگونه می تواند به درک بهتر شما از ایمان مسیحی کمک کند؟

۱۴ دسامبر

پنجشنبه

## نجات و رستگاری گناهکاران

محبت پولس برای قوم خود بوضوح در رومیان باب ۱۱ آیات ۲۵ تا ۲۷ آشکار می باشد. احتمالاً اینکه برخی از هموطنانش بر علیه او و بر علیه حقیقت انجیل مبارزه می کردند، بسیار دشوار بوده است. و با این وجود در میان همه اینها، او بر این باور بود که بسیاری عیسی را به عنوان مسیح موعود خواهند دید.

رومیان باب ۱۱ آیات ۲۸ تا ۳۶ را بخوانید. پولس چگونه محبت خدا را نه تنها نسبت به یهودیان بلکه نسبت به تمام بشریت نشان می دهد؟ او چگونه در اینجا قدرت شگفت انگیز و اسرار آمیز فیض خدا را ابراز می کند؟

در آیات ۲۸ تا ۳۶ باب ۱۱ رومیان، اگر چه تضادی بین یهودیان و غیر یهودیان بوجود آمده است، یک نکته واضح باقی می ماند: رحمت و محبت و فیض خدا به گناهکاران نیز ارزانی

میشود. حتی قبل از بوجود آمدن جهان، نقشه خدا نجات بشریت و بکار گیری انسانهای دیگر، حتی ملت ها به عنوان ابزاری در دستانش برای تحقق اراده الهی خود بوده است.

با دقت و دعا رومیان باب ۱۱ آیه ۳۱ را بخوانید. ما در مورد شهادت دادنهان نه تنها به یهودیان بلکه به همه مردمی که با آنها در ارتباط هستیم، چه نکاتی را از این آیه باید بدست آوریم؟

بدون شک در طی قرن ها، اگر کلیسای مسیحی با یهودیان برخورد بهتری می داشت، عده بیشتری ممکن بود به مسیح موعود روی بیاورند. گمراهی بزرگ قرن های نخستین پس از مسیح، و گرایش شدید مسیحیان به بت پرستی - از جمله انکار روز هفتم و جایگزینی آن با روز یکشنبه - مطمئناً جذب شدن یهودیان به عیسی را آسان نساخت. پس، بسیار مهم است که همه مسیحیان رحمتی را که در عیسی به ایشان عطا شده است، درک نمایند و آن را به دیگران نشان دهند. در غیر اینصورت ما مسیحی نخواهیم بود (متی باب ۱۸ آیات ۲۳ تا ۳۵ را ببینید).

آیا کسی وجود دارد که شما باید به او محبت کنید، کسی که شاید استحقاق آن را نداشته باشد؟ چرا با وجود دشوار بودن، آن رحمت را به این فرد نشان ندهید؟ آیا این چیزی نیست که عیسی برای ما انجام داده است؟

۱۵ دسامبر

جمعه

**تفکری فراتر:** میتوانید مطالب زیر را مطالعه کنید:

Read Ellen G. White, "Before the Sanhedrin", pp. 77-79; "From Persecutor to Disciple", pp. 112-114; "Written From Rome", pp. 474, 475, in *The Acts of the Apostles*; "Reaching Catholics", pp. 573-577, in *Evangelism*; "What to Preach and Not to Preach", pp. 155, 156, in *Selected Messages*, book 1.

«با وجود افول اسرائیل به عنوان یک قوم، در میان ایشان بازماندگان خوبی بودند که باید نجات پیدا می کردند. در زمان ظهور نجات دهنده، مردان و زنان وفاداری وجود داشتند که با خوشحالی مزده یحیی تعمید دهنده را دریافت نمودند و به مطالعه دوباره نبوت های مربوط به مسیح موعود روی آوردند. هنگامی که کلیسای مسیحی اولیه بنا شد، متشکل از یهودیان وفاداری بود که عیسی ناصری را به عنوان کسی که منتظر ظهورش بودند، تصدیق نمودند.» - الن جی، وایت، برگرفته شده از مرجع زیر:

*The Acts of the Apostles*, pp. 376, 377.

«در میان یهودیان برخی وجود دارند که مانند شائول طرسوسی در کتاب مقدس توانا

هستند و اینها قدرت شگفت انگیز تغییر ناپذیر شریعت خدا را اعلام خواهند نمود. آنها به عنوان خدمتگزارانی که در ایمان برای کسانی که مدتی طولانی نادیده مورد نفرت قرار گرفته اند، نجات خدا برایشان آشکار خواهد شد.» - صفحه ۳۸۱.

«در پایان کار انتشار انجیل، هنگامی که کار خاص برای طبقات مردمی است که تاکنون نادیده گرفته شده اند، خدا انتظار دارد که رسولانش علاقه ویژه ای به یهودیانی نشان دهند که در سرتاسر زمین وجود دارند. همانطور که عهد قدیم با عهد جدید در توضیحی از هدف ابدی یهوه آمیخته شده اند، این به عنوان آغاز یک خلقت جدید، رستاخیز روح با بسیاری از یهودیان درخواهد آمیخت. از آنجایی که تقدیر از مسیح از انجیل در صفحات کتب عهد عتیق به تصویر کشیده شده است، و چگونگی توضیحات واضح عهد جدید از عهد قدیم را درک می‌کنند، قوه ذهنی به خواب رفته ایشان تحریک خواهد شد و آنها مسیح را به عنوان نجات دهنده جهان به رسمیت خواهند شناخت. بسیاری با ایمان، مسیح را به عنوان نجات دهنده خود خواهند پذیرفت.» - صفحه ۳۸۱.

## سوالاتی برای بحث

۱. از آنجایی که شریعت خدا و بویژه روز سبت در روزهای گذشته تحت تمرکز خاصی بودند، آیا منطقی نیست که بیاندیشیم که یهودیان - که برخی از آنها به اندازه ادونتیسست ها نسبت به ده فرمان جدی می باشند - در کمک به شفاف سازی برخی از مسائل برای جهانیان نقشی خواهند داشت؟ گذشته از هر چیز وقتی بحث به نگاه داشتن سبت می رسد، ادونتیسست ها در مقایسه با یهودیان، نوباوگان ایمان و تازه واردان به گود مسیحیت محسوب میشوند.

۲. از میان همه کلیساها، چرا کلیسای ادونتیسست در بشارت به یهودیان از همه موفق تر است؟ شما و کلیسای محلیتان برای بشارت به یهودیان در اجتماع خود چه کارهایی می توانید انجام دهید؟

۳. شما از اشتباهات بسیاری در اسرائیل کهن، چه چیزی می توانید بیاموزید؟ چگونه می توانیم امروزه از انجام کارهای مشابه آن اجتناب نماییم؟

## غلبه بر اهریمن با نیکی



### بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب‌های ۱۲ و ۱۳.

**آیه حفظی:** «هم شکل این جهان نشوید بلکه به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد تا بتوانید اراده خدا را تشخیص بدهید و آنچه را که مفید و پسندیده و کامل است، بشناسید.» (رومیان باب ۱۲ آیه ۲).

اگر چه پولس بدنبال آگاه نمودن رومیان از برداشت نادرستشان از شریعت می باشد، همه مسیحیان را نیز به معیار والای فرمانبرداری فرا می خواند. اطاعت از تغییر درونی در قلب و ذهن بوجود می آید، تغییری که تنها از طریق قدرت خدا در فردی است که تسلیم او می شود. رساله رومیان شامل هیچ اشاره ای به اینکه این اطاعت بخودی خود حاصل میشود نیست. ذهن فرد مسیحی باید در مورد آنچه از او خواسته شده روشن شود؛ او باید برای اطاعت از آن خواسته ها اشتیاق داشته باشد؛ و در نهایت، فرد مسیحی باید بدنبال قدرتی باشد که بدون آن، فرمانبرداری ناممکن است.

این بدین معناست که اعمال، بخشی از ایمان مسیحی هستند. پولس هرگز قصد کم ارزش نمودن اعمال را ندارد؛ او در باب های ۱۳ تا ۱۵ بر اعمال تأکید زیادی می کند. این مطلب به هیچ وجه انکار آنچه که قبلاً درباره عادل شمرده شدن از طریق ایمان گفته است، نمی باشد. در مقابل، اعمال تجلی درست از چیزی است که زندگی با ایمان را مفهوم میبخشد. حتی می توان استدلال نمود که بدلیل مکاشفه ای که پس از آمدن عیسی اضافه گردید، الزامات عهد جدید دشوارتر از آنچه می هستند که در عهد قدیم لازم بود. به ایمانداران عهد جدید در عیسی مسیح، الگویی مناسب از رفتار اخلاقی داده شد. او و نه هیچ کس دیگری الگویی را نشان میدهد که باید از آن تبعیت کنیم «پس همین فکر در شما باشد که» [نه موسی، نه دانیال، نه داود، نه سلیمان، نه خنوخ، نه دبور و نه الیاس] «مقدم بر عیسی نبودند.» (فیلیپیان باب ۲ آیه ۵).

معیاری بالاتر از این وجود ندارد و نمی تواند باشد.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۳ دسامبر آماده شوید.

## یکشنبه

۱۷ دسامبر

### خدمت خردمندانه شما

بخش اصول تعلیمی رساله رومیان، با فصل ۱۱ خاتمه می یابد. فصل های ۱۲ تا ۱۶ دستورالعمل های عملی و نکات شخصی را ارائه می کنند. با این وجود، این فصل های پایانی بسیار مهم هستند زیرا نحوه زندگی ایمانی را نشان می دهند.

برای تازه واردان، ایمان جایگزینی برای اطاعت نیست، بطوری که ایمان به نوعی وظیفه ما را در اطاعت از خداوند باطل می سازد. احکام اخلاقی همچنان قابل اجرا هستند؛ آنها در عهد جدید توضیح داده شده و تقویت شده اند. و همچنین هیچ اشاره ای نشده است که هماهنگ نمودن زندگی فرد مسیحی با این احکام اخلاقی آسان خواهد بود. بلعکس، به ما گفته شده است که گاهی می تواند دشوارتر باشد زیرا مبارزه با نفس و گناه همیشه سخت است. (اول پطرس باب ۴ آیه ۱). به فرد مسیحی قدرت الهی و اطمینان داده شده که پیروزی امکان پذیر است، اما ما همچنان در دنیای خصم بسر می بریم و باید مبارزات زیادی علیه وسوسه انجام دهیم. خبر خوش این است که در صورت سقوط و یا لغزش، رانده نخواهیم شد بلکه کاهنی اعظم داریم که بخاطر ما وساطت می کند. (عبرانیان باب ۷ آیه ۲۵).

رومیان باب ۱۲ آیه ۱ را بخوانید. مقایسه ارائه شده در اینجا چگونه نحوه زندگی ما مسیحیان را آشکار می سازد؟ رومیان باب ۱۲ آیه ۲ چگونه با این آیه منطبق است؟

---

پولس در رومیان باب ۱۲ آیه ۱ به قربانی کردن های عهد قدیم اشاره می کند. همانطور که در قدیم حیوانات برای خدا قربانی می شدند، اکنون نیز مسیحیان باید جسم های خود را تسلیم خدا کنند - نه اینکه کشته شوند بلکه به عنوان قربانی های زنده وقف خدمت او باشند.

در زمان اسرائیل کهن هر پیشکشی که برای قربانی کردن آورده می شد، بدقت مورد بررسی قرار می گرفت. در صورت وجود هر گونه عیب در حیوان، رد می شد، زیرا خدا فرمان داده بود که پیشکش بدون عیب باشد. بنابراین به مسیحیان دستور داده شده است بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده مقدس پسندیده خدا، ارائه کنند. به منظور انجام

اینکار، تمام قدرت های ایشان باید به بهترین شکل ممکن حفظ شود. اگر چه هیچ کدام از ما بدون عیب نیستیم، نکته این است که باید تا جایی که می توانیم، بدنال یک زندگی پاک و وفادارانه باشیم.

«به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد» (رومیان باب ۱۲ آیه ۲). رسول به این صورت پیشرفت (مسیحی) را توصیف می کند؛ زیرا او به کسانی که قبلاً مسیحی شده اند اشاره می کند. زندگی مسیحی بدین معنی نیست که ثابت بایستید بلکه باید از آنچه که خوب است به آنچه که بهتر است، تبدیل شوید.» - مارتین لوتر، Commentary on Romans, pp. ۱۶۷, ۱۶۸. حرکت از خوب به بهتر در زندگی مسیحی به چه معناست؟

۱۸ دسامبر

دوشنبه

## هوشیارانه اندیشیدن

در این ثلث درباره ابدی بودن احکام اخلاقی خدا بسیار زیاد صحبت کرده ایم و بارها تاکید نموده ایم که پیام پولس در رساله رومیان چنین تعلیم می دهد که ده فرمان منسوخ شده است و یا به نوعی از طریق ایمان، باطل نگردیده است. با این وجود، چنان گرفتار کلمات احکام شده ایم که روح احکام را فراموش کرده ایم. و آن روح محبت است - محبت برای خدا و یکدیگر. در حالی که همه می توانند ادعای محبت کنند، آشکار نمودن این محبت در زندگی روزانه می تواند موضوعی کاملاً متفاوت باشد.

رومیان باب ۱۲ آیات ۳ تا ۲۱ را بخوانید. ما باید چگونه محبت خود را نسبت به دیگران آشکار سازیم؟

همانطور که در اول قرن تیان باب های ۱۲ و ۱۳ آمده است، پولس پس از اشاره به عطایای روح، محبت را اعتلا میبخشد. محبت (به یونانی agape) شیوه عالی تری از محبت را بازگو میکند. «خدا محبت است» (اول یوحنا باب ۴ آیه ۸). بنابراین، محبت شخصیت خدا را توصیف می کند. محبت نمودن یعنی رفتار کردن با دیگران آنگونه که خدا رفتار می کند و عمل نمودن در برابر دیگران مانند خدا می باشد.

پولس در اینجا نشان می دهد که این محبت چگونه باید به شیوه ای عملی ابراز شود. یک اصل مهم بوجود می آید و آن تواضع شخصی است: تمایل فرد به نداشتن «فکرهای بلندتر از آنچه شایسته است» (رومیان باب ۱۲ آیه ۳)، تمایل به «اکرام یکدیگر بیشتر از خود» (رومیان باب ۱۲ آیه ۱۰)، و تمایل به «خود را بالاتر از دیگران ندانستن» (رومیان باب ۱۲ آیه ۱۶). سخنان مسیح درباره خود چنین تداعی میکند که: «یوغ مرا بگردن گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا من بردبار و فروتن هستم و جانهای شما آرامی خواهد یافت» (متی باب ۱۱ آیه ۲۹).

از بین همه مردم، مسیحیان باید متواضع ترین باشند. گذشته از هر چیز به این نکته بنگرید که ما تا چه حد درمانده هستیم. ببینید تا چه میزان گمراهیم. و ببینید تا چه حد نه تنها وابسته به عدالتی خارج از خود برای نجات بلکه همچنین نیرویی در خود به منظور تغییر بگونه ای که خود هرگز از عهده آن بر نمی آئیم. ما چه چیزی برای بالیدن داریم؟ ما چه چیزی برای خودستایی داریم؟ ما چه چیزی از خود داریم که بتوانیم به آن افتخار کنیم؟ هیچ چیز. ما برای شروع این فروتنی فردی - نه تنها در برابر خدا بلکه در برابر دیگران - باید آنگونه که پولس در این آیات به ما اندرز می دهد، زندگی کنیم.

رومیان باب ۱۲ آیه ۱۸ را بخوانید. شما تا چه حد بخوبی این پند را در زندگیتان در حال حاضر اعمال می کنید؟ آیا ممکن است به منظور انجام آنچه کلام خدا در آن به ما می گوید، رفتارتان را اصلاح نمایید؟

۱۹ دسامبر

سه شنبه

## مسیحیت و حکومت

رومیان باب ۱۳ آیات ۱ تا ۷ را بخوانید. چه اصول اساسی درباره روش هایی که از طریق آنها می توانیم با قدرت مدنی حکومت ارتباط برقرار کنیم، می توانیم از این آیات بدست آوریم؟

آنچه سخنان پولس را بسیار جالب می سازد این است که او آنها را در زمانی که یک امپراطوری بت پرست بر جهان حکمرانی می نمود، نوشت - امپراطوری که می توانست بسیار وحشی، در هسته فاسد باشد، که چیزی درباره خدای حقیقی نمی دانست و در طی تنها چند سال شروع به آزار و اذیت کسانی که خواستار عبادت آن خدا بودند، می نمود. درواقع، پولس توسط حکومت به مرگ محکوم شد! اما با وجود همه اینها پولس

از این طرفداری می نمود که مسیحیان حتی تحت حکمرانی چین حکومتی، شهروندانی خوب باشند؟

بلی. و این بدین دلیل است که ایده دولت خود در کتاب مقدس مشاهده می شود. مفهوم و اصل دولت از طرف خدا مقرر شده است. انسانها نیازمند زندگی در یک اجتماع با قوانین و مقررات و معیارها می باشند. هرج و مرج مفهومی نیست که بر پایه کتاب مقدس باشد.

با گفتن این، مفهومش این نیست که خدا همه اشکال دولت ها یا آنگونه که همه حکومت ها عمل می کنند را می پذیرد؛ بر عکس. لازم نیست برای دیدن برخی از این رژیم های بی رحم بجاهای دوردست در تاریخ یا در این جهان بنگریم. با این وجود حتی در شرایطی مانند این، مسیحیان باید تا حد امکان، از قوانین سرزمینشان اطاعت کنند. مسیحیان باید تا جایی که مطالبات حکومت با آنچه خدا می خواهد در تضاد نباشد، با وفاداری از آن حکومت حمایت کنند. فرد باید پیش از رفتن به راهی که او را در تضاد با قدرت های حاکم قرار می دهد، مسئله را با دقت و دعا و مشورت با دیگران بررسی کند. ما از نبوت می دانیم که همه پیروان وفادار خدا روزی در برابر قدرت های سیاسی حاکم بر جهان خواهند ایستاد (مکاشفه یوحنا باب ۱۳). تا آن زمان، ما باید در برابر خدا شهروندانی خوب در کشور محل زندگیمان باشیم و هر کاری که می توانیم، انجام بدهیم. «ما باید حکومت بشری را به عنوان یک حکم تعیین شده الهی به رسمیت بشناسیم و اطاعت از آن را به عنوان یک وظیفه مقدس در حوضه مشروع آن تعلیم بدهیم. اما زمانی که مطالبات آن در تضاد با مطالبات خدا هستند، ما باید بجای بشر از خدا اطاعت کنیم. کلام خدا باید بالاتر از هر قانون بشری به رسمیت شناخته شود...

«ما ملزم به مبارزه علیه مقامات حکومتی نیستیم. سخنان ما، شفاهی یا کتبی، باید بدقت سنجیده شوند تا مبادا خود را به عنوان کسی که مخالف با قانون و مقررات است مشخص کنیم. ما نباید چیزی غیرضروری بگوییم یا کاری انجام بدهیم که جلوی راه ما را سد کند.» - الن جی. وایت، *The Acts of the Apostles*, p. 69

۲۰ دسامبر

چهارشنبه

## یکدیگر را محبت کنید

«هیچ چیز به کسی مقروض نباشید، به جز محبت به یکدیگر. کسی که دیگران را محبت کند، شریعت را بجا آورده است.» (رومیان باب ۱۳ آیه ۸). ما چگونه باید این آیه را درک کنیم؟ آیا بدین معناست که اگر محبت بورزیم، دیگر ملزم به اطاعت از شریعت خدا نیستیم؟

همانطور که عیسی در موعظه روی کوه انجام داد، پولس در اینجا احکام شریعت را با نشان دادن اینکه محبت باید قدرت محرک پشت کارهای ما باشد قوت می بخشد. از آنجایی که شریعت رو نوشت شخصیت خداست و خدا محبت است، از این رو، محبت کردن به معنی تحقق بخشیدن شریعت می باشد. با این وجود، پولس نوعی معیار مبهم محبت را با احکام دقیق شریعت جایگزین نمی کند، آنگونه که برخی از مسیحیان ادعا می کنند. احکام اخلاقی همچنان الزام آور هستند زیرا بار دیگر این چیزی است که گناه را مشخص می کند - و چه کسی می تواند واقعیت خدا را انکار کند؟ با این وجود، احکام تنها در زمینه محبت می توانند بدرستی نگاه داشته شوند. بیاد داشته باشید برخی از آنهایی که مسیح را به صلیب کشیدند، به خانه بازگشته و احکام را نگاه داشتند!

پولس به چه فرمانهایی به عنوان نمونه هایی که اصل محبت را در نگه داشتن شریعت نشان می دهند اشاره می کند؟ چرا بطور خاص این فرمانها را ذکر می کند؟ (رومیان باب ۱۳ آیات ۹ و ۱۰).

جالب توجه است که عامل محبت، اصلی نبود که تازه معرفی شده باشد. پولس با نقل قول لایوان باب ۱۹ آیه ۱۸، «همسایه خود را مثل خویشتن محبت نما» نشان می دهد که این اصل، یک بخش کامل از نظام عهد قدیم بود. پولس بار دیگر برای حمایت از موعظه انجیل خود به عهد قدیم اشاره می کند. برخی از این آیات چنین استدلال می کنند که پولس تعلیم می دهد که تنها چند فرمان که در اینجا اشاره شده، الزام آور هستند. اگر چنین باشد، پس آیا این بدین معناست که مسیحیان می توانند به پدر و مادر خود بی احترامی کنند و بت ها را بپرستند و خدایان دیگری در برابر خداوند داشته باشند؟ مطمئناً خیر.

به موضوع متن در اینجا توجه کنید. پولس به نحوه ارتباط افراد به یکدیگر اشاره می کند. او به روابط شخصی اشاره دارد که به همین دلیل فرمان هایی که در مرکزیت این روابط قرار دارند را ذکر می کند. استدلال او قطعاً نباید به عنوان باطل کننده سایر احکام تلقی شود. (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۲۰، اول تسالونیکیان باب ۱ آیه ۹، اول یوحنا باب ۵ آیه ۲۱ را ببینید.) علاوه بر این، همانطور که نویسندگان عهد جدید اشاره می کنند ما با نشان دادن محبت به یکدیگر، محبتمان را به خدا نشان می دهیم (متی باب ۲۵ آیه ۴۰، اول یوحنا باب ۴ آیات ۲۰ و ۲۱).

در مورد رابطه خود با خدا و نحوه انعکاس آن در رابطه خود با دیگران بیاندیشید. عامل محبت تا چه میزان در آن روابط دارای اهمیت است؟ چگونه می توانید بیاموزید که به دیگران آنگونه که خدا به شما محبت می کند، محبت بورزید؟

## اکنون زمان نجات ماست

« به علاوه شما می دانید که ما در چه زمانی هستیم و می دانید که موقع بیدار شدن از خواب رسیده است. امروز نجات ما از آن روزی که ایمان آوردیم، نزدیکتر است.» (رومیان باب ۱۳ آیه ۱۱).

همانطور که در تمام دروس این ثلث بیان نمودیم، پولس تمرکز خاصی بر این رساله به رومیان داشت و این برای روشن ساختن نقش ایمان و اعمال در زمینه عهد جدید برای کلیسای روم - بویژه ایمانداران یهودی در آنجا - بود. موضوع نجات و نحوه عادل و مقدس شمرده شدن گناهکار در برابر خداوند بود. پولس برای کمک به کسانی که تمام تاکیدشان بر شریعت بود، شریعت را در نقش و زمینه مناسبش قرار می دهد. اگر چه در حالت ایده ال، یهودیت حتی در زمانهای عهد قدیم مذهبی از فیض بود، احکامگرایی بوجود آمد و خسارت های زیادی ببار آورد. ما به عنوان یک کلیسا باید بسیار مراقب باشیم که همان اشتباه را تکرار نکنیم.

رومیان باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۴ را بخوانید. پولس در اینجا درباره چه رویداد هایی سخن می گوید و ما در انتظار این رویداد ها، چگونه باید عمل کنیم؟

چقدر جالب است که پولس در اینجا با ایمانداران صحبت می کرد و به ایشان می گفت که از خواب بیدار شده و حواس خود را جمع کنند زیرا عیسی باز خواهد گشت. این واقعیت که این مطلب تقریباً دو هزار سال قبل نوشته شد، اهمیتی ندارد. ما باید همواره در انتظار نزدیک بودن آمدن مسیح زندگی کنیم. تا آنجایی که به همه ما مربوط می شود، و تا آنجایی که تجربیات شخصی خودمان مشخص می سازند، بازگشت مسیح به نزدیکی مرگ احتمالی خودمان است. اینکه ما هفته بعد یا ۴۰ سال دیگر چشمان خود را در مرگ فرو ببندیم و اینکه ما ۴ روز یا ۴۰۰ سال بخوابیم - تفاوتی برایمان ندارد. اولین چیزی که پس از آن درک خواهیم نمود، آمدن دوباره عیسی است. از آنجایی که مرگ همواره بطور بالقوه نزدیک هر کدام از ماست، زمان در حقیقت کوتاه است و نجاتمان

نزدیکتر از زمانی است که نخست ایمان آوردیم.

اگر چه پولس در رساله رومیان به آمدن دوباره مسیح به مقدار زیادی نمی پردازد، در رساله های تسالونیکیان و قرنتیان بیشتر به آن با جزئیات اشاره می کند. گذشته از هر چیز، این یک موضوع بسیار مهم در کتاب مقدس و بویژه در عهد جدید می باشد. بدون آن و بدون امیدی که ارائه می دهد، ایمان ما در واقع بی معنی است. گذشته از هر چیز، «عادل شمرده شدن از طریق ایمان» بدون آمدن دوباره که حقیقت شگفت انگیزی که نتیجه را کامل می کند، چه مفهومی دارد؟

اگر شما بطور قطع می دانستید که عیسی ماه بعد می آید، چه چیزی را در زندگیتان خود تغییر می دادید و چرا؟ اگر بر این باورید که باید این چیزها را یکماه پیش از آمدن مسیح تغییر دهید، چرا نباید آنها را اکنون تغییر دهید؟ تفاوت آن در چیست؟

۲۲ دسامبر

جمعه

**تفکری فراتر:** «اراده خدا در کتاب مقدس آشکار شده است. حقایق کلام خدا اظهارات قادر مطلق است. کسی که این حقایق را بخشی از زندگی خود می کند، در هر مفهوم مخلوقی جدید می شود. به او قدرت های ذهنی جدید داده نمی شود، بلکه تاریکی که از طریق جهل و گناه، درک او را تیره ساخته بود از بین می رود. عبارات «دل تازه به شما خواهم داد» به معنی این است که «روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد.» تغییری در قلب همواره با اعتقاد راسخ و روشن وظیفه مسیحی، درکی از حقیقت همراه می باشد. کسی که توجهی دقیق و با دعا به کتاب مقدس دارد، درکی شفاف و قضاوتی درست بدست خواهد آورد، آنگونه که گویا با روی آوردن به خدا به سطح بالاتری از فهم

رسیده است.» - الن جی. وایت، *My Life Today*, p. 24

«خداوند ... بزودی می آید و ما باید برای ظهور او آماده و منتظر باشیم. آه، دیدن او و مورد استقبال قرار گرفتن به عنوان نجات یافتگان او چقدر باشکوه خواهد بود! ما مدت زیادی منتظر هستیم اما نباید امیدمان کم رنگ شود. اگر ما بتوانیم پادشاه را در زیبایی اش ببینیم، برای همیشه برکت داده خواهیم شد. احساس می کنم که باید با صدای بلند فریاد بزنم ... ما در حال نزدیک شدن به زمانی هستیم که مسیح در قدرت و جلالی زیاد خواهد آمد تا نجات یافتگان را به خانه ابدیشان ببرد» - الن جی. وایت،

*Testimonies for the Church*, vol. 8, p. 253.

سوالاتی برای بحث

۱. در کلاس در مورد پرسش پایان مطالعه روز پنج شنبه پردازید. پاسخ های مردم به

این پرسش چه بود و چگونه آنها را توجیه می کردند؟

۲. این پرسش که ما چگونه باید شهروندانی خوب و مسیحیانی خوب باشیم، می تواند گاهی پیچیده باشد. اگر کسی نزد شما می آمد و میخواست برای آنچه که بخاطر آن ایستادگی کرده مبتنی بر ایمان به اراده خداست - حتی اگر او را در تضاد با حکومت قرار می داد - شما به او چه می گفتید؟ چه مشاوره ای می دادید؟ چه اصولی را باید دنبال کنید؟ چرا این چیزی است که ما باید تنها با حداکثر جدیت و دعا ادامه دهیم (گذشته از هر چیز، همه کسانی که به داخل چاه شیرها انداخته می شوند، بدون صدمه بیرون نمی آیند).

۳. فکر می کنید انجام کدام مورد دشوارتر است: تبعیت سخت در نگاه داشتن احکام یا محبت داشتن نسبت به خدا و دیگران بدون قید و شرط؟ یا اینکه می توانید استدلال کنید که این پرسش یک دوگانگی نادرست ارائه می دهد؟ اگر چنین است، چرا؟

۴. همانطور که به پایان این فصل نزدیک می شویم، در کلاس در مورد آنچه که از رساله رومیان آموختید که به درک شما از اهمیت اصلاحات کمک زیادی می کند، صحبت کنید. رومیان درباره آنچه ما باور داریم و دلیل آن، چه چیزی به ما آموخت؟

# زندگی مسیحی



## بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب‌های ۱۴ تا ۱۶.

**آیه حفظی:** « پس تو چرا درباره برادر یا خواهر خود قضاوت می‌کنی؟ یا چرا برادر یا خواهرت را تحقیر می‌نمایی؟ همه ما پیش کرسی قضاوت خدا خواهیم ایستاد.» (رومیان باب ۱۴ آیه ۱۰).

حال در آخرین بخش از مطالعه کتاب رومیان، کتابی که نهضت اصلاحات پروتستان براساس آن بوجود آمد - کتابی که بیش از هر کتاب دیگری باید در واقع دلیل و باقی ماندن ما بعنوان پروتستانها را نشان بدهد. ما پروتستان‌ها بویژه ادونتیسست‌های روز هفتم، معتقد به اصل "کتاب مقدس بنیان اعتقادی محض" به عنوان معیار ایمان می‌باشیم. و از طریق کتاب مقدس است که حقیقتی را که باعث شد نیاکان روحانی ما قرن‌ها قبل، از روم جدا شوند را بعنوان حقیقت بزرگ نجات و رستگاری از طریق ایمان بپذیریم، حقیقتی که در رساله‌های پولس به رومیان با قدرت تمام بیان شد.

شاید تمام مطالب بتواند با پرسش زندانبان بت پرست خلاصه شود، "من چه باید بکنم که نجات یابم؟" (اعمال رسولان باب ۱۶ آیه ۳۰). در رومیان پاسخ به آن پرسش را گرفتیم - و پاسخ آن چیزی نبود که کلیسا در زمان لوتر می‌داد. از این رو اصلاحات آغاز شد و ما امروز اینگونه هستیم. پولس در این بخش آخر، به موضوعات دیگر می‌پردازد که شاید در مرکز موضوع اصلی وی قرار ندارند اما همچنان آنقدر مهم هستند که در رساله وی گنجانده شوند. بنابراین، آنها نیز برای ما کلامی روحانی بشمار می‌روند.

پولس چگونه رساله خود را پایان داد، چه چیزی نوشت و چه حقایقی در آنجا برای ما وجود دارند، میراثی نه تنها از پولس بلکه از نیاکان پروتستان ما؟

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۰ دسامبر آماده شوید.

## ضعیف در ایمان

در رومیان باب ۱۴ آیات ۱ تا ۳، مسئله مربوط به خوردن گوشتی می باشد که ممکن است برای بت ها قربانی شده باشد. شورای اورشلیم (اعمال رسولان باب ۱۵) چنین حکم داد که ایمان آورندگان غیر یهودی تبار می بایست از خوردن چنین غذاهایی خودداری کنند. اما همیشه این پرسش وجود داشت که آیا گوشت های فروخته شده در بازار از حیوانات قربانی شده برای بت ها آمده اند یا خیر (اول قرنتیان باب ۱۰ آیه ۲۵ را ببینید). برخی از مسیحیان اصلاً به این موضوع اهمیت نمی دادند؛ دیگران در صورت داشتن اندک تردیدی تصمیم به خوردن سبزیجات می گرفتند. موضوع هیچ ربطی به مسئله گیاهخواری و شیوه زندگی سالم و بهداشتی نداشت. و همچنین پولس در این آیات اشاره ای به این که تمایز قائل شدن بین گوشت پاک و ناپاک منسوخ شده بود، نمی کند. این موضوع مورد نظر نیست. اگر عبارت «او میتواند همه چیز بخورد» (رومیان باب ۱۴ آیه ۲) به این معنی در نظر گرفته شود که اکنون هر حیوانی، پاک یا ناپاک، قابل خوردن می باشد، اشتباه خواهد بود. مقایسه با سایر آیات عهد جدید در تضاد با چنین کاربردی خواهد بود.

در ضمن، «پذیرفتن» فردی ضعیف در ایمان به معنی موافقت کامل با عضویت او و وضعیت اجتماعی او بود. نباید با آن فرد بحث می شد بلکه به وی حق عقیده و اظهار نظر داده میشد.

پس از رومیان باب ۱۴ آیات ۱ تا ۳، چه اصولی باید بدست آوریم؟

همچنین تشخیص اینکه پولس در رومیان باب ۱۴ آیه ۳ اهمیت دارد زیرا او از کسی که «در ایمان ضعیف است» بطور منفی سخن نمی گوید (رومیان باب ۱۴ آیه ۱). او همچنین به این فرد توصیه نمی کند که چگونه قوی شود. تا آنجایی که به خدا مربوط می شود، مسیحی بیش از حد وسواسی (که ظاهراً بیش از حد وسواسی مورد قضاوت قرار گرفته؛ نه توسط خدا بلکه توسط یاوران مسیحی) مورد پذیرش است. «خدا او را پذیرفته است.»

رومیان باب ۱۴ آیه ۴ چگونه بر آنچه که ما پیش از این بررسی نمودیم، تاکید می کند؟

اگر چه ما باید اصول موجود در درس امروز را در ذهن داشته باشیم، آیا زمان ها و یا مکان هایی وجود ندارد که ما باید قدم به جلو گذاشته و فرد را نه از روی قلب بلکه از طریق اعمال او قضاوت کنیم؟ آیا ما باید در همه موقعیت ها، قدم به عقب

گذاشته چیزی نگوییم و کاری نکنیم؟ اشعیا باب ۵۶ آیه ۱۰ دیده بانان را به عنوان «سگان گنگاند که نمی‌توانند بانگ کنند» توصیف می‌کند. ما چگونه می‌توانیم بدانیم چه زمانی صحبت کنیم و چه زمانی سکوت نماییم؟ چگونه تعادل درست را در اینجا حفظ می‌کنیم؟

## دوشنبه

۲۵ دسامبر

### در برابر جایگاه داوری

رومیان باب ۱۴ آیه ۱۰ را بخوانید. پولس در اینجا چه دلایلی برای ما ارائه می‌کند که در مورد قضاوت درباره دیگران مراقب باشیم؟

ما گرایش داریم که گاهی در مورد دیگران بشدت قضاوت کنیم و این اغلب برای چیزهایی است که خود نیز انجام می‌دهیم. اگر چه اغلب کارهایی که ما انجام می‌دهیم به بدی زمانی که دیگران آنها را انجام می‌دهند، به نظر نمی‌رسند. ما ممکن است با ریاکاریمان خود را فریب دهیم اما نمی‌توانیم خدا را فریب دهیم که به ما هشدار داد: « درباره دیگران قضاوت نکنید تا مورد قضاوت قرار نگیرید. همان‌طور که شما دیگران را محکوم می‌کنید خودتان نیز محکوم خواهید شد. با هر پیمان‌ه‌ای که به دیگران بدهید، با همان پیمان‌ه عوض خواهید گرفت. چرا پر کاهی را که در چشم برادرت هست می‌بینی، ولی در فکر چوب بزرگی که در چشم خود داری نیستی؟ یا چگونه جرأت می‌کنی به برادر خود بگویی: "اجازه بده پر کاه را از چشمت بیرون آورم" حال آنکه خودت چوب بزرگی در چشم داری.» (متی باب ۷ آیات ۱ تا ۴).

مفهوم این گفته از عهد قدیم چیست که پولس در اینجا معرفی می‌کند؟ رومیان باب ۱۴ آیه ۱۱.

نقل قول از اشعیا باب ۴۵ آیه ۲۳، از این اندیشه پشتیبانی می‌کنند که همه باید برای قضاوت حاضر باشند. «هر زانو» و «هر زبان» در رومیان ۱۴: ۱۱ به این مطلب مهم تاکید دارد که فراخوانی بصورت فردی است. مطلب خود بر این نکته دلالت دارد که هر کس باید برای زندگی و اعمال خود جوابگو باشد (رومیان باب ۱۴ آیه ۱۲). هیچ کس نمی‌تواند جوابگوی دیگری باشد. در این مفهوم مهم، ما نگهبان برادر خود نیستیم.

با در نظر داشتن این زمینه در ذهن، چگونه آنچه را که پولس در رومیان باب ۱۴ آیه ۱۴ می گوید، درک می کنید؟

موضوع همچنان غذاهای قربانی شده برای بت ها می باشد. بطور واضح مسئله تمایز میان غذاهای پاک یا ناپاک نمی باشد. پولس می گوید که بخودی خود خوردن غذاهایی که ممکن است به بت ها پیشکش شده باشند، اشتباه نیست. گذشته از هر چیز، یک بت چیست؟ هیچ چیز (اول قرنیتیان باب ۸ آیه ۴ را ببینید)، بنابراین چه اهمیتی دارد اگر برخی از بت پرستان به یک مجسمه، یک قورباغه یا یک گاو نر غذا پیشکش می کردند؟ یک فرد نباید مجبور به ستیز با وجدان خود بشود حتی اگر وجدانش بیش از حد حساس باشد. این واقعیت را ظاهراً برادران «قوی» در ایمان درک نکردند. آنها از وسواس برادران ضعیف نفرت داشتند و سنگ های لغزش را در راه آنها قرار می دادند.

آیا ممکن است شما در تعصبات نسبت به خداوند، در خطر آنچه پولس در اینجا نسبت به آن هشدار می دهد، قرار داشته باشید؟ چرا ما باید مراقب این موضوع باشیم که خود را بجای وجدان دیگران قرار ندهیم، هر چند نیتمان خوب باشد؟

۲۶ دسامبر

سه شنبه

## بدون توهین

رومیان باب ۱۴ آیات ۱۵ تا ۲۳ را بخوانید (اول قرنیتیان باب ۸ آیات ۱۲ و ۱۳ را نیز ببینید). خلاصه آنچه را که پولس می گوید در قسمت زیر بنویسید. ما از این آیات چه اصولی بدست می آوریم که می توانیم در تمام زمینه های زندگی خود اعمال کنیم؟

پولس در رومیان باب ۱۴ آیات ۱۷ تا ۲۰، جنبه های متفاوتی از مسیحیت را در چشم اندازی مناسب قرار می دهد. اگر چه رژیم غذایی مهم است ولی مسیحیان نباید بر سر انتخاب های مردم برای خوردن گیاهان بجای گوشت هایی که ممکن است قربانی بت ها بوده باشند، اختلاف داشته باشند. در عوض، آنها باید بر روی عدالت، صلح و شادی در روح القدس تمرکز داشته باشند. ما چگونه می توانیم این اندیشه را در مورد مسئله رژیم غذایی در زمان حال، در کلیسایمان اعمال کنیم؟ هر چقدر پیام سلامتی، و بویژه آموزه های مربوط به رژیم غذایی می توانند برای ما مایه برکت باشند، همه این موضوع را به یک شیوه نمی بینند و ما باید به این تفاوت ها احترام بگذاریم.

پولس در رومیان باب ۱۴ آیه ۲۲، در میان همه اینها، در مورد رها کردن مردم به داشتن وجدان خود، پیش بینی از روی احتیاط جالبی به مطلب خود می افزاید: «خوشا به حال کسی که وقتی کاری انجام می دهد، وجدانش او را سرزنش نمی کند» پولس در اینجا چه هشدار می دهد؟ این مطلب چگونه سایر چیزهایی را که او در اینباره می گوید، متعادل می سازد؟

آیا شنیده اید کسی بگوید، «به شما ارتباطی ندارد من چه چیزی می خورم، چه چیزی می پوشم و چه نوع سرگرمی دارم؟» آیا چنین است؟ هیچ کدام از ما در مکانی عاری از اجتماع زندگی نمی کنیم. اقدامات، کارها و کردارمان و حتی رژیم غذایی مان می تواند بصورت خوب یا بد بر دیگران تاثیر بگذارد. دیدن نحوه آن دشوار نمی باشد. اگر کسی که به عنوان الگو به شما نگاه می کند، متوجه شود که کار «اشتباهی» انجام می دهید، امکان دارد تحت تاثیر شما همان کار را انجام بدهد. اگر غیر از این فکر کنیم، در واقع خود را فریب داده ایم. این استدلال که شما آن فرد را مجبور به انجام آن کار نکردید، در حاشیه قرار دارد. ما مسیحیان نسبت به یکدیگر مسئولیت هایی داریم و اگر الگوی ما بتواند فردی را گمراه سازد، مقصر ما هستیم.

شما چه الگویی ارائه می دهید؟ آیا احساس راحتی خواهید کرد که دیگران بویژه جوانان یا ایمانداران جدید در همه زمینه ها، از شما به عنوان الگو پیروی کنند؟ پاسخ شما درباره خودتان چه چیزی بازگو میکند؟

۲۷ دسامبر

چهارشنبه

## رعایت روزها

در این بحث در مورد قضاوت نکردن دیگرانی که ممکن است دیدگاهی متفاوتی نسبت به ما داشته باشند و نبودن سنگ لغزش یا مانع برای دیگران که ممکن است از کارهای ما ناراحت شده باشند، پولس مسئله روزهای خاصی را مطرح می کند که برخی می خواهند رعایت کنند و برخی دیگر نمی خواهند.

رومیان باب ۱۴ آیات ۴ تا ۱۰ را بخوانید. ما چگونه باید آنچه را که پولس در اینجا می گوید درک کنیم؟ آیا این چیزی در مورد فرمان چهارم می گوید؟ اگر خیر چرا؟

پولس در مورد چه روزهایی سخن می گوید؟ آیا در مورد نگاه داشتن یا نگاه نداشتن بر خی روزها در کلیسای اولیه اختلاف وجود داشت؟ ظاهراً چنین است. ما اشاره ای از چنین اختلافی را در غلاطیان باب ۴ آیات ۹ و ۱۰ می بینیم، جایی که پولس مسیحیان غلاطیه را برای رعایت «روزها، ماه ها، فصل ها و سال ها» سرزنش می کند. همانطور که در درس ۲ گفتیم، برخی در کلیسا، مسیحیان غلاطیه را به ختنه و نگاه داشتن سایر احکام موسی تشویق کرده بودند. پولس می ترسید که این اندیشه ها ممکن است به کلیسای رومیان آسیب برسانند. اما شاید در روم این بویژه مسیحیان یهودی تبار بودند که در متقاعد ساختن خود به این که دیگر نیاز به نگه داشتن عیدهای یهودی نداشتند، دشوار بود. پولس در اینجا می گوید: آنگونه که مایلید در این زمینه رفتار کنید؛ نکته مهم قضاوت نکردن در باره کسانی است که موضوع را نسبت به شما متفاوت می بینند. ظاهراً برخی از مسیحیان برای اطمینان، تصمیم به نگاه داشتن یک یا چند مراسم یهودی نمودند. نصیحت پولس چنین است: اجازه دهید آنها آنگونه که متقاعد شده اند، عمل نمایند.

آوردن سبت هفتگی در رومیان باب ۱۴ آیه ۵، آنگونه که برخی استدلال می کنند، بی دلیل می باشد. آیا می توان تصور نمود که پولس چنین نگرش عقب مانده ای در مورد فرمان چهارم داشته باشد؟ همانطور که در تمام فصل دیده ایم، پولس تاکید زیادی بر اطاعت از احکام داشت، پس او مطمئناً فرمان سبت را همردیف با آن دسته از مردم که درباره خوردن غذاهای پیشکش شده به بت ها مقید بودند، قرار نمی داد. هر چند که این آیات عموماً به عنوان نمونه ای برای نشان دادن اینکه روز هفتم سبت دیگر الزام آور نیست، بکار برده می شوند، اما درواقع این آیات چنین چیزی نمی گویند. چنین استفاده ای یک مثال برجسته از آنچه که پطرس در مورد استفاده مردم از نوشته های پولس هشدار داد، می باشد: «در این نامه ها گاهی مطالب دشواری هست که مردمان جاهل و ناپایدار از آنها تفسیر غلط می کنند، همان طور که با قسمت های دیگر کتاب مقدس هم رفتار می کنند و از این راه هلاکت را نصیب خود می سازند.» (دوم پطرس باب ۳ آیه ۱۶).

تجربه شما در مورد روز سبت چه بوده است؟ آیا آن برکتی که قرار بوده برایتان بوده است؟ به منظور تجربه کامل تر آنچه خداوند در سبت به شما وعده می دهد، چه تغییراتی می توانید ایجاد کنید؟

این آیات به چه روشهایی مفهوم پیرو عیسی بودن را نشان می دهند؟

---

چه آیات دیگری چنین اندیشه ای را آموزش می دهند؟ مهمتر از همه اینکه، شما خود چگونه می توانید این اصل را بکار ببرید؟

---

در حالی که رساله خود را به پایان می رساند، چه دعای خیری ادا نمود؟ رومیان باب ۱۵ آیات ۵، ۶، ۱۳، ۳۳.

---

خدای صبر به معنی خدایی است که به فرزندان خود در تحمل صبورانه کمک می کند. واژه «صبر»، hupomone، به معنی «شکیبایی»، «استقامت دائمی» می باشد. واژه برای «تسلی» ممکن است بصورت «دلگرمی» ترجمه شود. خدای دلگرمی خدایی است که تشویق می کند. خدای امید یعنی خدایی که به بشر امید داده است. و به همین ترتیب خدای صلح خدایی است که صلح می بخشد و در او می توان آرامش داشت.

پولس پس ازدروود و ثناهای شخصی متعدد، چگونه رساله خود را به پایان می رساند؟ رومیان باب ۱۶ آیات ۲۵ تا ۲۷.

---

پولس نامه خود را با حمد و ستایش شکوهمندانه بر خدا خاتمه می دهد. خدا کسی است که همه مسیحیان روم و همه مسیحیان می توانند با اطمینان به او اعتماد کنند تا جایگاهشان را به عنوان پسران و دختران نجات شده خدا، عادل شمرده شده از طریق ایمان و اکنون هدایت شده توسط روح خدا تایید نمایند.

می دانیم که خداوند در واکنش به وضعیتی خاص در یک زمان خاص به پولس الهام بخشید تا این رساله را به رشته تحریر در آورد. آنچه که نمی دانیم، تمام جزئیات مربوط به آنچه که خداوند در مورد آینده برای پولس آشکار نموده است، می باشد.

آری پولس در مورد «ارتداد» (دوم تسالونیکیان باب ۲ آیه ۳) آگاه بود، اگر چه آیات در مورد میزان دانست او به ما چیزی نمی گویند. بطور خلاصه ما نمی دانیم که آیا پولس آگاهی از نقش خود و نوشته هایش بویژه این رساله درباره رویداد های پایانی داشت یا خیر. در یک مفهوم، این مهم نیست. آنچه اهمیت دارد این است که پروتستان در این آیات بوجود آمد و کسانی که بدنبال وفادار ماندن به عیسی هستند، اساس کتاب مقدس، که پایه ایمان و تعهد خود را بر آن قرار می دهند حتی در زمانی که جهان «در پیروی از وحش» شگفت زده شود (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۳).

**تفکری فراتر:** میتوانید مطالب زیر را مطالعه کنید:

Read Ellen G. White, "Unity and Love in the Church", pp. 477, 478; "Love for the Erring", pp. 604-606, in *Testimonies for the Church*, vol. 5; "Helping the Tempted", p. 166, in *The Ministry of Healing*; p. 719, in *The SDA Bible Commentary*, vol. 6.

«خطری که امت خدا برای دنبال روی از برادر و خواهر وابت با آن مواجه بودند و اندیشه ای که آنها برای رنجهای گرانبار خود باید نزد آنها بیایند و از آنان تدبیر و مشورت بجویند به من نشان داده شد که نباید اینگونه باشد. آنها با قلبی مشفق و عشق به منجی ، باید نزد او یعنی (خدا) بیایند، هنگامی که خسته و گرانبارند و او آنها را آرامی خواهد بخشید... بسیاری با این پرسش نزد ما می آیند: آیا من باید اینکار را انجام بدهم؟ آیا باید در این امر شرکت کنم؟ یا در مورد لباس پوشیدن، آیا باید این جامه را بپوشم یا آن جامه را؟ من به آنها پاسخ می دهم: شما ادعا می کنید که شاگردان مسیح هستید. کتاب های مقدس خود را بخوانید. زندگی نجات دهنده عزیزمان هنگامی که در میان بشر بر روی زمین ساکن بود را بدقت و با دعا بخوانید. از زندگی او تقلید نمائید و دیگر از مسیر باریک منحرف نخواهید شد. ما کاملاً از اینکه وجدان شما باشیم صرف نظر می کنیم. اگر ما به شما بگوییم چه کاری انجام بدهید، شما برای هدایت به ما نگاه خواهید کرد بجای اینکه مستقیم به خود عیسی بنگرید.» - الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر: Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 2, pp. 118, 119.

ما نباید مسئولیت هایی که وظیفه آن به عهده خودمان است را بر دوش دیگران بگذاریم و منتظر باشیم تا آنها به ما بگویند چه کاری انجام دهیم. ما نمی توانیم برای مشاوره به بشر متوسل شویم. خداوند درست به همان علاقه ای که وظایف فردی دیگر را آموزش می دهد، وظایف ما را نیز آموزش خواهد داد ... کسانی که تصمیم می گیرند کارهایی که خدا را ناراحت می کنند، انجام ندهند، پس از ارائه مساله خود نزد خدا، خواهند دانست چه روشی را دنبال کنند.» بر گرفته از مرجع روبرو - *The Desire of Ages*, p. 668.

«همیشه افرادی در کلیسا وجود داشتند که دائماً بسوی استقلال فردی سوق دارند. آنها به نظر ناتوان می رسند که تشخیص دهند استقلال روح مسئول هدایت بشر به داشتن اعتماد بنفس زیاد و اعتماد به داوری های خود بجای احترام به مشورت و داوری برادران قابل احترامش است.» - بر گرفته از مرجع زیر:

*The Acts of the Apostles*, pp. 163, 164.

## سوالاتی برای بحث

با توجه به برخی از موضوعات این هفته ما مسیحیان چگونه تعادل درست را در موارد زیر می یابیم:

(الف) وفادار بودن به آنچه که ایمان داریم، و در عین حال قضاوت نکردن دیگران که مسائل را متفاوت از ما می بینند؟

(ب) صادق بودن با وجدان خود و بدنبال اینکه وجدان دیگران نباشیم در حالی که همزمان بدنبال کمک به کسانی که باور داریم در خطا هستند؟ چه زمانی صحبت کنیم و چه زمانی ساکت بمانیم؟ ما در صورت ساکت ماندن در چه صورت مقصر هستیم؟

(ج) آزاد بودن در خداوند و در عین حال پی بردن به مسئولیت‌مان در الگوی خوب بودن برای کسانی که ممکن است به عنوان الگو به ما بنگرند؟